

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

نشریه محراب سال سوم / شماره هفتم



صاحب امتیاز و مدیر مسئول:

معاونت جذب و آموزش مرکز رسیدگی به امور مساجد

سر دبیر: محمدصادق منتظری

دبیر تحریریه: مهدی منتظری

دبیر سرویس پیشخوان: رضا سادات

دبیر پرونده مهدویت: حسین رحیمی

دبیر سرویس امام مسجد: ابوالفضل میرشکاری

دبیر سرویس همسرانه: مهدی رزاقی طالقانی

همکاران تحریریه: حجج اسلام سیدمسعود پورسیدآقای، رضا محمدی شاهرودی

سید سجاد ایزدهی، حجت الله ذاکر، مهدی عسکری و مریم فولادی نسب،

فاطمه مرادی، روح الله دعایی، فاطمه دولتی، محسن رحیمی

ویراستار: الهام اشرفی

طراح و گرافیک: داود دادور

نشانی: تهران / خیابان سعدی شمالی / کوچه صفامنش / مجتمع فرهنگی

آموزشی محراب / طبقه اول

کد پستی: ۵۶۵۱۱۱۴۵۷

تلفن: ۰۲۱۶۶۳۴۶۹۴۱

نمابر: ۰۲۱۶۶۳۴۷۹۳۴

تارنما: amozesh.masjed.ir

پیشخوان

هویت و عناصر هویت ۶

باید شیوه‌های استمرار را در داخل خود گفتمان پیدا کرد ۱۲

پرونده مهدویت

منتظر تربیت شویم! ۱۸

شباهات مهدویت کلامی، نه فقهی ۲۳

مهدویت و شباهات فرقه‌ای ۲۷

معرفی کتاب ۳۷

منتظر بساز! ۴۱

لینک سایت‌های در ارتباط با مهدویت ۴۴

امام مسجد

خوش لباس خوش بو خوش سخن ۴۶

مسجد تجمع برای وفای به عهد ۵۱

مسجد فرهنگی، مسجدی قرآنی است ۵۵

همسرانه

آیا میان سبک زندگی خانواده‌ی امام جماعت و باقی مردم تناقض وجود دارد؟ ۶۰

حباب تناقض ۶۴

راهکارهای رفع تناقض در سبک زندگی خانواده‌ی امام جماعت و جامعه ۶۸

تدبیر، تعقل و مادر ۷۲

آموزش مهدویت به کودکان ۷۵

برای تولد ۱۸۸ سالگی امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف چه برنامه‌ای داری؟ ۷۸



عقلانیت و مهدویت

عده‌ای عالمانه یا جاهلانه، عاملانه یا غافلانه، آموزه مهدویت را به‌گونه‌ای تفسیر کرده‌اند، که موجب شیوع باورهای نادرست شده است. برخی از این باورها عبارتند از:

■ ۱- تعیین وقت ظهور؛ امامان معصوم علیهم‌السلام بیشترین تأکید را بر عدم تعیین زمان برای ظهور مهدی موعود عجل‌الله‌تعالیه داشتند و حتی کسانی را که زمانی معین برای ظهور مشخص می‌کردند دروغ‌گو می‌نامیدند. اما عده‌ای مانند سید کاظم رشتی، شاگرد شیخ احمد احسائی و پس از او

اندیشه جهانی و نجات‌بخش مهدویت با مبانی قوی و روشنایی بخش خود در هر ساحتی که وارد می‌شود، حرف اول را می‌زند. از آنجا که این رستاخیز بزرگ برای ذهن‌ها، فکرها، انسان‌های آلوده و قدرت‌های منحرف سودآفرین نیست؛ همیشه یا آن را تحریف می‌کنند و یا قامت بر نابودی‌اش می‌بندند. ازاین‌رو، انحراف‌زدایی از آموزه اصیل مهدویت در ساحت فردی و اجتماعی و زنده نگه داشتن علمی و عملی آن یک ضرورت اجتناب‌ناپذیر است.

مَن زنده است به عشق تو ای صاحب زمان

عده‌ای از این فرصت به دست آمده استفاده کرده و مدعی مهدویت می‌شوند.

■ ۵. گاهی افراد و مجموعه‌ها در قالب گفتار، مقاله و حتی کنفرانس به بحث‌هایی روی می‌آورند که هیچ ضرورتی برای طرح کردن آن‌ها احساس نمی‌شود، بلکه گاهی سبب ایجاد شبهه‌ها و سؤالات انحرافی در ذهن و اندیشه منتظران می‌گردد. برای نمونه پرداختن به بحث «ملاقات با امام زمان» و ترغیب و تشویق فراوان و افراطی نسبت به این موضوع، پیامدهای ناگواری دارد و سبب ناامیدی و گاهی انکار امام زمان عجل الله تعالی فرجه له می‌شود. این ادعاها موجب می‌شود عده‌ای نیز از این موضوع استفاده کرده و ادعای ملاقات با آن حضرت را کنند و از این موضوع جهت پیشبرد اهداف خود استفاده کنند.

جای تردید نیست که ادعاهای دروغین مهدویت به یک باره رخ نمی‌نمایند؛ بلکه زمینه‌های فکری، فرهنگی و اجتماعی در پیدایش آن‌ها اثرگذارند. لازم است که احباب‌گران اندیشه اسلامی و مصلحان دینی و اجتماعی، آفات شناسی، آفات زدایی و مبارزه عالمانه و هوشمندانه با انحرافات و تحریفات معرفتی و معنوی را رسالتی مشترک و تعهدی برای خویش تلقی کنند تا «مهدویت» تحول‌آفرین، عبرت‌آموز و درس‌دهنده باقی بماند. بی‌تردید این وظیفه مهم معلول بینش و گرایش معرفت‌مندانه و ژرف‌اندیشانه و در عین حال حماسه‌آفرینانه اصحاب خرد و ارباب معرفت و پرچم‌داران شریعت است.

نخستین پیروان علی محمد باب و... در طول تاریخ با وعده‌های دروغین خود درباره ظهور موجب انحراف اذهان می‌شدند.

■ ۲. اعتقاد به مهدویت نوعی؛ درحالی‌که شیعه مهدویت خاصه را قبول دارد و معتقد است تنها یک فرد مهدی این امت است و او موعود امت‌ها و ملت‌هاست و ابعاد و ویژگی‌های او مشخص است. ولی بعضی از صوفیه و عرفا عقیده دارند در هر عصر و دوره‌ای باید یک مهدی وجود داشته باشد، که ویژگی‌ها و خواص مهدویت و هادویت را داشته باشد.

■ ۳. سطحی‌نگری درباره مهدویت؛ یکی از ریشه‌های انحراف و تحریف پیرامون مهدویت، نگاه «سطحی» به آن است؛ یعنی صرفاً نقل گزارش از ظهور حضرت، بدون توجه به فلسفه قیام، انگیزه‌های قیام مصلح جهانی، پیامدها و آثار حکومت جهانی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه له و... این نقلیات و روایات تاریخی گوناگون و «متهافت» و «متناقض» از پدیده مهدویت و بدون تحلیل عقلانی عاملی می‌شود، تا نقل‌ها و فهم‌های متفاوت و متهافت از حکومت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه له بازشناسی و نقد نگردد و شبهات در جامعه گسترش یابند.

■ ۴. تطبیق نشانه‌های ظهور بر مصادیق خاص؛ که عده‌ای از مدعیان یا از روی عمد نشانه‌های مهدی موعود را بر خود تطبیق می‌دادند و یا دیگران از روی جهل و نادانی، نشانه‌های مهدی موعود را بر شخصی خاص منطبق می‌کردند.

در سرویس پیشخوان این شماره نشریه محراب، نکاتی پیرامون هویت ملی از دیل بیانات مقام معظم رهبری ارائه شده است و در ادامه در گفت و گویی به اهمیت گفتمان انقلاب اسلامی پرداخته شده است و راههای استمرار آن در ادامه مسیر مورد واکاوی و آسیب شناسی قرار گرفته است

پیشخوان



باید شیوه‌های استمرار
را در داخل خود گفتمان
پیدا کرد



هویت و
عناصر هویت



هویت و عناصر هویت

درباره عناصر هویت ملی در اندیشه مقام معظم رهبری

هویت ملی، یکی از اساسی‌ترین اجزای تعریف هر فرد از خود است و نقش تعیین‌کننده‌ای در معادلات جهان معاصر دارد. در تعریف هویت ملی آمده است: «هویت ملی، هویت یا احساس تعلق فرد به یک دولت یا یک ملت است؛ یک حس مشترک که مردم به یک وحدت کلی درک می‌کنند که نمود خود را در سنت‌ها، فرهنگ یا زبان سیاست نشان می‌دهد. هویت ملی از نظر روان‌شناختی به عنوان آگاهی و احساس از تفاوت بین ما و آنها تلقی می‌شود.» از این منظر، هویت ملی دارای عناصر سازنده گوناگونی چون ارزش‌های ملی، دینی، فرهنگی، جامعه‌ای، انسانی، و در ابعاد فرهنگی، اجتماعی، تاریخی جغرافیایی، سیاسی، زبانی و غیره است.

نویسنده: فاطمه مرادی



نشریه محراب
شماره هفتم



جان آنان را نمونه‌ای عالی برای بیدارکردن حس هویت ملی در افراد می‌داند:

شهید و شهادت، از جمله چیزهایی است که هویت ملی را برجسته می‌کند و رتبه هویت ملی را بالا می‌برد. ملت ایران به خاطر همین شهادت‌طلبی‌ها در چشم - اما آنهایی که به گوششان رسید که کم هم نبودند، خیلی از ملت‌ها بودند - عظمت پیدا کرد. به خاطر چه چیزی؟ به خاطر شهید. به خاطر صرف جنگ نیست. جنگ خیلی جاها هست؛ به خاطر این فداکاری‌هاست که در آن، شهید از آب درمی‌آید. به خاطر این خانواده‌هاست؛ خانواده‌های شهیدان، این پدرها، این مادرها، به خاطر اینهاست. هر چه خبر اینها به بیرون درز کرد، برای این ملت عظمت آفرید. [بنابراین شهید] هویت ملی را درخشنده می‌کند؛ برجسته می‌کند؛ رتبه‌اش را بالا می‌برد.

مسئولیت‌پذیری جهادی

مقام معظم رهبری جنس مسئولیت‌پذیری جهادی جهادگران در مواقع سخت اجتماعی را نمونه‌ای دیگر از عوامل ملی هویت‌آفرین برای جامعه برمی‌شمارد و بیان می‌دارد:

ما در کنار پرستارها عناصر غیر پرستار هم داشتیم که با اینها همکاری می‌کردند؛ طلبه، دانشجو، جوان‌های گوناگون می‌رفتند به بیمارستان‌ها و یک چیز مختصری بیاد می‌گرفتند [و کمک می‌کردند] یا هر کاری از دستشان برمی‌آمد، انجام می‌دادند. دوران دفاع مقدس هم همین جور بود؛ افرادی که حرفه‌ای نبودند، برای کمک به پرستارها وارد میدان می‌شدند، احساس وظیفه می‌کردند،

ماهیت هویت ملی، در هر جامعه به ابعاد سازنده و وضعیت آن بستگی دارد و به تبع ماهیت ابعاد سازنده و وضعیت آن، نتایج متفاوتی را نیز در جوامع مختلف به همراه خواهد داشت. مقام معظم رهبری در تبیین ابعاد سازنده هویت ملی به عواملی اشاره کرده که بررسی هرکدام از آنها می‌تواند مسیر ایجاد و افزایش احساس تعلق به ایران اسلامی در فرد را مشخص و روشن کند.

ایشان در بیان اهمیت این حرکت بیان می‌دارد: جوان را با هویت بار بیاورید. اگر جامعه‌ای احساس هویت نکرد، صداها‌ی بلند تحکم‌آمیز، راحت او را مغلوب خواهد کرد. آن که ایستادگی می‌کند، آن کسی است که احساس هویت می‌کند. حالا این هویت، گاهی هویت ملی است، گاهی هویت دینی است، گاهی هویت انسانی است، شرف است؛ هرچه، با هویت باید بار بیایند. خوشبختانه امروز جامعه اسلامی - ایرانی ما یک هویت ریشه‌دار و تاریخی و قوی و قابل استقامتی دارد که این را نشان هم داده؛ این را به جوانان بایستی منتقل بکنیم. بالاخره پس مسئله فرهنگی، مسئله مهمی است. بخش‌های فرهنگی باید احساس مسئولیت کنند و در این زمینه باید کار کنند.

در ادامه چند عامل از انبوه عواملی خواهد آمد که به زعم مقام معظم رهبری، به افزایش احساس تعلق به ایران اسلامی منجر خواهد شد.

شهادت

مقام معظم رهبری ایثار شهدا و تلاش تا سرحد



ورزش قهرمانی

حضرت آیت الله خامنه‌ای ضمن معرفی ورزش و ورزشکار متعهد و غیور به عنوان یکی از عوامل ایجاد احساس هویت ملی در جامعه، بیان می‌دارد: ورزش قهرمانی آن وقتی ارزش دارد که هویت یک ملت را نشان بدهد. آنهایی که از ورزشکارهای اجاره‌ای و خریداری شده استفاده می‌کنند، آنها نمی‌توانند هویت ملتشان را نشان بدهند. از یک جای دیگری، از یک کشور دیگری یک ورزشکاری اجاره بشود، پول به او بدهند که بیا برای تیم ملی ما ورزش کن، این نمی‌تواند هویت یک ملت را نشان بدهد. شماها قهرمانان المپیک و پارالمپیک ایران در بازی‌های ۲۰۲۰ توکیو با این رفتارهایتان هویت ملت ایران را نشان دادید.

شعر هوشمندانه

مقام معظم رهبری توصیف فضایل اخلاقی جامعه ایرانی در شعر را یکی از راه‌های افزایش هویت ملی می‌داند و چنین بیان می‌کند: ملت ما رفتارهای زیبا دارد. رفتار ملت ما در این قضیه سیل شمال و جنوب، یک رفتار بسیار زیبا بود. آنهایی که مطلعند که چه اتفاق افتاد - چه در منطقه گلستان، چه در منطقه خوزستان، چه در خرم‌آباد، چه در ایلام که اینها جاهای مهم سیل بود - حضور مردم را و فداکاری مردم را مطلع هستند، می‌دانند که چه شکوه و حماسه زیبایی مردم آفریدند. خب این را شما می‌توانید در شعر بیاورید و توصیف کنید. وقتی که این چیزها را شما در شعر می‌آورید، درواقع شعر شما می‌شود پرچم هویت این ملت؛ این می‌شود پرچم هویت ملت

ورزش قهرمانی آن وقتی ارزش دارد که هویت یک ملت را نشان بدهد. آنهایی که از ورزشکارهای اجاره‌ای و خریداری شده استفاده می‌کنند، آنها نمی‌توانند هویت ملتشان را نشان بدهند

به بیمارستان می‌آمدند، هر چه می‌توانستند، هر جور که می‌توانستند، به مجموعه‌های درمانی از جمله به پرستاری کمک می‌کردند. به نظر من این [کار]، حامل یک حقیقت مهم و درخشانی در کشور عزیز ما و برای ملت عزیز ماست. این، نشان‌دهنده هویت پرنشاط و پرتحرک و باوجدان ملت ایران است؛ نشان‌دهنده این است که این حرکت در ملت ایران، عمومی است که البته در بلایای عمومی دیگر هم دیده شده؛ حالا من بخش پرستاری‌اش را [اشاره کردم]. این یک رشته پیوسته است؛ از قبل از انقلاب، از مبارزات دوران ستم‌شاهی بگیرد تا حوادث انقلاب، تا حوادث دفاع مقدس، تا حوادث بعد از آن، تا کرونا؛ در همه اینها این هویت متعهد و دارای احساس مسئولیت، در ملت ایران خودش را نشان داده؛ همان‌طور که در دوران مبارزات ستم‌شاهی بود، در دوران دفاع مقدس بود، در دوران بعد بود، در دوران کرونا و در حرکت علمی کشور، یک جریان مهمی است که نشان‌دهنده [هویت] ملت ما است.





یکی از خصوصیات که این جوانی که شما تربیت می‌کنید و روی او اثر می‌گذارید، باید دارا باشد، [این است که] معتقد و مَباهی به هویت ملی خود باشد. من آن روز در جمع مسئولین که اینجا بودند، راجع به هویت ملی صحبت کردم؛ عرض کردم که منافع ملی در رابطه با هویت ملی، معنا می‌شود و ترجمه می‌شود. آن چیزی که ظاهرش منفعت است، اما باطنش با هویت ملی ناسازگار یا معارض است، درواقع منافع ملی نیست؛ زبان‌های ملی است. باید با این هویت ملی، این جوان را آشنا کنید که مَباهی به این هویت و به استقلال باشد که البته غالباً جوان‌های امروز ما، قدر استقلال را هم نمی‌دانند. خب جوان دانشجو از اول عمرش،

شما. چه در زمینه معارف اسلامی، چه معارف انقلابی، چه معارف ملی، چه ارزش‌های اخلاقی، چه این حوادث این‌گونه؛ وقتی درباره اینها شعر می‌گویید، این شعر، می‌شود پرچم هویت، و هویت برای یک ملت، خیلی مهم است عزیزان من! ملتی که هویت خودش را گم کرده باشد، خیلی راحت در مشت بیگانگان آب می‌شود و از بین می‌رود.

استقلال سیاسی

مقام معظم رهبری استقلال سیاسی را یکی از عوامل ایجاد هویت ملی در فرد برمی‌شمارد که به علت جاری و ساری بودن آن در طی زمان، خیلی به چشم نیامده است:





در یک کشوری زندگی کرده که هیچ وابستگی سیاسی و عقیدتی به قدرت‌های خارجی نداشته. از اول، همیشه دیده که درمقابل قدرت‌های خارجی‌ای که دیگران جرئت نمی‌کنند بگویند «بالای چشم‌تان ابرو است»، جمهوری اسلامی ایستاده؛ این استقلال سیاسی است. این را از اول دیده‌اند، [لذا] قدرش را نمی‌دانند. آن دوره‌ای را که هر چه آمریکا می‌گفت و قبل از او هر چه انگلیس می‌گفت، باید در کشور تحقق پیدا می‌کرد، اینها درک نکرده‌اند، لذا قدر استقلال را نمی‌دانند؛ این باید تفهیم بشود به اینها. این یک جور نقش اساتید بر روی دانشجوهاست.

تجربه دفاع مقدس

مقام معظم رهبری تجربه حاصل از دفاع مقدس و پایداری و پیروزی در آن را یکی دیگر از عوامل ایجاد هویت ملی در میان اقشار مختلف معرفی می‌کند: یکی از بزرگ‌ترین فواید این جنگ هشت‌ساله و دفاع هشت‌ساله، حفظ و تقویت روحیه انقلاب و حرکت، در نسل جوان ما و در جامعه ما بود. یک فایده دیگر، این بود که ما این فکر و اندیشه دفاع از هویت ملی و هویت دینی و انقلابی را - که بارها گفته‌ایم و شنیده‌ایم و نقل کرده‌ایم که خدای متعال کمک می‌کند و انسان‌ها را در [برابر] عوائق و موانعی که در راه حق وجود دارد، پیروز می‌کند - یک بار دیگر خودمان تجربه کردیم؛ این خیلی مهم است. یک جامعه‌ای که در جهت پیشرفت به سمت اهداف والا دارد حرکت می‌کند، به‌طور طبیعی مواجه می‌شود با موانع بسیاری؛ به‌خصوص در دنیای مادی امروز. و اگر آن

آرمان‌ها، آرمان‌های معنوی و ضد قدرت‌طلبی و ضد دنیاطلبی و مانند اینها باشد، بدیهی است که موانعی به وجود می‌آید. اینکه یک ملتی احساس بکند که می‌تواند بر موانع پیروز بشود، خیلی چیز مهمی است. بله در روایات و آیات، توکل به خدا و «وَمَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ» و مانند اینها را می‌خوانیم و می‌گوییم و عقیده هم داریم، لکن اینکه در عمل «وَمَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ» را آدم ببیند، خیلی فرق می‌کند. حضرت ابراهیم با آن عظمت، به خدای متعال عرض می‌کند که می‌خواهم زنده شدن مرده‌ها را ببینم. خداوند می‌فرماید: أَوَلَمْ تُؤْمِنْ؛ مگر قبول نداری؟ جواب می‌دهد: قَالَ بَلَى؛ چرا، قبول دارم؛ وَلَكِنْ لِيُطَمِّنَنَّ قَلْبِي. این آرامش دل، این پذیرش از اعماق باور و جان انسان نسبت به یک حقیقت، خیلی چیز مهمی است؛ این را جنگ - دفاع هشت‌ساله - به ما نشان داد. ما الان می‌توانیم با همه توان ادعا بکنیم که جمهوری اسلامی با همه چالش‌هایی که درمقابل او به وجود می‌آورند، می‌تواند پنجه بیندازد و بر همه آنها می‌تواند غالب بشود؛ چون این را تجربه کرده‌ایم. وَلَا تَهِنُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَنْتُمُ الْأَعْلَوْنَ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ؛ اگر ایمان در دل و در عمل وجود داشته باشد، کوه‌ها درمقابل یک جامعه، یک مجموعه، یک انسان قوی، هموار خواهد شد و قدرت مقاومت نخواهد داشت. یکی از فواید جنگ برای ما این بود. خب، اینها حقایقی است.

نتیجه‌گیری

یکی از مسائل مهم جامعه و تاریخ ایران، حتی





اینکه یک ملتی احساس بکند که
می‌تواند بر موانع پیروز بشود، خیلی
چیز مهمی است. بله در روایات و آیات،
توکل به خدا و «وَمَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ
فَهُوَ حَسْبُهُ» و مانند اینها را می‌خوانیم و
می‌گوییم و عقیده هم داریم

فرد، در اندیشه مقام معظم رهبری است که طیف
جامعی از مسائل این بخش را در خود جای داده
بود.

پی‌نوشت:

۱. بیانات در دیدار جمعی از استادان، نخبگان و پژوهشگران
دانشگاه‌ها، ۱۳۹۷/۳/۲۰.
۲. بیانات در دیدار دست‌اندرکاران کنگره شهدای استان قم،
۱۴۰۱/۸/۸.
۳. بیانات در دیدار پرستاران و خانواده شهدای سلامت، ۱۴۰۰/۹/۲۱.
۴. بیانات در دیدار مدال‌آوران المپیک و پارالمپیک، ۱۳۹۱/۱۲/۲۱.
۵. بیانات در دیدار جمعی از شاعران و اهالی فرهنگ و ادب،
۱۳۹۸/۲/۳۰.
۶. بیانات در دیدار جمعی از استادان، نخبگان و پژوهشگران
دانشگاه‌ها، ۱۳۹۶/۳/۳۱.
- ۷ - موانع، مصائب.
- ۸ - سوره طلاق، بخشی از آیه ۳: «... و هرکس بر خدا اعتماد کند، او
برای وی بس است...».
- ۹ - سوره بقره، بخشی از آیه ۲۶۰: «... مگر ایمان نیآورده‌ای؟ گفت:
"چرا، ولی تا دلم آرامش یابد."...».
- ۱۰ - سوره آل عمران، آیه ۱۳۹: «و اگر مؤمنید، سستی نکنید و
غمگین مشوید، که شما برترید.»
- ۱۱ - بیانات در مراسم شب خاطره دفاع مقدس، ۱۳۹۶/۳/۰۳.

در طول ۲۵۰۰ سال گذشته، حفظ هویت ایرانی
در تقابل با فرهنگ‌ها و تمدن‌های دیگر بود.
این مسئله در دوران معاصر، شکل خاص خود را
داشته است. هویت ملی، عناصر سازنده‌ای دارد که
از مهم‌ترین آنها می‌توان به ارزش‌های ملی، دینی،
جامعه‌ای و انسانی اشاره کرد. ارزش‌های ملی،
تمامی مشترکات فرهنگی اعم از سرزمین، زبان،
نمادهای ملی، سنت‌ها و ادبیات را شامل می‌شود.
ارزش‌های دینی، تمام مشترکات دینی و فرهنگ
دینی را در بر می‌گیرد؛ ارزش‌های جامعه‌ای، به
اصول، قواعد و هنجارهای اجتماعی نظر دارد، و
ارزش‌های انسانی، به کلیه اصول و قواعد انسانی،
فارغ از هرگونه محدودیت اجتماعی و جغرافیایی
برای نوع بشر توجه دارد. در میان اندیشمندان
علوم سیاسی، اجتماعی، جغرافیا، تاریخ و غیره،
درباره اصالت هریک از ارزش‌های یادشده،
نسبت به دیگری اختلاف نظر وجود دارد و آنچه در
این یادداشت ذکر شد، عناصر ایجاد هویت ملی در





باید شیوه‌های استمرار را در داخل خود گفتمان پیدا کرد

گفتمان چیست و گفتمان انقلاب اسلامی کدام است؟ چه کسانی می‌توانند ایجاد گفتمان کنند؟ راز مانایی گفتمان انقلاب اسلامی چیست؟ چرا برخی از حکومت‌ها سعی کردند از گفتمان انقلاب اسلامی تقلید کنند اما موفق نشدند؟ برای رسیدن به پاسخ این سوالات با حجت الاسلام دکتر سجاد ایزدهی به گفتگو نشستیم. حجت الاسلام ایزدهی به صورت مفصل گفتمان، گفتمان انقلاب اسلامی و اشتراکات و افتراقات دیگر حکومت‌ها را با انقلاب اسلامی، همچنین در مورد چگونگی شکل‌گیری یک گفتمان موفق توضیح داد.

سید روح الله دعائی

وقتی از گفتمان انقلاب اسلامی حرف می‌زنیم دقیقاً از چه چیزی صحبت می‌کنیم؟

گفتمان انقلاب اسلامی به مجموعه‌ای از مؤلفه‌های بهم پیوسته‌ای که در نهایت یک هدف، غایت، یک رویکرد را راهبری می‌کند و فضای فکری عمومی یک مجموعه را شکل می‌دهد گفته می‌شود. گاهی اوقات این گفتمان به یک فضای فکری در یک جامعه ناظر است و در آن جامعه این منطق غالب است به گونه‌ای که برای گذر از آن یا فرار از آن نیاز به یک استدلال و منطق قوی داریم یا ممکن است این گفتمان در یک حوزه دانشی و علمی شکل بگیرد و باز هم به قدری منطق‌اش محکم و قوی است که دارای مبانی مشخص، دارای استنتاج‌های مشخص و فراگیر، به گونه‌ای که باز در آن حوزه علمی شاید نیاز باشد که ما برای دیدگاه مخالف یا دیدگاه مقابل آن مجبور باشیم استدلال کنیم اما خود گفتمان، خود محتوا نه فقط نیاز به استدلال ندارد بلکه صبغه غالب و باور فراگیر تلقی می‌شود.

انقلاب اسلامی در سالیان قبل از انقلاب طبیعتاً هنوز یک منطق موجه در اذهان متفکران یا اذهان مردم تلقی نمی‌شود و اگر کسی بخواهد انقلاب کند، بخواهد در مقابل رژیم طاغوت بایستد، باید استدلال و موجه‌سازی کند، باید اندیشمندان را با خودش همراه کند، اما پس از انقلاب اسلامی باتوجه به آن هم مباحث علمی صورت گرفته و هم نتایج و آثار عینی و عملی آن در سطح جامعه و امکان تحقق نظام دینی، امکان تحقق ولایت فقیه در امور جامعه، امکان توسعه منطق اداره کشور توسط بسیاری از اندیشمندان سایر نقاط، امکان

گفتمان انقلاب اسلامی به مجموعه‌ای از مؤلفه‌های بهم پیوسته‌ای که در نهایت یک هدف، غایت، یک رویکرد را راهبری می‌کند و فضای فکری عمومی یک مجموعه را شکل می‌دهد گفته می‌شود

الگوگیری او برای نقاط دیگر و تحقق مقابله تمدنی انقلاب اسلامی یا مقابله فکری انقلاب اسلامی با رقبای خودش طبیعتاً به یک هنجار موجه و غالب در فضای انقلاب اسلامی یعنی فضای ذهنی منطقه‌ای که انقلاب اسلامی در آن وجود دارد شده و امروزه دیگر اگر کسی بخواهد بحث ولایت فقیه را انکار کند، اگر بخواهد بحث حاکمیت دینی را انکار کند باید یک استدلال قوی‌تر و موجه‌تری را بیاورد و عملاً چون آن استدلال رقیب استدلال غالب نیست و استدلال موجه‌تری نیست بین گفتمان غالب قرار می‌گیرد و هم جا نمی‌افتد و باور حاصل شدن برای آن سخت است.

اولین زمینه‌های داشتن گفتمان انقلاب پیش از پیروزی در چه مرحله‌ای از نهضت بروز و ظهور پیدا کرد؟

شاید نشود به یک زمان خاصی برای هم گفتمان انقلاب اسلامی اشاره کرد، و هم اساساً برای یک گفتمان اشاره کرد. یعنی گفتمان به تدریج شکل می‌گیرد، به تدریج مستحکم می‌شود، و طبعاً اگر

ما خیال می‌کنیم چهار تا برنامه پراکنده فرهنگی که حالا هر کدام پرتاب یک تیر در تاریکی است، فعالیت مدون تربیتی است؛ که [البته] این گونه نیست

بحث گفتمان اشاره کرد که این افراد مثلاً گفتمان انقلاب اسلامی را دارند و دیگران یا ندارند یا کمتر دارند. بلکه مجموعه‌ای از باورها، اعتقادات، مباحث علمی، فعالیت‌های اجرایی ناظر به مقوله انقلاب اسلامی، مجموعه این‌ها گفتمان را تشکیل می‌دهد. لذا مجموعه اندیشمندان انقلاب اسلامی، مجموعه راهبران فکری انقلاب اسلامی و مروجین منطق انقلاب اسلامی امروزه، نویسندگان و همه این‌ها را می‌شود ذیل گفتمان انقلاب اسلامی جای داد البته باید فرق گذاشت بین این که چه کسی در گفتمان انقلاب اسلامی قرار دارد ذیل او زندگی می‌کند یا چه کسی این منطق انقلاب اسلامی را تأسیس کرد، چه کسی گفتمان انقلاب اسلامی را راهبری کرد و چه کسی دارد آن را در عصر حاضر راهبری می‌کند و چه کسی می‌تواند آن را توسعه بدهد و فرهنگ غالب کند.

نسبت گفتمان انقلاب اسلامی و امکان اجرایی شدن اصول آن گفتمان چگونه قابل تحلیل و بررسی است؟

یک گفتمان تا وقتی گفتمان نشده حالت فرضیه دارد. حالت قرار گرفتن در مرحله تبدیل به گفتمان دارد. لذا از آن هیچ انتظار و توفعی نیست. اما اگر گفتمان یک گفتمان فکری غالب بشود باور مؤثر برای آن حاصل بشود این وقتی اتفاق می‌افتد که عملاً بتواند در یک جامعه‌ای اجرایی و محقق بشود، امکان عملی پیدا کند. یا در جوامع اندیشمندی بتواند به پرسش‌ها پاسخ بدهد، بتواند معضلات پیش روی خودش را از جلوی رو بردارد. لذا نمی‌توانیم ما از یک مقوله‌ای

نتواند روزآمد و پاسخگوی نیازهای جامعه خودش باشد یواش یواش هم افول می‌کند. لذا انقلاب اسلامی در فرایند نظری و عملی از سالیانی که مرحوم امام بحث مقابله با رژیم شاه و بحث ولایت فقیه را مطرح کرد، و بعد از این که شاگردهای امام آمدند و این منطق را توسعه دادند و عملاً این منطق کارایی و جامعیت خودش را توانست در جامعه نشان بدهد، و توانست الگوی عملیاتی برای یک نظام سیاسی قرار بگیرد، طبیعتاً از همان آغازین ایام انقلاب شروع شد اما این که در چه زمانی این گفتمان محقق شد و غالب شد شاید نشود از آن خیلی یاد کرد مگر این که اصل پیروزی انقلاب اسلامی و به تعبیری تأسیس انقلاب اسلامی و رسمیت یافتن آن به واسطه قانون اساسی را تکلیف گفتمان انقلاب اسلامی در منطقه ایران یاد کرد.

غیر از مرحوم امام و مقام معظم رهبری در بیانات و اندیشه‌های چه کسانی می‌شود گفتمان انقلاب اسلامی را مشاهده کرد؟

وقتی صحبت از گفتمان و یک منطق فراگیر غالب هست دیگر نمی‌شود به یک شخصیت خاص در



تحت عنوان گفتمان یاد بکنیم اما توانایی تحقق اجرای آن در جامعه را نپذیریم یا باور نکنیم. آن جای یک مقوله‌ای است که با هم رقم خورده و کنار هم معنا پیدا می‌کند. انقلاب اسلامی هم باقی ماندن آن ذیل مقوله گفتمان در صورتی است که بتواند امکان تحقق داشته باشد. این را مد نظر داشته باشیم که انقلاب اسلامی تنها انقلابی است که خاستگاه دینی دارد، مبتنی بر معنویت و راهبری روحانیت و اسلام شکل گرفته و عملاً هم شکل گرفته و هم بقاء پیدا کرده. عملاً بسیاری از داعیه‌داران حکومت اسلامی نتوانستند یا حکومتی تشکیل بدهند یا نتوانستند در یک زمان نسبتاً طولانی آن را مستمر نگه داشته باشند و پاسخ بدهند.

با چه بینش و نگرشی می‌توان گفتمان انقلاب اسلامی را محقق کرد؟

وقتی یک چیز گفتمان می‌شود معنایش این است که باید در داخل خودش سازوکارهای استمرار داشته باشد. باید بتواند روش شناسی مناسب خودش برای حل مسأله داشته باشد. باید بتواند

روزآمدی و مواجهه مناسب با مسائل هر عصری را داشته باشد. اگر یک گفتمان نتواند سازوکارهای متناسب با حل مسأله، متناسب با پویایی، متناسب با آینده‌نگری، متناسب با آینده‌نگاری داشته باشد طبیعتاً آن گفتمان چون گفتمان محدود و موقتی است امکان استمرار ندارد. باید شیوه‌های استمرار را در داخل خود گفتمان پیدا کرد متناسب با مبانی آن گفتمان پیدا کرد، متناسب با اهداف و غایات آن گفتمان پیدا کرد، البته این‌ها را باید هم نگاشت، هم متناسب با ایام، بازخوانی و بازسازی کرد تا به واسطه این مؤلفه‌های درونی گفتمان، روش، ساخت ابزار، شکل، تحول، روزآمدی، کارآمدی، متناسب با این‌ها باید آن را بازخوانی کرد، طبیعتاً مجموعه‌ای از سنت‌های اصیل، عقلانیت، فطرت‌مندی، بنای عقلاء، مصالح اصیل و به تعبیری راهبری شایستگان با این‌ها باید این کار را تضمین کرد و این‌ها سازوکارهای درونی یک گفتمان برای تضمین بقای آن، استمرار آن، پویای آن در هر عصر و هر جامعه و هر شرایطی می‌شود. اگر این‌ها اتفاق بیفتد طبیعتاً استمرار شکل می‌گیرد.

انقلاب اسلامی یک پروسه و یک
فرآیند است، یک پروژه نیست
که در یک زمان مشخص شکل
گرفته و تمام شده باشد. چون یک
پروسه است و این پروسه و فرآیند
از مرحله نازل تا مرحله عالی امتداد
پیدا خواهد کرد

بفرمایید که آیا مشکلات در حوزه اجرا
می‌تواند موجبات تجدید نظر در برخی
مهمات گفتمان انقلاب یا برخی از جهات
گفتمان انقلاب اسلامی باشد؟

هر گفتمانی برای ایجاد، یک مبانی دارد که این
مبانی اصیل است، یک ثابتاتی دارد که این
ثابتات اصیل است. یک سری روش‌شناسی‌ها
برای فهم و تحول است، اصیل است. این که نگاه
سنت و مدرنیته را با خودش در انقلاب اسلامی
همراه کند این‌ها اصیل است. اما انقلاب اسلامی

یک پروسه و یک فرآیند است، یک پروژه نیست
که در یک زمان مشخص شکل گرفته و تمام شده
باشد. چون یک پروسه است و این پروسه و فرآیند
از مرحله نازل تا مرحله عالی امتداد پیدا خواهد
کرد لذا حتماً در فرآیند تحقق، در فرآیند شدن
با یک مشکلاتی مواجه می‌شود. اگر آن گفتمان
از حیث مبانی نظری نتواند مشکلاتش را حل
کند طبیعتاً باید در درازمدت یا در میان مدت با
رویکرد گفتمانی خداحافظی کند، و دیگر ادعای
گفتمان پایا نداشته باشد. اما اگر این ظرفیت در
داخل گفتمان وجود داشته باشد طبیعتاً باید
بتواند در مسیر مشکلات و بحران‌هایی که یا در
خود خرده گفتمان‌های انقلاب اسلامی وجود
دارند، باید آن‌ها را حل کند یا باید مشکلات
بیرونی تحمیل شده بر انقلاب اسلامی را یا
مواجهه با گفتمان‌های رقیب و کارآمدی آن‌ها را
حل کند. یعنی بعضی وقت‌ها گفتمان‌های رقیب
رویکرد کارآمد دارند، رویکرد تأثیرگذاری دارند و
این گفتمان‌ها می‌توانند در ذهن مردم اثرگذار
باشند و مردم طبیعتاً آن گفتمان رقیب را باور
کنند. انقلاب اسلامی وقتی می‌تواند پایا باشد که
تبدیل به یک الگو بشود.



پرونده این شماره نشریه محراب با موضوع مهدویت به ساختار کلی شبهات مهدوی و همچنین بررسی شبهات درون دینی و فرقه‌ای مهدوی می‌پردازد. در این شماره دو کتاب فاخر جهت علاقمندان به پژوهش معرفی شده است.

پرونده

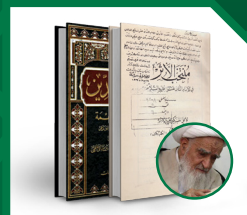
مهدویت



مهدویت
و شبهات فرقه‌ای



شبهات مهدویت کلامی،
نه فقهی



معرفی کتاب
منتخب الاثر



لینک سایت‌های در
ارتباط با مهدویت



منتظر بساز!



منتظر تربیت شویم!



منتظر تربیت شویم!

بررسی نقش تربیت منتظرانه

احمد رضایی | پژوهشگر

۱۸

نشریه محراب
شماره هفتم

در جهان امروز، آینده به کسانی تعلق دارد که قاعده‌های تحول را درک کرده و بر آن اساس، مهندسی اندیشه و رفتار خود را از نو سازمان می‌دهند

نقش تربیت در تغییرات اجتماعی

در جهان امروز، آینده به کسانی تعلق دارد که قاعده‌های تحول را درک کرده و بر آن اساس، مهندسی اندیشه و رفتار خود را از نو سازمان می‌دهند. برخی معتقدند برای حل مشکلات موجود جهانی سه راه حل وجود دارد؛ جنگ، انقلاب و تربیت. جنگ کابوس تصویرناپذیر است و انقلاب روشی بیمناکانه، ولی تربیت است که به‌آرامی انسان را رو به تکامل می‌برد و او را متوجه امکانات خلاقانه خود می‌کند.^۱

امروزه به تعلیم و تربیت نه به‌عنوان یک ابزار، بلکه به‌عنوان یک فرهنگ تأثیرگذار می‌نگرند. هرگونه تغییر اجتماعی و حرکت اصلاح طلبانه باید از طریق تعلیم و تربیت، آن‌هم معطوف به نسل جوان و نوجوان آغاز شود^۲ و آموزش و پرورش و همچنین بستر مسجد می‌تواند به‌عنوان پیشرو به این اهداف مدد رساند. افلاطون می‌نویسد: «دولت خوب، فقط با آدم‌های خوب به وجود می‌آید، اما انسان خوب خود محصول دولت نیک است».^۳

تربیت و زمینه‌سازی

از دیدگاه شیعه، ظهور منجی از جمله تغییرات اجتماعی‌ای است که سرچشمه‌ای الهی دارد و انقلاب مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه‌السلام از نظر اجرا همانند همه انقلاب‌ها به زمینه‌های عینی و خارجی بستگی دارد و بایستی فضای مناسب موجود باشد. خداوند، توانایی دارد همه مشکلات و همه سختی‌ها را هموار و به وسیله اعجاز فضای مناسب را ایجاد کند، ولی این روش را انتخاب نکرده است؛ زیرا امتحان و ابتلا و رنجی که مایه تکامل انسان

می‌شود، در صورتی تحقق می‌یابد که تحولات، طبیعی و مطابق با شرایط خارجی باشد. امام باقر علیه السلام می‌فرماید:

«إذا اجتمع للإمام عدّة أهل بدر ثلاثمائة و ثلاثة عشر وجب علیه القيام و التغيير»^۴

بنابراین مهم‌ترین رکن در زمینه‌سازی ظهور و تغییر جامعه به سمت آمادگی برای حضور حجت خدا، توجه به عوامل فرهنگی و اهتمام به رشد، توسعه و ارتقای شخصیت انسان‌ها و پرورش کمالات انسانی است که در پرتو گزینش ایدئال و برتر از راه تعلیم و تربیت امکان‌پذیر است. شهید صدر می‌نویسد:

«همه می‌دانند که حضرت مهدی کارش محدود به یک منطقه و یک بخش از جهان نیست و بایستی همه بشریت را از تاریکی ستم به روشنایی عدل، رهنمون گردد. برای اجرای چنین تحول بزرگی فقط وجود رهبر صالح کافی نیست، چرا که در همان زمان پیامبر این شرط وجود داشت. پس این تحول بزرگ، فضای مناسب جهانی‌ای می‌طلبد که همه زمینه‌های خارجی لازم برای انقلاب عمومی در آن وجود داشته باشد».^۵

تربیت و نیروسازی

نیروسازی و تربیت منتظران کارآمد و مسئول، محوری‌ترین عامل در زمینه‌سازی ظهور است. ازاین‌رو، منتظران باید نیروهای بالقوه را برای نیروسازی حکومت مهدوی آماده سازند و با تربیت آنان، اهداف و ماهیت آن را اشاعه دهند. این نیروسازی باید همواره استمرار و دوام داشته باشد، تا زمینه برای اصلاح جامعه و آمادگی برای تحقق



یکی از اهداف انتقال فرهنگ انتظار به نسل نو، آشنا کردن آن‌ها با وضعیت ایدئال جامعه بشری، به منظور شناخت جایگاه وضعیت موجود، و سپس شناساندن وضعیت ایدئال به جامعه جهانی توسط آن‌هاست. نسل نو باید وضعیت ایدئالی را که در جامعه مهدوی تحقق خواهد یافت بشناسد، تا بتواند جایگاه وضعیت موجود را مورد نقد و بررسی قرار دهد. زیرا کسی که وضعیت ایدئال را نشناسد کاستی‌های وضعیت موجود را نیز نخواهد شناخت و در این صورت چه بسا ممکن است وضعیت موجود را بهترین وضعیتی بداند که برای بشریت دست‌یافتنی است. از این رو، جایگاه تعلیم و تربیت بس رفیع‌تر از جایگاه همه مناسبات و معاملات مدنی و فرهنگی به حساب می‌آید. در آیات قرآن و روایات به امر تعلیم و تربیت و نیروسازی توجه ویژه‌ای دارند. امام هادی علیه السلام می‌فرماید:

«اگر پس از غیبت قائم شما، از دانشمندان کسی نباشد که مردم را به سوی امام زمان علیه السلام بخواند و به جانب او راهنمایی کند و با برهان‌های خدایی، از دینش پاسداری کند و بندگان ضعیف خدا را از شبکه‌های ابلیس و یاران او و از دام‌های دشمنان اهل بیت: که زمام دل ضعیفان شیعه را گرفته‌اند،

عدالت جهانی فراهم شود. کسانی می‌توانند در نهضت مهدوی حضور و مشارکت صحیح داشته باشند که از تعلیم و تربیت متناسب برخوردار باشند و بر اثر بلوغ و رشد فکری و روحی توان شرکت در جامعه‌سازی داشته باشند. آمادگی و پذیرش جامعه جهانی و فراهم بودن زمینه‌های مناسب اجتماعی در جهت پشتیبانی از حکومت و تعداد کافی یاوران آگاه و کارآمد برای کمک‌رسانی به رهبری و تشکیل و اداره هسته مرکزی حکومت، از عوامل دخیل در ظهور است؛ این امور مهم جز با تربیت نیرو و اشاعه فرهنگ مهدویت ممکن نخواهد بود. امیرالمؤمنان علیه السلام می‌فرماید:

«يُخْفُونَ بِه يَقُونَهُ بِأَنْفُسِهِمْ فِي الْحُرُوبِ وَ يَكْفُونَهُ مَائِيرِي؛^۱ یاران امام مهدی علیه السلام او را در میان می‌گیرند و در جنگ‌ها [هر جنگی که باشد] با جان‌های خویش از او حمایت و حفاظت می‌کنند و هرچه بخواهد از جان و دل انجام می‌دهند.»

تربیت و آشناسازی با وضعیت ایدئال

انتقال فرهنگ مهدویت به نسل نو و تربیت آن‌ها به عنوان منتظران ظهور حضرت مهدی نیز، بدون شیوه‌های خاص خود ممکن نخواهد بود.



حضرت رسول اکرم ﷺ می‌فرماید:

«طوبی للصابرين فی غیبتہ، طوبی

للمقیمین علی محبتهم؛ خوشا

به حال شکیبایان در غیبت امام

مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، خوشا به حال آنان که

برراه اهل بیت ثابت قدم می‌مانند.»

محبتهم؛^۱ خوشا به حال شکیبایان در غیبت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، خوشا به حال آنان که بر راه اهل بیت ثابت قدم می‌مانند.»

■ امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

«من سرّه أن یکون من اصحاب القائم فلینتظر ولیعمل بالورع و محاسن الاخلاق و هو منتظر؛^۲ هرکس می‌خواهد از یاوران حضرت قائم باشد، باید انتظار رکشد و در همین حال، خود را به تقوا و سجایای اخلاقی بیاراید.»

■ در روایت دیگری آمده است:

«...وانتخب لذلک الوقت عباداً امتحنّ قلوبهم لایمان وحشوتها بالورع والاخلاص والیقین والتقوی والخشوع والصدق والحلم والصبر والوقار والتقی والزهد...»^۳ و... برای این زمان (ظهور) بندگان را برگزیدم که دل‌هاشان را به ایمان آزمودم و آنان را از ورع، اخلاص، یقین، یارسایی، خشوع، راستی، صبر، شکیبایی، وقار، پرهیز و زهد سرشار کردم.»

■ حضرت امام صادق علیه السلام در روایتی ویژگی‌های منتظران ظهور را این‌گونه برمی‌شمارند:

همچون که سکان کشتی را رهایی بخشند، کسی به جای نمی‌ماند، مگر اینکه از دین خدا برگردد. چنین دانشمندانی، نزد خداوند، از گروه برتران به شمار می‌آیند.»^۴

اگر اصول، مفاهیم و آداب انتظار از طریق آموزش و پرورش و مسجد به عنوان مرکز معرفت بخشی برای اصلاح خلق و خوی افراد به سوی رفتار دینی، درونی نشود، هرگونه قانون و نهاد فرهنگی کارکرد خود را از دست می‌دهد. قرآن کریم وعده حکومت بر زمین را به کسانی می‌دهد که از نوع تربیت خاصی برخوردارند. از این رو، می‌فرماید:

«وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ...»^۵ خدا به کسانی از شما که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده‌اند، وعده داده است که حتماً آنان را در این سرزمین جانشین [خود] قرار دهد.»

چند روایت برای منتظران

■ روایات نیز ویژگی‌های خاصی را برای زمینه‌سازان ظهور برشمرده‌اند که از هر نوع نظام تعلیم و تربیتی‌ای برنمی‌آید. از باب نمونه امام زین العابدین علیه السلام می‌فرماید:

«من ثبت علی موالاتنا (ولایتنا) فی غیبة قائمنا أعطاه الله عزوجل أجر ألف شهید من الشهداء بدر وأحد؛^۶ هرکس در غیبت قائم ما بر موالات و ولایت ما ثابت بماند، خداوند متعال اجر هزار شهید از شهدای بدر و احد را به او عطا می‌فرماید.»

■ حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید:

«طوبی للصابرين فی غیبتہ، طوبی للمقیمین علی



پی نوشت:

۱. ف. مایر، تاریخ اندیشه های تربیتی، ترجمه ع. فیاض، تهران، سمت، ۱۳۷۴.
۲. عبدالعظیم کریمی، سازه های تربیت و دموکراسی، تهران، پژوهشکده تعلیم و تربیت، ۱۳۸۰، ص ۲۲.
۳. به نقل از: فاطمه زیباکلام مفرد، مکتب فلسفی لیبرالیسم آموزشی و اسلام، انتشارات مجتمع آموزشی و پژوهشی تفرش، ۱۳۸۴، ص ۳۰.
۴. ری شهری، میزان الحکمه، ج ۱، ص ۱۲۸، حدیث ۹۱۴.
۵. صدر، پیشین، ص ۱۰۸.
۶. سیدبن طاوس، الملاحم و الفتن، چاپ نجف، ص ۵۲.
۷. شهید ثانی، منیه المرید (به نقل از فصلنامه انتظار موعود، ش ۵ پاییز ۱۳۸۱، ص ۲۰۸).
۸. سوره نور، آیه ۵۵.
۹. لطف اله صافی، منتخب الاثر، تهران، انتشارات مکتب الصدر ۱۳۷۲، حدیث ۱۲۵۶.
۱۰. وسائل الشیعه: ج ۲، ص ۵۴۴.
۱۱. غیبت نعمانی، ص ۲۰۰؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۴۰.
۱۲. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۸۴.
۱۳. الصدوق، محمد بن علی بن الحسین، کمال الدین و تمام النعمه، تهران، انتشارات دارالکتب الاسلامیه ۱۳۹۵، ج ۲، ص ۶۴۵.
۱۴. محمد تقی اصفهانی، مکیال المکارم، تهران، انتشارات بدر ۱۳۷۲، ج ۲، ص ۱۵۲؛ مرتضی مطهری، قیام و انقلاب امام مهدی (عج) از دیدگاه فلسفه تاریخ، انتشارات صدرا، تیر ۱۳۸۲؛ ص ۱۴.

«طوبی لشیعۀ قائمنا المنتظرین لظهوره فی غیبتہ و المطیعین له فی ظهوره أولئک أولیاء الله الذین لاخوف علیهم ولا هم یحزنون»^{۱۳} خوشا به حال شیعیان قائم ما که در زمان غیبتش منتظر ظهور او هستند و در هنگام ظهورش فرمان بردار او. آنان دوستان خدا هستند، همان ها که نه ترس به دل راه می دهند و نه اندوهگین می شوند.»

فرهنگ انتظار در متن جریان زندگی منتظران، منشأ آگاهی و هوشیاری و بیداری دائمی است و یک رویارویی فعال و نه انفعالی و واکنشی است که درون خود تغییر و تحول را به همراه دارد.^{۱۴}

از این رو، انتظار یک حالت روانی است که موجب نوعی آمادگی و زمینه ساز تحول در معرفت، احساس، رفتار و عمل آدمی می شود. خاصیت انتظار سازنده و اصیل است و نیز موجب تنظیم فکر و روحیه است. انتظار انسان را بر اساس طرح و برنامه به حرکت و عمل درمی آورد و الهام بخش مسئولیت هر فرد برابر خود و جامعه اش است. انتظار انسان را در حالت آماده باش در سایه تغییر و تحول، صبر و استقامت، و تعهد و تحرک نگه می دارد.



شبهات مهدویت کلامی، نه فقهی

مروری بر ساختار شبهات مهدویت

حجت الاسلام والمسلمین رضا محمدی شاهرودی | استاد حوزه علمیه

چهل سوره انفال، آن هم خمس بر غنائم جنگی، ولی وقتی می پرسند «چرا شما می گویند درآمد خمس دارد؟» این می شود شبهه، شبهه که شد دیگر با امتد فقه نمی شود به آن پاسخ داد. حتماً باید با امتد کلام باشد. در مهدویت نیز شبهات کلامی است و باید با شیوه کلامی پاسخ داده شود. در یک صورت بندی اجمالی شبهات مهدوی را به موارد زیر می توان تقسیم بندی کرد:

■ ۱- یک دسته از شبهات ناظر بر اصل وجود امام زمان عجل الله تعالی فرجه له است؛ چه درونی، چه برونی. مثلاً «به چه دلیل امام زمان وجود دارد؟» تحلیل می کنند، تحلیل های مختلف با عبارت های مختلف، ولی

مهدویت و وجود امام زمان یک موضوع اعتقادی است و به همین دلیل هم شبهات رنگ و بوی اعتقادی دارند. اصلاً هر جا شبهه باشد اعتقادی و کلامی کست. ما شبهه فقهی نداریم، شبهه تاریخی نداریم. وقتی شبهه ایجاد شد، ماهیتش می شود کلامی. چون شبهه یک دستگاه استدلالی دارد، صغری و کبری دارد، منطبق دارد. وقتی منطبق داشت دیگر نمی شود تاریخ، نمی شود فقه، نمی شود مثلاً علوم تجربی. یک وقت از شما سؤال می کنند که «خمس به چه چیزی تعلق می گیرد؟» این می شود سؤال. یک وقت می گویند «در قرآن یک آیه فقط راجع به خمس صحبت کرده، آیه





دارد؟» این هم یک دسته از شبهات است که روی خود فایده امام غایب بحث می‌کنند و شبهه ایجاد می‌کنند.

■ ۴- یک دسته از شبهات هم راجع به نحوه زندگی امام است؛ «مثلاً امام در کجا می‌تواند باشد؟»، «جای مشخصی برای زندگی دارد یا خیر؟»، «نحوه غیبت امام چگونه است؟»، «آیا شخص ایشان پنهان است یا عنوان ایشان پنهان است و خودشان با مردم زندگی می‌کنند؟»، «آیا امام همسر داشته و دارد؟»، «آیا فرزند داشته و دارد؟»، و «آیا آن‌ها خبر دارند همسر یا پدرشان امام زمان است؟»

■ ۵- یک دسته از شبهات هم ناظر بر ظهور و اتفاقاتی ست که بعد از ظهور می‌افتد: «آیا ایشان همه را می‌کشد؟»، «خوب‌ها را می‌کشد؟»، «علما را می‌کشد؟» و «خون‌ریزی‌های فراوانی رخ می‌دهد؟» یا شبهه درباره نحوه قیام امام است: «امام

مراحلش همین است که در وجود امام تشکیک ایجاد می‌کنند، حالا چه سنی‌ها باشند که می‌گویند «متولد نشده»، چه دیگران باشند که می‌گویند «نه، شما خلاف علم و خلاف چی هستید.»، یک بخش از شبهات است که مطرح می‌شود.

■ ۲- بخش دوم شبهات راجع به همین طول عمر است که حالا با فرض اینکه ما قبول کنیم که امام بوده، متولد شده، تاریخ را هم بپذیریم، روایت را هم بپذیریم. «چطور ممکن است یک انسان یک عمر طولانی مثلاً هزار سال داشته باشد؟» این هم یک شاخه از شبهات است.

■ ۳- شبهاتی از قدیم بوده و اهل سنت به برهان لطف همین اشکال را می‌کردند، می‌گفتند «آن را که شما لطف می‌دانید وجود ندارد، آنکه وجود دارد، لطف نیست.» برهان لطف را زیر سؤال می‌بردند: «امامی که اثر نداشته باشد، متصرف نباشد، چه فایده

در واقع اعتقاد به مهدویت
و ظهور در جامعه شیعه
پمپاژ امید می‌کند. خیلی‌ها
تلاش می‌کنند که شبهات
جهت‌گیری‌اش این باشد که
مردم ناامید بشوند



علی بن محمد سمری وجود دارد، که تو بعد از یک هفته یا کمتر از یک هفته از دنیا خواهی رفت و دوران غیبت صغرا تمام شده و آن غیبت عظیم شروع می‌شود و «أَلَا فَمَنْ ادَّعَى الْمُسَاهِدَةَ [قَبْلَ خُرُوجِ السُّفْيَانِيِّ وَالصَّيْحَةِ] فَهُوَ كَاذِبٌ مُفْتَرٍ؛ هرکسی ادعای مشاهده کرد، قبل از خروج سفیانی... او افترازننده و کاذب است.» ما می‌بینیم خیلی از علمای بزرگ، آدم‌هایی که انسان نمی‌تواند شک کند به حرفشان ادعای مشاهده کردند، آن وقت جمع بین این دو تا چگونه است؟ کم‌وکیف مشاهده و صحت‌وسقم آن و اینکه چطور می‌تواند جمع بشود، با آن نامه و توقیع امام زمان عجل الله تعالی فرجه. این هم یک شاخه از شبهات است.

■ ۸- یک سری از شبهات، راجع به اصل مهدویت است که اعتقاد به مهدویت یکی از مؤلفه‌های اقتدار شیعه به حساب می‌آید. در واقع اعتقاد به مهدویت و ظهور در جامعه شیعه پمپاژ امید می‌کند. خیلی‌ها تلاش می‌کنند که شبهات جهت‌گیری‌اش این باشد که مردم ناامید بشوند. با توجه به امیدآفرینی

با کدام سلاح ظاهر می‌شود؟» این‌ها هم بعضی‌هایش شبهه است، بعضی‌هایش سؤال، که حالا این‌ها هم توی عالم می‌تواند تبدیل به شبهه بشود: «زردخانه‌های اتمی‌ای که دنیا دارد، این‌ها چی می‌شود؟»، «اگر بخواهد جنگی واقع بشود، یک جنگ اتمی، هیچ بشری باقی نمی‌ماند که امام بخواهد امامشان باشد.»، «اگر خود امام بخواهد همه را از بین ببرد، آن وقت چه کسی را می‌خواهد هدایت کند؟»، «آن وقت عدالت چه می‌شود؟» و «آیا امام که می‌خواهد عدالت برقرار کند از طریق قتل و خون‌ریزی و از طریق زور می‌خواهد عدالتش را برقرار کند؟»

■ ۶- دسته دیگری از شبهات ناظر بر علائم ظهور است: «چه علائم قطعی الوقوع، چه محتمل الوقوع، آیا درستند و رخ می‌دهند؟»، «خب، محتمل الوقوع‌ها کدامشان رخ می‌دهند، اگر نه کدامشان رخ خواهد داد و چرا؟» و «چطور می‌شود گفت مثلاً جنگ در یمن از علائم ظهور است؟»

■ ۷- شبهه دیگر راجع به مشاهده امام است. از طرفی توقیع امام به جناب



باشیم. مباحث را هم از خود اثبات وجود امام شروع کنیم. ائمه جماعات از چهار راه می‌توانند مباحث را مطرح کنند:

■ ۱- از راه عقل، برهان و با دلایل عقلی. همان دلایلی که برای اثبات ضرورت امام مطرح می‌کنیم، اینجا هم عیناً همان‌ها وجود دارد.

■ ۲- از طریق نقل آیات و روایات که در این زمینه خیلی زیاد است.

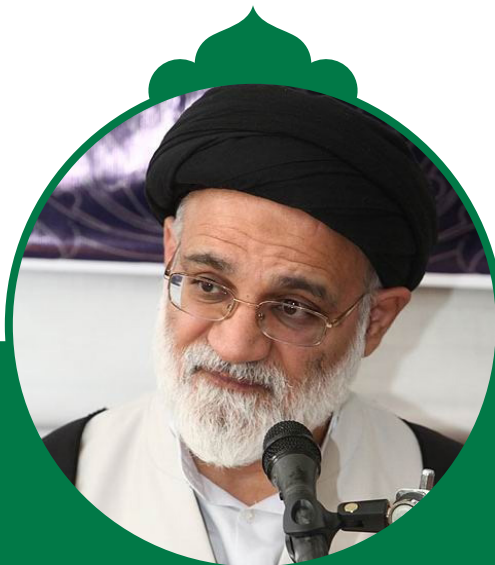
■ ۳- از طریق تأثیرات میدانی و وضع موجود که تعدادش هم خیلی زیاد است.

■ ۴- از طریق برهان فطرت و دل و قلب. با این چهار تا اصل وجود امام را ثابت کنند، بعد بروند سراغ خصوصیات وجود امام، علائم ظهور، قبل از ظهور، بعد از ظهور و اینکه آن اصل ظهور چه وضعی خواهد داشت. اما مبتنی بر آیات و روایات. از خودشان چیزی کم و زیاد نکنند.

در باور مهدوی در واقع دشمنان می‌خواهند که با ناامیدی بین مردم به اهداف خودشان برسند. شیعه دو تا بال دارد؛ یک بال سبز که بال مهدویت باشد، یک بال سرخ که امام حسین علیه السلام باشد، تا این بال‌ها را داشته باشد نمی‌شود کاری کرد. می‌خواهند این بال را قطع کنند، یکی از شبهات ناامید کردن مردم است.

نکته: من اصلاً معتقدم نیستیم که ائمه جماعات در مساجد شبیه مطرح کنند. طرح شبهه، خراب کردن است. خراب کردن کاری ندارد، هر غیرمتخصصی می‌تواند خیلی راحت ساختمان را خراب کند. شبهه را مطرح کنیم ذهن مردم را خیلی راحت خراب کرده‌ایم. اما آیا دوباره می‌توانیم بسازیم؟ چگونه؟ در چه فرصتی؟ با چه روشی؟ بنابراین ما به هیچ وجه مجوز طرح شبهه در بین مردم را نداریم. بله سؤال و جواب باشد، خیلی خوب است، البته در صورتی که مجهز به جواب





مهدویت و شبهات فرقه‌ای

شبهات درون مذهبی مهدویت در گفت‌وگو با استاد مسعود پورسیدآقایی

مهدی منتظری | فعال فرهنگی

۲۷

نشریه محراب
شماره هفتم

مهدویت از دیرباز به عنوان باوری امیدبخش و حرکت‌آفرین در میان جامعه مسلمان به‌ویژه شیعیان مطرح بوده است. با وجود این، اندیشه مهدوی در بین فرقه‌های مختلف مسلمان دچار فراز و فرودهایی از جنس اختلاف در برخی ویژگی‌ها و یا عناد و دشمنی شده است. بر این اساس نشریه «محراب» موضوع سیر تطور شبهات درون‌دینی مهدویت را با استاد گرامی حجت‌الاسلام والمسلمین سید مسعود پورسیدآقایی، مسئول مؤسسه آینده روشن و دبیر همایش بین‌المللی دکتترین مهدویت و همچنین سردبیر و مدیرمسئول فصلنامه‌های علمی-تخصصی در حوزه مهدویت به گفت‌وگو نشسته است که تقدیم می‌شود.



در ابتدا اندکی راجع به چیستی مهدویت، انتظار و حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الدجیل برایمان بگویید.

بسم الله الرحمن الرحيم، السلام عليك يا سبيل الله
الذي من سلک غيره هلك، السلام عليك يا باب الله
الذي لا يؤتی الا منه.

ضمن خوش آمدگویی و تشکر از اینکه توفیق دارم
در خدمت شما باشم، مهدویت در اصطلاح امامت
امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الدجیل است در طول قرن ها و در
آمدورفت نسل ها برای تحقق یافتن ظرفیت های
انسان و هستی و انتظار، همان گام اصلی برای
تحقق یافتن این ظرفیت هاست. انتظار جریان
پویای تاریخ انبیا و اولیا برای رسیدن به این مقصود
است. مهدویت تحقق تمامیت و عینیت همه اسلام
است و انتظار، آمادگی و زمینه سازی برای تحقق
این مهم به رهبری حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الدجیل. حضرت
مهدی عجل الله تعالی فرجه الدجیل امام عصر ماست، صاحب زمان
است. امام یعنی عمود خیمه دین در عصر ما؛ یعنی
جلودار حرکت نسل ها، یعنی صاحب تدبیر؛ السلام
عليك يا صاحب التدبیر. اینکه چگونه به این
تعریف رسیدیم از حوصله این گفت و گو خارج است.
اما اشاره اش خالی از لطف نیست که گفته اند گاهی

نم بهتر از خشکی است. تعریف مهدویت نیازمند
تبیین اندیشه مهدویت است؛ چون پرواضح است
تعریف پس از تبیین است. برای تبیین این اندیشه
باید بررسی کرد که اصلاً مشکل چیست؟ و این طرح
از حکومت با این فرایند طولانی از چه نگاهی به
انسان و هستی و تاریخ برخاسته است؟ این سؤال
کلیدی، سؤالات زیر را در پی دارد:

۱. انسان چه ظرفیت هایی دارد؟ چه
مشکلاتی در فرایند تحقق آن ظرفیت ها دارد؟
۲. رابطه درست انسان با هستی و تاریخ، چه
نگاهی و چه شرایطی را در جامعه انسانی
می طلبد؟ این نگاه و این شرایط در چه
فرایندی تحقق می یابد؟
۳. عدم همراهی بشر با این هدایت ها چه
اقتضائاتی دارد؟

۴. چرا این وضع مطلوب باید تحقق پیدا کند؟
با تبدیل مشکل به مسئله و شکل گیری سامانه
پرسشی می توان با تکیه بر مبانی و ادله به
پاسخ آن ها پرداخت. براساس تأمل در پاسخ
به این سؤالات می توان گفت: انسان و جامعه
ظرفیت هایی دارند که باید با اختیار و آزادی خود



مهدویت تحقق تمامیت و عینیت همه اسلام است و انتظار، آمادگی و زمینه‌سازی برای تحقق این مهم به رهبری حضرت مهدی عجله الله تعالی فرجه الشریف. حضرت مهدی عجله الله تعالی فرجه الشریف امام عصر ماست، صاحب زمان است

توجه به روایات به امام مهدی عجله الله تعالی فرجه الشریف و موضوعات مرتبط با آن تأویل شده است. تأویل یعنی بیان مصداق. مثلاً در آیات ابتدای سوره بقره: «ذَلِكَ الْكِتَابُ لَا رَيْبَ فِيهِ هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ * الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ»^۱ در چندین روایت آمده است، شاید شش تا روایت که برخی‌شان هم صحیح‌السندند، که مراد از غیب و اینکه یکی از مصادیق آن، امام غایب یعنی حضرت مهدی عجله الله تعالی فرجه الشریف است.

یا در آیات «وَ الْفَجْرِ * وَ لَيَالٍ عَشْرٍ»^۲، یک مصداق از فجر، مثلاً فجر، ظهور حضرت مهدی عجله الله تعالی فرجه الشریف است. مجموعه این آیات در جلد ششم از مجموعه هفت جلدی کتاب «معجم احادیث الامام المهدی» جمع‌آوری شده است. این کتاب توسط جمعی از اساتید و فضلاء حوزه علمیه قم تدوین شده است. پاسخ مختصر به شبهات قرآنی و اینکه چرا در قرآن از حضرت یاد نشده، این است که مطابق آیات قرآن، سنت پیامبر صلی الله علیه و آله حجت است و براساس سنت پیامبر (حدیث متواتر ثقلین)، عترت آن حضرت نیز در کنار قرآن حجت است. بنابراین هدایت الهی منحصر به قرآن نیست. بسیاری از ارکان عبادات و حتی بخشی از خصوصیات اصول دین، صریحاً در قرآن نیامده است و رسول خدا صلی الله علیه و آله یا عترت آن حضرت آن‌ها را بیان نموده‌اند. بنابراین طرح نام حضرت مهدی عجله الله تعالی فرجه الشریف در کلام پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله

در طول زمان آن‌ها را به کمال نهایی برسانند، فعلیت این ظرفیت‌ها، نیازمند وجود رهبری آگاه است. همراهی با این رهبر، دستیابی به کمال مطلوب و عدم همراهی با آن باعث به تأخیر افتادن آن حادثه بس عظیم و مبارک خواهد شد.

آیا شبهات مهدوی در طول تاریخ سیر تطور مشخصی را دنبال کرده است؟

جمع‌آوری این شبهات و سیر تطور آن، نیازمند بررسی و تأمل بیشتری است. آنچه در اینجا و در ابتدا می‌توان به آن اشاره کرد این است که در دوره‌های مختلف با انگیزه و رویکردهای گوناگون، شبهاتی در رابطه با امام مهدی عجله الله تعالی فرجه الشریف مطرح بوده است؛ شبهاتی با رویکردهای کلامی، سیاسی، تاریخی، حدیثی و قرآنی.

لطفاً به برخی از شبهات قرآنی به‌عنوان نمونه اشاره بفرمایید.

مثلاً اینکه چرا در قرآن به نام، ویژگی‌ها، رسالت و عصر حضرت تصریح نشده است؟ یا مثلاً خدشه‌دار کردن و ایجاد شبهه در برخی آیات که شیعه در موضوع مهدویت به آن‌ها استدلال می‌کند، مثل استدلال به وجود یک حجت و امام حجت در هر زمان براساس سوره قدر و یا برخی از آیات که با

پاسخ مختصر به شبهات قرآنی و اینکه چرا در قرآن از حضرت یاد نشده، این است که مطابق آیات قرآن، سنت پیامبر ﷺ حجت است و براساس سنت پیامبر (حدیث متواتر ثقلین)، عزت آن حضرت نیز در کنار قرآن حجت است

تاویل برخی آیات به افرادی خاص، مخصوص
شیعه نیست.

شبهات حدیثی چه منظر و روندی در گذشته و حال داشته است؟

شبهات حدیثی به سند یا دلالت و محتوای حدیث
برمی‌گردد. برخی امثال ابن خلدون در گذشته و
یا شیخ عبدالله بن زید آل محمود، رئیس محاکم
شرعی قطر در رساله خود به نام «لا مهدی ینتظر
بعد الرسول خیر البشر» در رابطه با احادیث
مهدویت شبهاتی را مطرح می‌کردند. مثلاً همین
رئیس محاکم شرعی قطر در رساله خود به صراحت
می‌گوید: اندیشه مهدوی از اعتقادات قدمای
اهل سنت نیست و در قرن اول هجری از صحابه
پیامبر ﷺ و تابعین، یادی از این اندیشه نشده
است! البته برخی از شبهات این افراد را خود
علمای اهل سنت جواب داده‌اند. مثلاً دکتر شیخ
عبدالمحسن العباد، رئیس اسبق دانشگاه اسلامی
مدینه، که از علمای متعصب سعودی و وهابی
است، اما در دفاع از احادیث مهدویت و در رد این
عالم قطری که اصل مهدویت را زیر سؤال برده،
احادیث آن را غیرمعتبر می‌داند و به شدت به آن
حمله می‌کند و او را فاقد صلاحیت و بی‌اطلاع از
احادیث مهدویت می‌داند. مقاله ایشان در پاسخ
به رساله شیخ قطری با عنوان «عقیده اهل السنة

کافی بوده و لزومی نداشته که از آن حضرت در
قرآن نام برده شود. در رابطه با آیات تاویلی هم باید
گفت در کتاب‌های تفسیری و حدیثی اهل سنت
نیز برخی از آیات، تاویل به امام مهدی عجل الله تعالی فرجه شده
است، مثلاً:

- آلوسی در ذیل آیه «أَنَّ الْأَرْضَ يَرْثُهَا عِبَادِيَ
الصَّالِحُونَ»^۲

- نیشابوری در «غرائب القرآن»^۴

- فخر رازی در «تفسیر الکبیر»^۵ در ذیل آیه ۳ سوره
بقره: «الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ» که نیشابوری پس
از نقل نظر شیعه، نقدی ندارد و مقابل نظر شیعه
سکوت می‌کند، اما فخر رازی اختصاص غیب را
به مورد خاصی (غیبت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه) بدون
دلیل می‌داند، اما عمومیت آن را نسبت به حضرت
مهدی بدون اشکال می‌داند. صاحب کتاب
«ینابیع الموده» می‌گوید «این آیه در مورد حضرت
مهدی عجل الله تعالی فرجه است.»^۶

- ابن ابی الحدید در ذیل کلمات قصار (۲۰۹)
«لتعطفن الدنيا علينا بعد شماسها عطف الفروس
على ولدها»^۷

- الصواعق المحرقة ذیل آیه: «وَإِنَّهُ لَعِلْمٌ لِلسَّاعَةِ»^۸ و
بسیاری از کتاب‌های دیگر.

در رابطه با تاویل برخی آیات به امام
امیرالمؤمنین علیه السلام نیز در کتاب‌های حدیثی و
تفسیری اهل سنت، احادیث فراوانی داریم. بنابراین

و الاثر فی المهدی المنتظر» در مجله «الجامعة الاسلامیة» چاپ مدینه، شماره سوم، سال اول، منتشر شده؛ دکتر العباد در مقاله خود، رساله شیخ قطری را مورد نقد جدی قرار داده و بطلان آن را با استدلال ثابت کرده است. شیخ العباد اسامی بسیاری از صاحبان صحاح و سنن و مسانید را ذکر می کند که روایات مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را نقل کرده اند. بنابراین راهی جز اعتراف به متواتر بودن روایات مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف از طریق اهل سنت نیست.

شبهات درون مذهبی و فرقه ای هم داریم؟

بله، همان طور که بیان شد شبهات گاهی از درون، یعنی از ناحیه فرق اسلامی، مثلاً اهل سنت، به مهدویت وارد می شود. گاهی هم افرادی از درون مذهب شیعه، یعنی مجموعه معتقدان به اندیشه شیعه، پرسش هایی دارند و گاهی هم از حد پرسش فراتر رفته و شبهاتی دارند. مثلاً برخی از کسانی که در رابطه با اندیشه مهدویت پیش از انقلاب فعالیتشان بیشتر بود، معتقدند هیچ هزینه ای برای ترویج فرهنگ مهدویت نباید پرداخت کرد. آن ها معتقدند اعتقاد به مهدویت، هیچ هزینه ای ندارد؛ نه درگیری دارد و نه زندان رفتن و هیچ حکومتی پیش از ظهور نباید شکل بگیرد. انجمن حجتیه بر این اعتقادند.

در جواب شبهات آن ها چه می توان گفت؟

فهم آن ها از دین و مهدویت و روایات وارده در این باب اشتباه است. نگاه آنان جامع و عمیق نیست. آن ها این شبهه را مطرح می کنند که براساس روایات متعدد، قبل از ظهور امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف شیعه حق

قیام و تشکیل حکومت ندارد و اگر حکومت تشکیل بدهد باعث از بین رفتن و ذلت شیعه شده و زحمت امام زمان زیاد می شود؛ حتی ظهور به تأخیر می افتد! درحالی که اولاً این روایات یقیناً تخصیص خورده است، مثل قیام یمانی، قومی از مشرق «قد خرجوا بالمشرق... قتلهم شهداء»، «یخرج ناس من المشرق فیوطئون للمهدی سلطان»، سید خراسانی، مردی از اهل قم «رجل من اهل قم» و زید و شهید فخر. ثانیاً این دسته از روایات را بزرگانی از فقها از جمله امام راحل، حضرات آیات عظام گلپایگانی، اراکی، مرعشی نجفی و... دیده اند و هیچ کدامشان برداشتشان موافق با نظر انجمن حجتیه نبوده است و همگی از قیام مردم ایران به رهبری امام راحل حمایت می کردند. ثالثاً این روایات نیازمند نگاه تخصصی و فقیهانه است. مثلاً: «کُونُوا أَخْلَاصَ بُيُوتِكُمْ» و یا «والله لا یخرج احدٌ منا قبل خروج القائم الاکان مثله کمثل فرخ طار من و کره قبل ان یتوی جناحان فاخذه الصبيان فعبثوا به» و یا «كُلُّ رَايَةٍ تَرْفَعُ قَبْلَ قِيَامِ الْقَائِمِ فَصَاحِبُهَا طَاعُوتٌ» و یا امثال این روایات را بد می فهمند. این احادیث نمی گویند هیچ حرکت و قیامی نکن، بلکه اشاره و ارشاد به نوع حرکت دارند. یعنی حرکت مثل پرنده ای نباشد که بال هایش درنیا آمده از لانه بزند بیرون، چرا که بازپچه دست بچه ها می شود. یعنی یارانت را تربیت کن و زمینه ها را آماده کن؛ یعنی همان طرح کلی حرکت ائمه؛ انتظار، تقیه و قیام.

در مورد «كُلُّ رَايَةٍ تَرْفَعُ»، مراد از «رایه» کسی است که به خودش دعوت کند؛ «یدعی الی نفسه»، نه کسی که دارد به امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف و به دین خدا





دعوت می‌کند، هرکسی که به خودش دعوت کند، «فَصَاحِبُهَا طَاعُوتٌ» طاعوت است، نه معاذالله مثل امام راحل علیه السلام که تمام دعوتش به خدا و رسول صلی الله علیه و آله و امام زمان عجل الله تعالی فرجه است. این چه فهمی است که این‌ها از دین و این‌گونه روایات دارند.

نکته آخری که می‌توان به آن اشاره کرد این است که این گروه، مجموعه احادیث را هم نمی‌بینند که چطور حضرت در جایی دیگر می‌فرماید: «لا زال انا و شیعتی بخیر ما خرج الخارجی من آل محمد و لوددت ان الخارجی من آل محمد خرج؛ مادامی که افرادی از آل محمد قیام می‌کنند ما در خوبی هستیم، هرآینه دوست دارم که فردی از آل محمد قیام کند، و علی نفقه عیاله؛ خرج خانواده‌اش بر عهده من باشد.» یعنی تشویق می‌کردند کسانی که قیام بکنند، لرزه‌ای در بنیان‌های ظلم و ظالمی بیندازند، تا زمینه‌ای فراهم بشود برای اینکه فشار به شیعه و اهل بیت : کمتر بشود و بتوانند از آزار و اذیت دشمنان کم کنند و از زیر بار سنگین ظلم آنان، کمر راست کنند.

یا آن تعریف و تمجیدهایی که امام صادق علیه السلام در صحیحه عیص بن القاسم از زید (بن علی بن الحسین) دارند: «فان زیداً کان عالماً و کان صدوقاً و لم یدعکم الی نفسه و انما دعاکم الی الرضا من آل محمد صلی الله علیه و آله و لو ظفر لوفی بما دعاکم؛ اگر زید پیروز می‌شد به وعده خودش عمل می‌کرد، انما خرج الی السلطان مجتمع لینقضه؛ تا سلطان مجتمع و حکومت محکم را متزلزل کند و بشکند.» آن‌ها مجموعه ادله را نمی‌بینند، آنچه را هم که به صورت موردی می‌بینند، بد متوجه می‌شوند و اشتباه تحلیل می‌کنند. در رابطه با این موضوع و بررسی مجموعه این‌گونه روایات، سال‌ها پیش،

یک بار در درس خارج فقه و بار دیگر در بحث خارج مهدویت به تفصیل به آن پرداختم و تقریر آن توسط یکی از فضلاء حاضر در بحث در فصلنامه علمی - پژوهشی «مشرق موعود» شماره ۴۹ سال ۱۳۹۸ با عنوان «بررسی چالش‌های روایی تشکیل حکومت در عصر غیبت» منتشر شده است، می‌توان به آن مراجعه کرد. و البته در این مورد مقالات و کتاب‌های متعددی نوشته شده است. حرف آخر آنکه ادله برای اثبات و ضرورت تشکیل حکومت دینی در عصر غیبت توسط فقیه، آن قدر زیاد و روشن است که به گفته امام راحل علیه السلام تصور آن باعث تصدیق آن است و انکار آن مثل انکار خورشید در روز آفتابی است.

شباهت در فرق دیگر و در بین خود اهل سنت هم پاسخ داده می‌شود؟

این سیر تحول از گذشته تا الان، در میان فرق اهل سنت هم مطرح بوده است. در بعضی موارد خود اهل سنت جواب می‌دهند؛ مانند شیخ عبدالمحسن العباد، که زمانی رئیس دانشگاه اسلامی مدینه بود، و همان‌طور که اشاره کردم ایشان وقتی رئیس محاکم شرعی قطر رساله‌ای در رد مهدویت و احادیث آن می‌نویسد، به شدت به او حمله می‌کند.

خدا رحمت کند آقای خسروشاهی هم در کتاب «مصلح جهانی و مهدی موعود از دیدگاه اهل سنت» آن مقاله را ترجمه کرده است. مرحوم آقای خسروشاهی می‌گوید: «من رفتم شیخ العباد را دیدم و گفتم من مقاله شما را ترجمه کردم.» محسن عباد از آن وهابی‌های بسیار متعصب است، ولی حمله‌ای - به تعبیر ما - حیدری می‌کند به آن

شیخ قطری که رساله‌ای در ردّ احادیث مهدویت نوشته بود.

کتابی هم مرحوم آیت‌الله مهدی فقیه ایمانی از علمای اصفهان با عنوان «امام مهدی عجل الله تعالی فرجه» جمع‌آوری کرده‌اند. ایشان مهدویت را در منابع معتبر اهل سنت، از نسخه اصلی کتاب عیناً عکس گرفته و در کتاب خود آورده است. کتاب خوب دیگری هم در سال‌های اخیر به نام «بررسی تطبیقی مهدویت در روایات شیعه و اهل سنت» توسط حجت‌الاسلام مهدی اکبرنژاد نوشته شده که توسط انتشارات بوستان کتاب منتشر شده است.

فایل‌های صوتی‌اش اعراب آیه‌ای از قرآن را اشتباه خوانده بود، به طرف‌داران او گفتند: «آقا، این امامی که شما می‌گویید آیه قرآن را اشتباه می‌خواند.» خود احمد اسماعیل هم عذرخواهی کرد و گفت: «بله خب، من حواسم نبوده، گاهی پیش می‌آید دیگر!»
اخیراً طرف‌دارانش پیشرفت کرده‌اند و می‌گویند که اصلاً همین‌گونه که او خوانده درست است، چون امام است اصلاً آیه همین است که او می‌خواند، باید اعراب قرآن‌های موجود را اصلاح کرد! ببینید تا چه اندازه جهل و تعصب جای آن است که خون موج زند در دل لعل.

لطفاً از فرقه‌های دیگر مانند فرقه احمدالحسن هم برایمان بگویید.

کسی که در سال‌های اخیر مدعی نوظهور و دروغین است، احمد اسماعیل گاطع است، که به غلط به او می‌گویند احمدالحسن، نام وی احمد اسماعیل بصری است. اصلاً قبیله آن‌ها که قبیله گاطع در عراق است از سادات نیستند، پسرعموهایش هم می‌گویند ما اصلاً سید نیستیم. این فرد مدعی است: «من فرزند امام زمان و امام سیزدهم هستیم.» این تفکر انحرافی و یک ادعای باطل، بی‌دلیل و خلاف اجماع و اتفاق همه علمای شیعه در طول تاریخ است و اصلاً نباید در جاسوس بودنش تردید داشت و متأسفانه یک عده‌ای را هم فریب داده است. این‌ها با ادعای اینکه ما پیرو اهل بیتیم، شبهه ایجاد می‌کنند و متأسفانه تعدادی بی‌سواد را هم فریب داده‌اند و قابل توجه اینکه در اغتشاشات اخیر به‌ویژه در فضای مجازی نقش‌آفرین بودند. این آقای احمد اسماعیل یک موقعی در یکی از

به نظر شما چرا این فرقه‌های شبهه‌زا تأثیر خود را بر جامعه می‌گذارند؟

این انحراف‌ها بیش از آنکه به قدرت آن میکروب برگردد، به ضعف مزاج ما برمی‌گردد. این‌ها برمی‌گردد به درس و بحث‌های ما در حوزه، که ما باید مباحث اعتقادی را در حوزه خیلی پررنگ‌تر و جدی‌تر مطرح کنیم، باید بلافاصله جلوی سرچشمه‌های انحراف را بست و خیلی سریع شبهات آن‌ها را پاسخ گفت و در مرحله بعد، پس از تبیین انحراف و پاسخ به شبهات، باید حساب طرف‌داران را از سران و سرکرده‌ها جدا کرد و با آن‌ها با قاطعیت برخورد کرد. در رابطه با سرکرده‌های اصلی و مبلغان آن‌ها از مراجع عظام، استفتاء شده و برخی حکم مفسد فی‌الارض را بر آن‌ها بار کرده‌اند. البته پس از تبیین و در صورت اصرار بر آن عقیده انحرافی. سفارش من برای ائمه جماعات این است که خودشان را مجهز کنند، یعنی هم مطالعات در عرصه مهدویت داشته باشند و هم یک دوره‌هایی



به عنوان آموزش در ضمن خدمت، که در اصطلاح می‌گویند دوره‌های پودمانی، برایشان برگزار بشود. باید ائمه جماعات ما اطلاعات خودشان را در عرصه مهدویت به روز و کامل کنند. اگر یک روایتی را یک نفر خواند، نباید فوراً بروند و مطرح کنند، باید فکر کنند، که این روایت را چه کسی گفته؟ می‌آیند مثلاً یک روایتی را می‌خوانند، بعد می‌بینی این روایت مثلاً در کتاب «نور الانوار» ابوالحسن مرنندی است. این آقا کیست؟ این روایت از کجا آمده؟ توی کدام کتاب است؟ اصلاً کجا گفته شده؟ یک روایت را می‌آورند از کتاب «الزام الناصب»، این کتاب «الزام الناصب» از مرحوم شیخ علی یزدی حائری متوفای سال ۱۳۳۳ هجری است، این کتاب «الزام الناصب» که نمی‌تواند مأخذ باشد. برخی از روایات در این کتاب از منابع غیرمعتبر و بعضاً بدون ذکر منبع آورده شده است که در هیچ یک از منابع ما وجود ندارد. به عنوان نمونه حدیث سخنان حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در هنگام ظهور «الا یا اهل العالم ان جدی الحسین قتلوه عطشانا، الا یا اهل العالم...»^۱ البته ما نباید از همه ائمه جماعات توقع داشته باشیم در این زمینه‌ها به طور تخصصی وارد باشند. آن‌ها باید ببینند در حوزه علمیه در یک دوره‌ای که برگزار می‌شود، شرکت کنند، مثلاً یکی، دو بار در سال، تا کاملاً به روز باشند. چطور الان برای روحانی حج امتحان گرفته می‌شود و سخت هم گرفته می‌شود و بسیاری شرکت می‌کنند و لازمه‌اش این است که خوب مطالعه کنند، امام جماعت وظیفه‌اش خیلی سنگین‌تر از این آقایانی است که مثلاً می‌خواهند یک گروهی را برای یک مدت

یک ماهه ببرند به حج. ما هم می‌توانیم در مورد ائمه جماعات این کار را انجام دهیم، خیلی به این چنین دوره‌هایی نیاز است.

به عنوان سؤال آخر، لطفاً نشریات و کتبی را برای استفاده ائمه جماعات معرفی بفرمایید.

ما در زمینه مهدویت مجله‌ها و کتاب‌های خوب و ارزشمندی داریم که همه پس از انقلاب منتشر شده است، میزان اهتمام به اندیشه مهدویت و نشر کتاب‌ها و مجلات ویژه مهدویت بلکه در همه عرصه‌های علمی و فرهنگی، پس از انقلاب با پیش از آن اصلاً قابل مقایسه نیست و این از برکات این انقلاب بزرگ الهی و تشکیل حکومت دینی و اندیشه‌ست و تحول ساز ولایت فقیه در ایران است: یکی فصلنامه «انتظار» است که مرکز تخصصی حضرت مهدی موعود منتشر می‌کند و مقالات علمی پژوهشی فاخری دارد. یکی دیگر مجله علمی-پژوهشی «مشرق موعود» است که مؤسسه آینده روشن و مرکز تخصصی موعود حوزه علمیه قم منتشر می‌کند، تا الان ۶۵ شماره آن منتشر شده و در سایت مجله قرار گرفته است. یک مجله دیگری هم داریم به نام «پژوهش‌های مهدوی»، که علمی ترویجی است و ۴۳ شماره‌اش، منتشر شده است و می‌توانند به آن مراجعه کنند. ■ مجله علمی پژوهشی «عصر آدینه» با رویکرد هنر موعود را هم داریم که ۳۵ شماره از آن منتشر شده است. دو مجله علمی تخصصی به زبان‌های عربی و انگلیسی به نام‌های «الموعود» و «برایت فیوچر» هم داریم.

■ در سطح عمومی مجلهٔ دوماهنامه «موعود» آقای شفيعی سروسناني است.

■ کتاب «نگین آفرینش» نوشتهٔ چند تن از پژوهشگران عرصهٔ مهدویت، از انتشارات مرکز تخصصی حضرت مهدی موعود، که کتاب درسی و نسبتاً جامع و مناسبی است.

■ کتاب «دادگستر جهان» مرحوم آیت الله امینی کتاب خوبی ست، که پیش از انقلاب هم منتشر شده بود.

■ «درس نامهٔ مهدویت راهبر» براساس اندیشه‌های امامین انقلاب از انتشارات نشر معارف با همکاری مؤسسه آینده روشن و مجمع راهبردی اندیشه مهدویت که توسط چند تن از اساتید مهدویت حجج اسلام محمدصابر جعفری و حسن ملایی تهیه شده است.

■ «ما منتظریم» مهدویت در منظومهٔ فکری رهبر معظم انقلاب، انتشارات بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود.

■ «تو می آیی» از مرحوم استاد علی صفایی حائری، از انتشارات لیلہ القدر.

■ «دانشنامهٔ امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف» که زیر نظر مرحوم آیت الله محمدی ری شهری در ده جلد نوشته شده و مجموعه‌ای بسیار ارزشمند و فاخر است و توسط انتشارات دارالحدیث چاپ شده است.

■ کتاب «پرسش‌ها و پاسخ‌های مهدوی» که حدود هفتصد صفحه است، این هم کتاب مناسبی است، روی سایت مؤسسه آینده روشن هست، می‌توانند این کتاب را رایگان دانلود و استفاده بکنند. شاید کتابخانه قائمیه اصفهان هم این‌ها را داشته باشد، که از ما اجازه‌اش را گرفته‌اند.

■ راجع به احمد اسماعیل یا همان دجال بصره، چند کتاب توسط مؤسسه آینده روشن، مرکز تخصصی حضرت مهدی موعود، انتشارات بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود و پژوهشکدهٔ مهدویت و آینده پژوهی دفتر تبلیغات، توسط چند تن از فضلاء حوزه؛ آقایان نصرت الله آیتی، محمد شهبازیان، جواد اسحاقی، مسلم کامیاب و... نوشته و منتشر شده که می‌توانند مراجعه کنند.

■ در مورد پاسخ به شبهات احمد الکاتب، حجت الاسلام آقای جواد جعفری کتابی به نام «حدیث حضور» دارد. در مورد شبهات دکتر الغفاری که وهابی اهل عربستان است و کتابی در نقد شیعه دارد که بخش مهدویتش را جناب حجت الاسلام نصرت الله آیتی در کتابی به نام «دلیل روشن» پاسخ داده‌اند. کتاب‌های آقای جعفری و آیتی توسط انتشارات مؤسسه آینده روشن منتشر شده و در سایت مؤسسه قابل دانلود است.

به طور کلی کتاب‌هایی که توسط انتشارات مؤسسه آینده روشن و مرکز تخصصی موعود حوزهٔ علمیه قم، بنیاد فرهنگی و مرکز تخصصی حضرت مهدی موعود، پژوهشکدهٔ مهدویت و آینده پژوهی دفتر تبلیغات منتشر می‌شود، کتاب‌های قابل اعتمادی است.

پی‌نوشت:

۱. سورهٔ بقره، آیات ۱ و ۲

۲. سورهٔ فجر، آیات ۱ و ۲

۳. سورهٔ انبیا، آیه ۱۰۵

۴. ج ۱، ص ۱۱۵

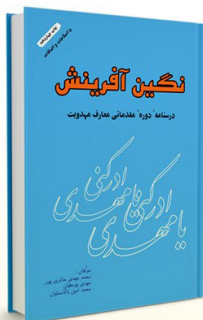
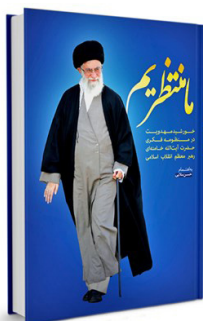
۵. ج ۲، ص ۳۹

۶. ج ۳، ص ۲۸۳

۷. ج ۱۹، ص ۲۹

۸. سورهٔ زخرف، آیه ۶۱

۹. الزام الناصب، ج ۲، ص ۲۸۲



برخی از نشریات و کتب در زمینه مهدویت

۳۶

نشریه محراب
شماره هفتم

معرفی کتاب

منتخب الاثر

بیش از پنجاه سال پیش، عالمی فرزانه و محققى گرانمایه، دامن همت به کمر زد و جامع ترین اثر درباره حضرت بقیة الله عجل الله تعالی فرجه را به رشته تحریر درآورد و آن را «منتخب الاثر» نام نهاد؛ اثری بدیع، شاهکاری عظیم و کتابی جامع با اسلوبی عالی و شیوه‌ای کاملاً ابتکاری. آن عالم، پرکارترین پژوهشگر مهدوی مرحوم حضرت آیت الله العظمی حاج شیخ لطف الله صافی گلپایگانی ۱ بود. مؤلف بزرگوار، این کتاب را با ذوق و حسن سلیقه خود در ده فصل و یکصد باب به رشته تحریر درآورده است.

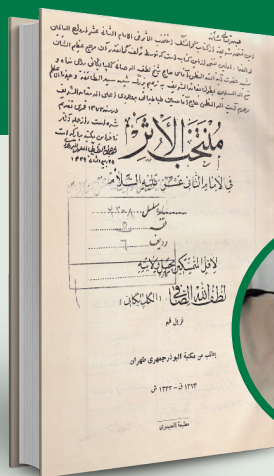
ایشان متن کامل احادیث را بدون تقطیع به صورت کامل و مستند از کتب چاپی و خطی مورداستناد و استناد با دقت هرچه تمام تر نقل کرده است.

ویژگی کتاب

امتیاز بزرگ این اثر ماندگار به اسلوب کاملاً ابتکاری آن مربوط می شود. ایشان به هنگام نقل هر حدیثی فرازهای مختلف آن را بررسی کرده است؛ یکی از آنها را که گویاتر، رساتر و مهم تر تشخیص داده اند، برگزیده و متن کامل حدیث را در بابی که رابطه نزدیک تر با محتوای فراز برگزیده حدیث دارد،

درج نموده اند. سند و متن و منبع آن را در آنجا یاد کرده اند، سپس فرازهای دیگر هر حدیث را با ابواب صدگانه کتاب منظور کرده و در پایان هر بابی تذکر داده اند که احادیث یادشده در فلانفصل و در فلانیاب نیز بر این موضوع دلالت می کند. این شیوه زیبا سبب شده، این اثر ارزشمند از آسیب های تقطیع حدیث محفوظ مانده است، حجم کتاب نیز افزایش پیدا نکند و چیزی ناگفته نماند. این کتاب شامل ۱۰ فصل، ۱۰۰ باب و ۹۳۰ حدیث است. احادیث کتاب شامل موضوعاتی مانند تعداد امامان، نوید ظهور آخرین مصلح غیبی، تاریخ ولادت، سرگذشت و معجزات حضرت ولیعصر عجل الله تعالی فرجه، معجزات حضرت بقیة الله در غیبت صغری، زندگانی نواب خاص، معجزات حضرت بقیة الله در غیبت کبری و تشریف خدمت ایشان، چگونگی ظهور، نشانه ها و فتنه های پیش از ظهور، سال و ماه و محل ظهور، خروج سفیانی و دجال، فتوحات بی نظیر، ظاهر شدن گنج های زیر زمین، فرود آمدن حضرت عیسی علیه السلام، کشتن دجال، پیکار با سفیانی، فضایل و مناقب اصحاب ۳۱۳ گانه آن حضرت، مدت حکومت، دعوت، سیرت، خوراک، پوشاک و شیوه زندگی آن حضرت، انتظار فرج، وظایف شیعیان در عهد غیبت و ... می باشد.

قدیمی ترین نسخه منتخب الاثر



داستان تألیف «منتخب الاثر» از زبان آیتالله صافی

اول تا آخر دیدم، تا چند روایت پیدا کنم. صفحه‌ای نبود که ندیده باشم، یا کتاب «مسند احمد» و کتاب‌های دیگر که در مقدمه نوشته‌ام، تمام اینها را با زحمت دیده‌ام.

یادم است کتابی را می‌خواستیم پیدا کنیم که در قم نبود و برای من خیلی اهمیت داشت. رفتم تهران، پیدا نشد. رفتم خیابان باب همایون، کتابخانه‌ای بود که پیرمردی صاحبش بود. از او پرسیدم: «این کتاب را دارید؟» گفت: «بله.» و رفت از بالا آورد و به من داد. همان جا مطلبی که می‌خواستیم پیدا کردم، گفتم: «چنین مطلبی می‌خواستیم، اگر اجازه دهید، همین جا بنویسم.» گفت: «مانعی ندارد.»

از نگاه دیگران

۱. علامه مرحوم شیخ آقابزرگ تهرانی در موسوعه بزرگ خود، «الذریعة»، پس از معرفی کتاب و مؤلف می‌نویسد: «این کتاب در ۱۰ فصل تنظیم شده؛ هر فصلی در چند باب و هر بابی شامل چند حدیث، به نیکوترین ترتیب و زیباترین اسلوب، از کتب عامه و خاصه به رشته تحریر درآمده است.»^۲

استاد بزرگواری^۱ از روی حسنظن و مهر، اظهار علاقه می‌کرد که کتاب جامع و فراگیری توأم با منابع و مصادر شیعه و سنی درباره حضرت بقیة الله عجل الله تعالی فرجه به رشته تحریر درآورم. من غیر از وقتی که صرف درس آیت الله بروجردی می‌کردم، در بقیه اوقات حتی موقع غذا خوردن در فکر نوشتن کتاب «منتخب الاثر» بودم.

در آن زمان من خیلی روی این کتاب زحمت کشیدم، آن وقتها کتاب کم بود، اگر در تمام قم می‌گشتید کتاب‌هایی که ممکن بود مصدر کتابی مثل «منتخب الاثر» شود، به قدر همین کتابخانه‌ای بود که بنده الان دارم که خیلی جزئی و مختصر است. کتاب [مرجع] نبود. بعضی کتاب‌ها را با زحمت پیدا می‌کردم و یا برای یافتن بعضی کتاب‌ها به تهران یا شهرهای دیگر می‌رفتم، درحالیکه در آن زمان وسایل حمل و نقل مثل امروز نبود.

«تاریخ بغداد» چهارده جلد است. من تمام آن را از



کمال الدین و تمام النعمه

کتاب «کمال الدین و تمام النعمه» یا «اکمال الدین و إتمام النعمه» در اصل به زبان عربی ست. این کتاب تألیف عالم شیعه، محمد بن علی بن بابویه قمی معروف به شیخ صدوق (متوفای ۳۸۱ ق) است. وی در این کتاب به موضوع غیبت و ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه می پردازد. در این کتاب، شیخ صدوق نمونه های فراوانی از غیبت پیامبران الهی را آورده و به بررسی ولادت، امامت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه، روایات پیامبر و ائمه علیهم السلام درباره ظهور آن حضرت، کسانی که به خدمت آن حضرت رسیده اند و شرایط دوران ظهور ایشان پرداخته است. نام کتاب از آیه شریفه کمال در سوره مائده گرفته شده که در آن آمده است: «الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتِمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا؛ امروز دین شما را برایتان کامل و نعمت خود را بر شما تمام گردانیدم، و اسلام را برای شما به عنوان آیین زندگی برگزیدم.»

انگیزه نگارش کتاب

شیخ صدوق انگیزه خود را از نگارش این کتاب، دفاع از مسئله غیبت بیان می کند. او می نویسد: بعد از سفر به مشهد و زیارت علی بن موسی الرضا علیه السلام به نیشابور رفتیم. در آنجا شیعیانی به دیدن من می آمدند و شبیهاتی را درباره امام زمان عجل الله تعالی فرجه مطرح می کردند که من هم سعی فراوان در حل آن شبهات کردم، تا آنکه به قم آمدم. در آنجا شیخ نجم الدین ابوسعید



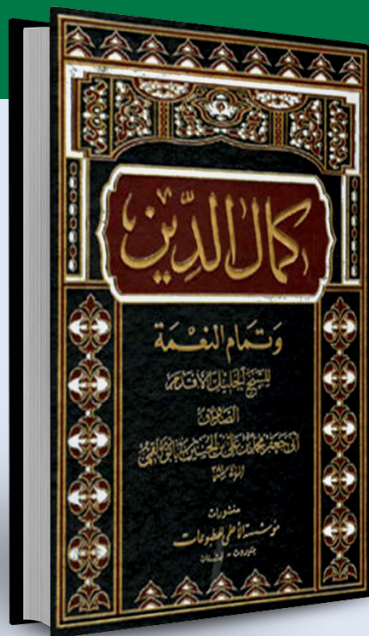
۲. شهید مطهری نیز در کتاب «سیری در سیره ائمه اطهار:» فصلی را به معرفی کتاب «منتخب الأثر» اختصاص داده است و پس از ستایش فراوان از کتاب و مؤلف آن، مطالعه آن را به همگان توصیه کرده است.

۳. حضرت آیت الله حاج شیخ جعفر سبحانی در این رابطه می نویسد: «ستایش این کتاب به علمای شیعه اختصاص ندارد، بلکه گروهی از علمای اهل سنت و بعضی از خاورشناسان نیز زبان به ستایش آن گشوده اند و این کتاب مرجع و منبع هر قلم به دستی است که بخواهد پیرامون حضرت ولیعصر عجل الله تعالی فرجه مطلب بنویسد؛ زیرا مؤلف بزرگوار همه روایات مربوط به آن حضرت را یک جا گرد آورده و در تبویب و تنظیم آن حسن سلیقه به کار بسته است.»

پی نوشت:

۱. مرحوم آیت الله العظمی حاج آقا سید حسین طباطبایی بروجردی.

۲. الذریعة، ج ۲۲، ص ۳۶۷.



بخش را از متون کهن تر و گاه به نحو شفاهی از برخی مرتبطان با نواب اربعه نقل کرده است.

■ می توان کتاب را در زمره مطالب کلامی قرار داد، اما با توجه به فراوانی مطالب تاریخی همچون تاریخ پیامبران، تاریخ جاهلیت، تاریخ پیامبر اسلام و تاریخ تشیع می توان آن را کتابی تاریخی دانست.

■ این کتاب از قدیمی ترین و معتبرترین منابع روایی شیعه درباره امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف است.

✓ شیخ صدوق در این کتاب بسیاری از مباحث اعتقادی شیعه را درباره آن حضرت و غیبت آن امام مطرح کرده و به پاسخ گویی شبهات منکران و مخالفان می پردازد.

✓ این کتاب مجموعاً دارای ۶۲۱ روایت از ۸۸ راوی در ۶۳ باب است.

محمد بن حسن بن محمد بن احمد بن علی بن صلت قمی به دیدارم آمد. او نیز از من درخواست نگارش کتابی درباره امام زمان را کرد و من هم به ایشان وعده اجابت دادم، تا آنکه شبی امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف را در خواب دیدم. آن حضرت به من فرمود: «چرا کتابی درباره غیبت نمی نویسی تا خداوند به وسیله آن حوائج را برآورده سازد؟» عرض کردم: «ای فرزند رسول خدا! من در این باره چند کتاب نوشته ام.» آن حضرت فرمود: «اینک کتابی بنویس و در آن به غیبت های پیامبران الهی اشاره کن!» پس از آن از خواب بیدار شدم و بر آن شدم تا این کتاب را به نگارش درآورم.

ویژگی های کتاب

■ نقل برخی از توقیعات صادر شده از ناحیه مقدسه است. شیخ صدوق برخی از مطالب این



دکتر الهام درستیان | روان شناس

منتظر بساز!

چگونه انتظار درست رادر کودکان تقویت کنیم؟

مقدمه

گفته می شود بحث انتظار موضوعی ست که نباید در کودکی طرح شود، اما یک خانواده دینی می تواند در یک نظام تربیتی هوشمند، به فرزندانش از کودکی اصل انتظار را در حوزه رفتاری و تفکری آموزش دهد. در حوزه رفتاری نکته مهم در رفتار خود خانواده است که مورد توجه فرزند قرار می گیرد. کودکان از والدین خود الگو می گیرند؛ بنابراین پدر و مادری که قانون و حقوق دیگران را زیر پا می گذارند و ناجی خوبی ها و مجری قانون در جامعه نیستند، در ذهنیت کودک خود برای هرگونه بحث درباره منجی و انتظار مردودند.

با پیش فرض صحت رفتار پدر و مادر در حوزه تفکر، وظیفه والدین است که تفکر کودک را در این مسئله شکل دهند. اما اگر این گونه هم نباشد، بر اساس کهن الگوی ناجی که در نهاد و ناخودآگاه

تمام انسان ها وجود دارد، کودکان خود این آمادگی درونی را پیدا خواهند کرد و فرا خواهند گرفت که چگونه بخش ناجی وجودشان را بیدار کنند و در انتظار ناجی باشند. با وجود این اگر والدین به آن ها آموزش متناسب را بدهند، طبیعتاً مسیر و سمت وسوی درست تری برای کودک خود تصویر خواهند کرد و ریسک درگیر شدن کودک با مسائل انحرافی که متأسفانه در این موضوع بالا هم هست، کمتر خواهد شد.

تصورت رادرست کن!

در بسیاری از جوامع و به خصوص جامعه شیعی ایرانی، انسان ها همواره در انتظار فردی هستند که عاقبت روزی، ظهور خواهد کرد و جوامع و انسان ها را نجات خواهد داد. منجی برای انسان از کودکی وجود داشته است، او در کودکی این فرد را مادر و



اهداف والای انسانی که طبیعتاً محتاج تفکری عمیق‌تر است. بسیاری از خانواده‌های ایرانی در طول قرن‌ها چنین اندیشه‌ای را از تعالیم دینی و حتی تجارب ملی به فرزندان خود آموخته‌اند و جامعه ایرانی، نمونه‌های ایثارگر بسیاری در ذهن دارد. در مواقع بسیاری هر فرد تنها به دنبال نجات خود و نجات نفس خود و مهر تأیید زدن بر باورهای خود است، که همان‌طور که بیان شد، این هم یک سطح از وجود ناجی‌باوری در وجود انسان است که سطح پایین‌تری از باور به نجات نوع انسان از سختی‌ها و بدی‌ها دارد، و می‌توان این سطح از ناجی‌باوری را ناجی والا بنامیم.

این نجات خود و دیگران توسط انسان می‌تواند همان جهاد اکبر و جهاد اصغر در تعالیم دینی باشد.

یک دست صدا ندارد

انسان در مسیر کمال، پس از طی این مسیر و از مرحله‌ای به بعد متوجه خواهد شد که خودش به تنهایی برای ساختن جهان از خوبی‌ها و نیز نجات خود و نجات جهان کافی نیست. او خواهد فهمید که یک انسان با تمام نقاط قوت خود برای تأثیرگذاری به یک ناجی قدرتمند بیرونی نیاز دارد، تا در کنارش باشد و با او این گام‌ها را بردارد تا او

البته پدر می‌بیند. همین انسان وقتی که بزرگ‌تر می‌شود، متوجه خواهد شد که والدینش در نجات دادنش در یک‌سری از مسائل عاجزند و این خود اوست که باید بتواند خود را نجات دهد.

متأسفانه خیلی از افراد به این نتیجه نمی‌رسند و مدام به دنبال یک ناجی و انسان بیرونی در خارج از خود می‌گردند، که آن انسان هم سرشار از اشتباهات و ضعف است و مثل هر انسان دیگری نقاط مثبت و منفی خود را دارد. چنین فرایندی باعث می‌شود بسیاری از افراد نتوانند، آن بخش ناجی وجود خود را درک کرده و در زندگی خود مورد توجه قرار دهند. آن‌ها به ورطه انحرافات عقیدتی و عملکردی آن‌چنانی می‌افتند که بیرون آمدن از آن در بسیاری از مواقع غیرممکن است.

اول منجی خود باش

او در چنین فرایندی نمی‌تواند به این نتیجه برسد که «در وهله اول من باید بایستم و نجات‌دهنده خود و دنیای خود باشم.»

فرد باید بتواند ناجی خود باشد و این خود می‌تواند نفس و نفس اماره و نفس لؤامه او باشد. انسانی که در راستای رسیدن به کمال گام برمی‌دارد، باید از این سطح درک از منجی هم بگذرد. او باید به مرحله «ایثار» برسد. به مرحله اهداف والاتری، همچون



ظهور منجی در تعالیم دینی به افرادی با مسئولیت‌پذیری اجتماعی احتیاج دارد

خودت را نجات بدهی، نتوانی از خودت حمایت کنی، نتوانی ارزش‌های انسانی را در خودت نجات بدهی و از آن‌ها دفاع کنی، نمی‌توانی از بقیه هم دفاع کنی.»

۲. در دومین گام باید به او این مزده را داد که: «حالا که تو در حال جهاد اجتماعی و تلاش برای نجات خودت و جامعه هستی، بدان که در این مسیر تنها نیستی. نترس! تو به عنوان یک انسان تنها نیستی، ناجی آخرالزمانی هم خواهد آمد و تو به کمک او، جهانی سرشار از زیبایی و انسانیت و خدا را خواهید ساخت و تو در این حرکت جهاد فردی و اجتماعی منتظر خواهی بود.»

در چنین حالتی کودک در انتظاری بسیار شیرین، امیدوارکننده و سازنده خواهد بود و برای مسئولیت خویش برابر خود و دیگران گام برمی‌دارد.

انگیزه‌های حرکت این کودک با کودکی که اصلاً چنین ذهنیتی ندارد متفاوت خواهد بود، یا کودکی که ذهنیت‌های منفی و غیرسازنده و ناامیدکننده نسبت به آینده دارد. این تفکر زندگی کودک را از امید و انگیزه و میل به پیشرفت و تأثیرگذاری در جامعه سرشار می‌سازد که در کنار آن ارزش‌های اخلاقی و انسانی شکل می‌گیرد.

با هدایت و رهبری خود از این انرژی‌های سازنده ولی پراکنده در جهان، برای نجات بزرگ وحدتی سازنده بیافریند.

شیوه تربیتی انسان باید به نحوی پیش برود که این فرایند به‌ترتیب طی شود. ثمره نظام صحیح تربیت منجی‌باور، فردی منفعل نخواهد بود که کاری در جهت ساختن و تعالی زندگی و جهان انجام نمی‌دهد و در انتظار یک منجی است که بیاید و یک‌تنه دنیای او را بسازد.

تعالیم اصیل دینی ما همواره در تبیین موضوع انتظار خاطرنشان می‌سازد که ناجی آخرالزمان زمانی فرامی‌رسد که افرادی در جامعه برای ایثار اجتماعی و مبارزه برای ارزش‌های والای انسانی همچون عدالت آماده باشند.

و در آخر ...

ظهور منجی در تعالیم دینی به افرادی با مسئولیت‌پذیری اجتماعی احتیاج دارد. بنابراین نظام تربیت دینی باید:

۱. توسط والدین و نظام آموزشی از کودکی ریشه تفکری را در ذهن کودک نهادینه سازد که «تو باید و بتوانی در وهله اول خودت و در وهله بعد برای دیگران ناجی صفات ناب انسانی باشی. در ابتدا برای خودت باید ناجی باشی؛ زیرا اگر نتوانی





سایت فصلنامه «انتظار» موعود

<http://www.entizar.ir/>



سایت مجله علمی-پژوهشی

«مشرق موعود»

<http://mashreqmag.sinaweb.net/>



سایت مجله «پژوهش‌های مهدوی»

<http://pajmahdavi.sinaweb.net/>



سایت مجله علمی پژوهشی «عصر آدینه»

<http://asreadineh.sinaweb.net/>



سایت نشریه «امان»

<https://amanmag.mahdaviat.ir/>



در سرویس امام مسجد، به نیازهای هویتی و صنفی امام مسجد، مسائل مبتلابه امام جماعت در فرایند انجام رسالتی که بر عهده او نهاده شده و همچنین گزارش از برنامه‌ها و فعالیت‌های فاطمی یک مسجد موفق با موضوع مدیریت بحران در مسجد پرداخته شده است.

امام مسجد



مسجد فرهنگی،
مسجیدی قرآنی است



مسجد
تجمع برای وفای به عهد



خوش لباس
خوش بو
خوش سخن



رضا فاتح | نویسنده

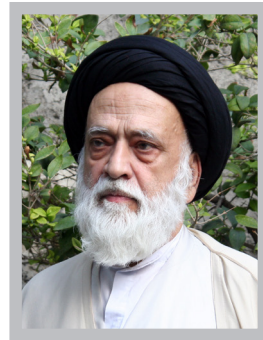
اگر از مردم صدر اسلام سؤال شود به چه علت دین اسلام را پذیرفته‌اید یا چرا جذب پیامبر خدا شده‌اید، طبق آنچه در کتابهای تاریخ آمده خواهند گفت، به خاطر اخلاق پیامبر گرامی اسلام. اخلاق آن هم از نوع کاربردی‌اش برگ برنده و تسهیل‌گر امور یک امام جماعت در مسجد و محله می‌باشد. در ادامه نکاتی در باب اخلاق کاربردی امام جماعت را مرور می‌کنیم.

خوش لباس خوش بو خوش سخن

اخلاق کاربردی امام جماعت

نشریه محراب
شماره هفتم

۴۶



مرحوم حجت الاسلام والمسلمین سید علی اکبر حسینی

همواره سعی کرده‌ام که احترام مردم، مخصوصاً مؤمنانی را که در نماز جماعت ثابت قدمند حفظ کنم. اهتمام دارم بین دو بین با مؤمنان ارتباط برقرار کنم و چند دقیقه حدیث بخوانم و آن را توضیح دهم. باید به این موضوع هم اشاره کنم که وقتی گفته می‌شود «امام جماعت نباید نماز مردم را به گروگان بگیرد»، مربوط به سخنرانی‌های طولانی‌ست.

ارتباط ائمه جماعات با مردم و نمازگزاران باید صمیمی باشد. چنانچه پای مردم به مسجد باز شود، به تدریج به معارف و آموزه‌ها هم گرایش پیدا می‌کنند. باید با اخلاق اسلامی مردم را به مسجد علاقه‌مند کرد. مسجد بخشی از زندگی مردم است؛ اگر مردم احساس کنند که دنیا و آخرتشان در مسجد تضمین می‌شود، حتماً اقبال می‌کنند. به همین دلیل زیبایی مسجد تا حدی که اسراف و زیاده‌روی نباشد، لازم است.

شب‌های عید در مسجد عطر پخش می‌کنیم و معتقدیم که این خوش‌بویی به کارهای دیگر مسجد هم سرایت می‌کند. مسجدی می‌تواند

پایه‌گذار حیات طویه باشد که به معرفت مردم هم بپردازد. مسجد را باید محل انس، توجه، عبادت و گفت‌وگو برای مردم قرار دهیم تا به آن سوق پیدا کنند.

یکی از ویژگی‌ها، ناطق بودن است. نطق گویا و شایسته باعث ارتباط ائمه جماعات با دیگران می‌شود. در کل باید گفت خوش‌لباسی، خوش‌نگاهی و خوش‌سخنی از ویژگی‌های بسیار مهم یک امام جماعت موفق است.

مهم‌ترین ویژگی شخصیتی امام جماعت، صبر مقابل مشکلات و برخی انتظارات و توقعات مردم است.

امام جماعت باید با همه سنین ارتباط خوبی داشته و برای همه سنین برنامه داشته باشد. بچه‌هایی که به مسجد می‌آیند، باید مورد توجه قرار گیرند. مثلاً یک بار برای کودکی که هنگام نماز عبا بزرگی را به دوش می‌گذاشت، عبايي به اندازه‌اش تهیه کردیم و در مسجد به او هدیه دادیم. این کودک هر روز برای نماز از این عبا استفاده می‌کند و بعد از نماز برای اینکه خاطرش جمع باشد، در دفتر من می‌گذارد.

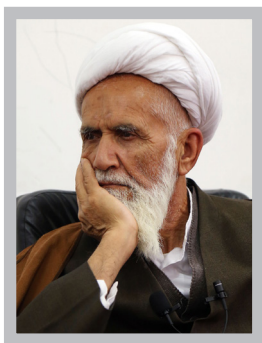
گاهی به برخی نمازگزاران مسن که مخالف حضور بچه‌ها در مسجدند، تذکر می‌دهم؛ البته به گونه‌ای که دل‌خور نشوند. نباید به بهانه جوان‌گرایی بزرگ‌ترها را فراموش کنیم. امام جماعت باید پدری کند و مردم تحت محبت او قرار گیرند. همه افراد در مسجد باید مورد کرامت امام جماعت قرار گیرند تا مسجد را از آن خود بدانند.

تعدد فرماندهی در مسجد یکی از مشکلات است. مشارکت در رأی، ما را به نظر صواب می‌رساند؛



داشته باشد، که البته به نحوی این جلسات برگزار می‌شود.

در مسجد برای جشن‌ها مداحانی را دعوت می‌کنیم که شادمانی مردم را تأمین کنند و سفارش می‌کنم روضه نخوانند. مراسم جشن و عزا باید از یکدیگر کاملاً متمایز باشند. ذهن مردم به علت گرایش به تلویزیون و وسایل تصویری، کمتر تحمل سخن غیرتصویری را دارد. نکته دیگر آنکه اگر روحانی بتواند برخی اشعار را با آوای خوب بخواند، جذاب خواهد بود.



مرحوم آیت‌الله حائری شیرازی

فلسفه وجودی مسجد، مثل فلسفه کعبه است: «جَعَلَ اللَّهُ الْكَعْبَةَ الْبَيْتَ الْحَرَامَ قِيَامًا لِلنَّاسِ»؛ خدای متعال کعبه را بیت حرام قرار داده، برای مردمی که در دنیا نشسته و آن را وطن قرار داده‌اند، تا راهی حرکت کمالی‌شان کند. کعبه مثل خورشید است، مساجد هم مثل آینه. آنچه از آینه بیرون می‌تابد، نور خورشید است؛ نه نور آینه. زغال، آتش بالقوه است. وقتی به حرارت تبدیل شود، به کمال خودش رسیده است. انسان هم وقتی یکپارچه به

اما اگر در فرماندهی مشارکت باشد، به اضطرار می‌افتیم. گاهی تعداد فرماندهی در مسجد، از ناحیه بسیج و امام جماعت است. بسیج تا حدودی خود را مستقل می‌بیند و به فرمان مسجد نیست، که این ممکن است تضاد پیش آورد. بسیج زمینه خوبی برای فعالیت دارد؛ به خصوص آنکه اعضای بسیج معمولاً جوان و علاقه‌مندند؛ اما نکته مهم اینکه فعالیت‌های بسیج باید با هدایت امام جماعت انجام شود.

گاهی به عیادت همسایه‌های بیمار مسجد می‌شتابیم و حال نمازگزاران را جویا می‌شویم. گاهی به دیدار خانواده‌های شهدا و جانبازان می‌رویم و از نورانیت و محبوبیتشان استفاده می‌کنیم. سعی ما بر این است که به عیادت بیماران برویم؛ به‌ویژه آن‌هایی که در نماز جماعت حضور مداوم دارند. گاهی مردم نوزادانشان را به مسجد می‌آورند برای اینکه در بدو تولد برای آن‌ها اذان بگوییم. گاهی هدیه‌ای نیز به آن‌ها می‌دهیم. همچنین جوانان برای خطبه عقد در مسجد حضور می‌یابند.

در روزهای مربوط به ۲۱ ماه رمضان از مساجد اطراف دعوت می‌شود که به‌طور دسته‌جمعی به زیارتگاه شهدا بیایند. در این مراسم حدود ده مسجد دعوت می‌شوند و در دسته‌های منظم عزاداری به تدریج وارد مسجد می‌شوند. بعد از اینکه در مسجد از سخنرانی بهره‌مند می‌شوند، مراسم عزاداری مشترک انجام می‌شود. به‌طور کلی اجتماع اهالی محل و نمازگزاران مساجد مختلف در یک مسجد خوب است و موجب انس مردم و ائمه جماعات آن منطقه می‌شود. برای ائمه جماعات هم خوب است که چنین جلسات مشترکی وجود



فلسفه وجودی مسجد، مثل فلسفه کعبه است: «جَعَلَ اللَّهُ الْكَعْبَةَ الْبَيْتَ الْحَرَامَ قِيَامًا لِلنَّاسِ»؛ خدای متعال کعبه را بیت حرام قرار داده، برای مردمی که در دنیا نشسته و آن را وطن قرار داده‌اند، تاراهی حرکت کمالی‌شان کند. کعبه مثل خورشید است، مساجد هم مثل آینه. آنچه از آینه بیرون می‌تابد، نور خورشید است؛ نه نور آینه

هیئت همین که به یاد خدا بیفتد، با هیئت مسجدی هماهنگ می‌شود. قرآن می‌فرماید: «تِلْكَ الدَّارُ الْآخِرَةُ نَجْعَلُهَا لِلَّذِينَ لَا يُرِيدُونَ عُلُوًّا فِي الْأَرْضِ وَلَا فُسَادًا.»^۲ امام جماعت برای رضای خدا هیئت‌ها را دور هم جمع کند و میانشان با زبان گفت‌وگو عقد اخوت برقرار سازد؛ طوری که احساس کنند با هم برادرند. اما اگر امام جماعت این ظرفیت را نداشته باشد، وجود هیئت‌ها می‌شود تهدید. امام جماعت نباید به این هیئت یا آن هیئت وابسته شود. امام جماعت مثل پدری‌ست که میان بچه‌هایش فرق نمی‌گذارد، اما فرزندان هم متفاوتند؛ یوسف و برادران یوسف هم هستند. باید در هیئت‌ها یوسف‌ها آورده شود تا حالت انس‌والف بینشان ایجاد شود. خداوند به انسان خلاقیت داده، وقتی انسان احساس مسئولیت کرد، سازنده می‌شود.

امام جماعت همیشه سعی کند ذلت باطنه‌اش بر عزت ظاهره‌اش غلبه یابد. همیشه به یاد داشته باشد که به خدا بدهکار است و این بدهکاری را فراموش نکند. چنانچه دستش را بوسیدند، تکریم و تجلیلش کردند، مثل شمع از خجالت پیش خدا بسوزد. این ذلت باطن است. امام علی (ع) در دعای کمیل می‌فرماید: «وَكَمْ مِنْ ثَنَاءٍ جَمِيلٍ لَسْتُ أَهْلًا نَشْرُتَهُ.»

امام جماعت باید اهل مسجد را از بیجگی بزرگ کند، مسائل را یادشان دهد و بداند که پدرها در حال

آتش محبت خدا تبدیل شود، به کمال خودش رسیده است. مسجد به انسان جهت الهی می‌دهد. مسجد محل ارتباط دل‌های مؤمنان به یکدیگر است. وقتی عده‌ای به امام جماعت اقتدا می‌کنند، امام جماعت ظرف وسط می‌شود و مؤمنان هم ظروف مرتبط هستند، اگر ۵۰ ظرف را به یک ظرف مرتبط کنیم، خودبه‌خود آن ۵۰ ظرف با یکدیگر مرتبط می‌شوند و آب در یک ظرف می‌ایستد. وقتی بین امام جماعت و خدا محبت پیدا شد، بین او و مردم هم محبت پیدا می‌شود: «إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ سَيَجْعَلُ لَهُمُ الرَّحْمَنُ وُدًّا.»^۲ مسجد باید بانک اطلاعاتی شود، یعنی هرکس هرچیزی گم کرده است، در مسجد پیدا کند. توان دارها وقتی به مسجد می‌آیند، به ناتوان‌ها کمک کنند. مأمومین در مسجد می‌توانند با توانمندا ارتباط برقرار کنند و از آن‌ها برای ناتوان‌ها کمک بگیرند.

در زمان پیامبر ﷺ هروقت نماز جماعت برگزار می‌شد و قرار بود اتفاق جدیدی بیفتد، بعد از نماز، حضرت سخنرانی می‌کرد و مسائل جدید را مطرح می‌کرد و مأموریت جدید را به مردم می‌گفتند؛ بنابراین در عصر ما نیز مسجد باید کانون اجتماع مؤمنان باشد. مسجد برای کارهای شخصی و دنیایی بنا نشده است، اما کار فرهنگی و اقامه امر اهل بیت؛ امر دنیایی نیست؛ امر الهی‌ست. همیشه همین‌طور بوده و مسجد قلب تپنده کارها می‌شده است.



رفتند و فرزندان‌شان جایگزین آن‌ها می‌شوند. حالات آقای شیخ محمدحسین زاهد را بخوانید، کتاب‌های آقای مجتهدی را بخوانید، زندگی‌نامه آشیخ علی‌اکبر برهان را بخوانید؛ سلوکشان همین‌گونه بوده است. به امام‌جماعت‌ها این کتاب‌ها را بدهید؛ این‌ها می‌فهمند امام‌جماعت یعنی چه، اگر می‌خواهید هزینه کنید، این کار را بکنید.

بعضی از ائمه جماعات دهه محرم و صفر منبری دعوت می‌کنند که این شیوه، شیوه خوبی‌ست؛ چون برای مردم تنوع ایجاد می‌شود. مردم از صبح تا شام از یک غذا بخورند، خسته می‌شوند. اما اگر خود مردم تقاضا کنند که امام‌جماعت برایشان منبر برود، این حرف دیگری است.



آیت‌الله هاتف قوچانی

امام‌جماعت یا باید مسئولیتی را قبول نکند و یا اگر قبول می‌کند، حق آن را ادا نماید. مسجدداری شرایط زیادی دارد. امام‌جماعت باید به حضور دائم و اول وقت در مسجد مقید باشد. برای ارتباط با مدارس برنامه‌های هفتگی بگذاریم و

برای جوانان در تابستان اردوهایی برگزار کنیم. همه این‌ها برای روشن نگه داشتن چراغ مسجد است. تنگ‌نظری‌ست اگر احیاناً جوانی را به‌خاطر ظاهر متفاوت او در مسجد نپذیریم.

امام‌جماعت باید سفینه‌النجاة باشد؛ نباید برخی گروه‌ها را با استقبال پذیرفت و برخی را طرد کرد. مسجد به هیچ گروه خاصی اختصاص ندارد و همه گروه‌ها و اقشار حضور دارند. نباید یک امام‌جماعت با تنگ‌نظری برخی را از مسجد دور کند. البته مسائل فرهنگی باید صددرصد زیرنظر امام‌جماعت باشد.

ائمه جماعات اگر ملتزم شوند بین دو نماز چند مسئله احکام بگویند، برای مردم مفید است. مردم تشنه مسائل فقهی هستند و البته برای این کار باید مطالعه داشت. امام‌جماعت باید مسائلی را که مورداتفاق همه مراجع است و مردم به آن مبتلا هستند برای مردم بیان کند.

امام‌جماعت باید مردم را به مسائل اخلاقی و اجتماعی سفارش کند و از مسائل حزبی و جناحی پرهیز نماید؛ چون اختلاف نظر و سلیقه طبیعی‌ست و افراد را باید به مسائل انسانی دعوت کرد و از کشاندن مردم به مسائل حاشیه‌ای پرهیز نمود. امام‌جماعت نباید به‌طرف خاصی گرایش پیدا کند. امام‌جماعت باید مردم را از اتهام‌زنی و کنجکاوی و تجسس بپهوده باز دارد. همچنین نباید هرچیزی را که به گوشش رسید برای مردم بیان کند.

پی‌نوشت:

۱. سوره مائده، آیه ۹۷

۲. سوره مریم، آیه ۹۶

۳. سوره قصص، آیه ۸۳



نشریه محراب
شماره هفتم

مسجد

تجمع برای وفای به عهد

عَلَيْهِ السَّلَام
فَرَجَهُ الشَّرِيف

وظیفه مسجد برای ظهور حضرت حجت

مولایمان حضرت حجت نامه‌ای برای شیخ مفید فرستادند. حضرت در آن نامه سفارش‌های لازم به شیخ مفید را انجام می‌دهند. در قسمتی از آن نامه می‌فرمایند: «وَلَوْ أَنَّ أَشْيَاعَنَا وَفَقَهُمُ اللَّهُ لِطَاعَتِهِ عَلَى اجْتِمَاعٍ مِنَ الْقُلُوبِ فِي الْوَفَاءِ بِالْعَهْدِ عَلَيْهِمْ لَمَا تَأَخَّرَ عَنْهُمْ الْيَمْنُ بِلِقَائِنَا...؛ اگر شیعیان ما، که خداوند توفیقاتشان را زیاد بکند، قلب‌هایشان را در وفای به عهد ما اجتماع نکنند... لَمَا تَأَخَّرَ عَنْهُمْ الْيَمْنُ بِلِقَائِنَا؛ از فیض ملاقات ما محروم نمی‌شوند...؛ سعادت دیدار با معرفتشان به ما زودتر فراهم می‌شود و این دیدار به تأخیر نمی‌افتد. یعنی اگر ما اجتماع بکنیم این عهد و وفای به عهد صورت می‌گیرد و ان شاء الله ظهور محقق می‌شود.

حجت الاسلام والمسلمین مهدی عسگری

امام جماعت مسجد حضرت حجت بن الحسن العسکری عَلَيْهِ السَّلَام، میدان شهر زیبا

۵۱

نشریه محراب
شماره هفتم



امیرالمؤمنین علیه السلام در جای دیگری می‌فرمایند افرادی که تکر و هستند طعمه شیطان می‌شوند، همان طوری که گوسفند وقتی که تنها می‌شود طعمه گرگ می‌شود

اهمیت جماعت‌سازی

«يَدَاللهُ مَعَ الْجَمَاعَةِ؛ دست خداوند همراه با جماعت است.»، این معیت است، معیت یعنی همراه جماعت شدن، در واقع اتحاد مسلمان‌هاست که سبب قدرت و شوکت آن‌ها می‌شود و تفرقه مسلمان‌ها باعث ذلت و خواری مسلمان‌ها می‌شود. جدایی از جامعه و تک افتادن همیشه باعث انزوا و انحرافات فکری است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در جای دیگری می‌فرمایند افرادی که تکر و هستند طعمه شیطان می‌شوند، همان طوری که گوسفند وقتی که تنها می‌شود طعمه گرگ می‌شود. البته اینجا روشن است که منظور از همراه با جمعیت بودن، همراه با جمعیت و اکثریت و اجتماعی است که ایمان و ارزش‌های انسانی و اخلاقی را دارا هستند.

۴. خداوند به حضرت مریم می‌فرماید: «يَا مَرْيَمُ اقْنُتِي لِرَبِّكِ وَاسْجُدِي وَارْكَعِي مَعَ الرَّاكِعِينَ؛ ای مریم، به شکرانه این نعمت برای پروردگار خودت خضوع بکن، سجده به جا بیاور با رکوع کنندگان.» منظور از «مع الرَّاكِعِينَ» در اجتماع بودن است. یا در روایات هست که حضرت مسیح در نماز جماعت اقتدا می‌کنند به حضرت حجت و با اقتدا کردن حضرت مسیح به حضرت حجت، مسیحیان مسلمان می‌شوند و یار آقا امام زمان می‌شوند.

۱. در متون دینی وفای به عهد به چه معناست؟
اول، ایمان به خداست؛ یعنی ما باید عهدمان را در ایمان به خدا خیلی قوی بکنیم: «أَلَمْ أَعْهَدْ إِلَيْكُمْ يَا بَنِي آدَمَ أَنْ لَا تَعْبُدُوا الشَّيْطَانَ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُبِينٌ.»
دوم، ایمان به رسول خداست.
سوم، ایمان به امامت است.

در واقع آن وفای به عهدی که حضرت می‌فرمایند، یعنی اجتماع در ایمان به خدا، اجتماع در ایمان به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، اجتماع به ایمان به امامت، که اگر این اتفاق بیفتد ان شاء الله ظهور نزدیک می‌شود.
۲. تاریخ نشان داده تا مردم نخواهند و تلاش نکنند حق سر جای خودش قرار نمی‌گیرد. تا مردم اجتماع کردند و رفتند در خانه امیرالمؤمنین و ایشان را به عنوان امام خودشان قبول کردند، حکومت اسلامی راه افتاد. جایی که علی را کنار گذاشتند، حکومت اسلامی هم کنار رفت. در مورد مولایمان حضرت اباعبدالله الحسین هم وقتی نیامدند به یاری امام حسین، منجر به واقعه عاشورا شد. اجتماع قلوب باعث شد بعد از ۱۴۰۰ سال از سلاله پاک پیغمبر یک نفر به نام حضرت امام انقلاب ما را به پیروزی رساند.

۳. مولای متقیان امیرالمؤمنین علیه السلام می‌فرمایند:



جماعت‌سازی و مسجد

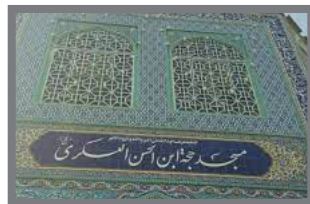
جماعت‌سازی اجتماعی با رویکرد خدمات جهادی

۱. مولایمان امام حسن عسکری علیه السلام می‌فرمایند: «خَصْلَتَانِ لَيْسَ فَوْقَهُمَا شَيْءٌ الْإِيمَانُ بِاللَّهِ وَ نَفْعُ الْإِخْوَانِ؛ دو تا خصلت هستند که بالاتر از این دو تا خصلت هیچ چیزی نیست.»، اولی ایمان به خداست، بعد حضرت می‌فرمایند نفع رساندن به برادران دینی که یکی از مصادیق با ارزشش همین کارهای جهادی است که در مناطق محروم انجام می‌دهند. و همچنین کمک‌های مؤمنانه‌ای است که در مساجد دارد صورت می‌گیرد و بعد از کرونا خیلی هم پررنگ شده است.

۲. یکی از آن مصادیق مهم جماعت‌سازی‌ست، همان‌طوری که مقام معظم رهبری هم چندین بار این مطلب را فرمودند کارهای گروهی برای رفع مشکل جامعه و مردم است. یعنی ما باید بتوانیم در بستر مسجد کارهای گروهی و کارهای جهادی را به راه بیندازیم تا به وسیله آن مشکلات مردم برطرف بشود. ۳. کارهای گروهی و جهادی باعث جماعت‌سازی می‌شود، همبستگی را زیاد می‌کند، همدلی را زیاد می‌کند. مسجدی و غیرمسجدی در خدمت به مردم قلب‌هایشان جمع می‌شود.

۴. در کارهای گروهی و جهادی مسجدی با غیرمسجدی موضعی ندارد، همه در خدمت به مردم در یک جبهه هستیم، همه‌مان شیعیان مرتضی‌علی هستیم. ما باید این را به جامعه نشان بدهیم که یکی و جماعت هستیم.

۵. تدبیری بکنیم که کارها را به دست جوانان و



این‌ها همه‌شان بحث جماعت‌سازی را دنبال می‌کنند؛ نماز جماعت و جماعت‌سازی. آن چیزی که مهم است این جماعت باید نسبت به مولایشان حضرت حجت انتظار واقعی داشته باشند.

۵. ابن‌سینا وقتی ثواب عظیم نماز جماعت را می‌بیند به ابوسعید ابوالخیر نامه می‌نویسد که «این همه ثواب عظیم برای نماز جماعت برای چیست؟» ابوسعید در جواب ابن‌سینا مثال می‌زند که «اگر ما شمع‌هایی داشته باشیم، چراغ‌هایی داشته باشیم که هرکدام در اتاقی روشن باشند، یک بادی بیاید به هرکدام از این اتاق‌ها بخورد خاموش می‌شوند، ولی اگر جماعتی باشد، اگر بادی بیاید مقداری از این شمع‌ها هر قدر هم باد شدید باشد باز هم ته آن چند تا از این شمع‌ها روشن می‌ماند. وقتی روشن بماند راه از بیراهه مشخص می‌شود.» یعنی این قدر جماعت‌سازی اهمیت دارد و ما هم دیدیم، تا آن موقعی که جماعت پشت امیرالمؤمنین بودند کار درست است، آن موقعی که تفرقه افتاد بین جماعت مسلمان‌ها توی حکمیت یک مقدار کار فاصله افتاد. آنجایی که پشت امیرالمؤمنین را خالی کردند بین حق و باطل فاصله افتاد و امیرالمؤمنین علیه السلام به شهادت رسید، امام حسن علیه السلام به شهادت رسید، امام حسین علیه السلام هم به شهادت رسیدند.

نوجوانان انجام بدهیم. یعنی این جماعت سازی را ببریم در سن پایین تر، چون مهر و مودت و جذبه در این سن بیشتر است.

۶. تدبیری بکنیم که کارها را به دست جوانان و نوجوانان انجام بدهیم، زیرا برد کار فرهنگی در نوجوانان خیلی سریع تر و راحت تر است. اگر قرار است کار فرهنگی بکنیم، اگر کار جهادی بکنیم این را به دست نوجوانانمان انجام بدهیم.

۷. از نوجوانان کارهای خدمت رسانی جهادی را به فراخور حال و شرایط به سنین پایین تر هم بدهیم. در این صورت بچه هایمان را با مدل جماعت سازی در مسیر نفع رساندن به جامعه مؤمنین تربیت خواهیم کرد.

جماعت سازی در کارهای فرهنگی مسجد:

۱. در واقع کمک های جهادی و کمک های مؤمنانه، ابزار بشود برای فرهنگ جماعت سازی، به ویژه در قشر نوجوان.

۲. کلاس های قرآن، برنامه های تربیتی و... ابزار بشود برای جماعت سازی در قشر نوجوان.

۳. وقتی جماعت سازی صورت گرفت تفسیر قرآن در مسجد فایده دارد و فقط مساجد محدود به چهار تا نماز جماعت نمی شود.

جماعت سازی علمی در بستر مسجد:

۱. مساجد را مأمّن و محل امنیت علمی بچه های محله و مسجد کنیم.

۲. همه نوجوانان دختر و پسر محله و مسجد بدانند درسشان با اجتماع در مسجد رشد پیدا می کند.

۳. برای کتابخانه و جذب حداکثری نوجوانان به کتابخانه مسجد برنامه ریزی داشته باشیم.

۴. در حوزه های علم و فناوری از اساتید فن جهت آشنایی جوانان محل با علم های جدید بهره ببریم.

۵. از موفقین علمی جهت انگیزه بخشی و هویت علمی نوجوانان استفاده نماییم.

۶. نمایشگاه علمی در مسجد برپا کنیم و...

جماعت سازی اخلاقی در بستر مسجد:

۱. مساجد را مأمّن و محل امنیت اخلاقی بچه های محله و مسجد کنیم.

۲. پدر و مادر بدانند اخلاق فرزندشان در بستر مسجد رشد خواهد کرد.

۳. از بزرگان موفق اخلاق و علم جهت الگوگیری نوجوانان برای تشکیل گعده دوستانه دعوت کنیم.

■ نکته آخر: کاری که ما در مساجدمان می توانیم انجام بدهیم تا ان شاء الله ظهور حضرت را نزدیک کنیم اجتماع در قلوب است. ان شاء الله با اجتماع در قلوب وفای به عهد نسبت به امامت اتفاق خواهد افتاد و نظر لطف حضرت شامل حال ما خواهد شد. مسجد باید جماعت سازی بکند برای ظهور. اگر به این صورت این جماعت آماده بشود به امید خدا سربازان حضرت برای ظهور حضرت حجت و بعد از ظهور حضرت حجت، آماده خواهند شد.

پی نوشت:

۱. سوره یس، آیه ۶۰

۲. سوره آل عمران، آیه ۴۲



مسجد فرهنگی، مسجدی قرآنی است

مروری بر فعالیت‌های معاونت فرهنگی امور مساجد

حجت‌الاسلام حجت‌الله ذاکر | معاون فرهنگی، اجتماعی مرکز رسیدگی به امور مساجد

مسجد اصل و اساس زیربنای جامعهٔ مسلمین است. مسجد در عرصه‌های فرهنگی، تربیتی، آموزشی و بر محور قرآن مسیر و محیط تربیتی خود را مدیریت می‌کند. مسجد با برنامه‌های فرهنگی که برای نمازگزاران تدارک می‌بیند، بستر رشد و تعالی جامعه را فراهم می‌کند و معاونت وظیفه دارد با تبادل، همکاری، هم‌فکری و هم‌افزایی با ائمهٔ جماعات برنامه‌های متنوع فرهنگی را در مسجد برنامه‌ریزی و اجرایی کند. در یک نگاه کلی برنامه‌های فرهنگی امور مساجد به صورت زیر تقسیم‌بندی می‌شود:

۵۵

نشریه محراب
شماره هفتم



مدرسه هستند، به عنوان مبلغ در مدرسه حضور پیدا می‌کنند.

- با هماهنگی‌هایی که با مدارس صورت می‌گیرد حتی اگر امام جماعت به صورت مبلغ هم در مدرسه حضور نداشته باشد با دانش‌آموزان مدرسه به صورت‌های مختلف مانند جشن تکلیف، مسابقه، اعتکاف و نمونه‌های مختلف دیگر در مسجد حضور به هم می‌رانند و پیوند مسجد و مدرسه صورت می‌گیرد.

۳- مشاوره: یکی دیگر از خدمات معاونت فرهنگی

مشاوره به مردم در زمینه‌های مختلف است:
- مشاوره در زمینه‌های حقوقی، تحصیلی، خانواده
و...

- بسترسازی و حمایت جهت ایجاد مرکز مشاوره در بعضی مساجد استان تهران یا با همکاری و هم‌افزایی سپاه، شهرداری و مجموعه‌های مختلفی دیگر و یا اینکه خود مسجد زیرساختش سخت‌افزاری مانند مکان مشاوره و نرم‌افزاری مانند اینکه امام جماعت خودش مشاور بوده و دوره تحصیلی تکمیلی مشاوره را دیده، داشته است.

۴- **کانون خدمات رضوی:** تقریباً یک سال و اندی ست که در تعدادی از مساجد استان تهران کانون و میز خدمات رضوی به عنوان یک کار فرهنگی تدارک دیده شده است. این کانون در زمینه‌های مختلف فرهنگی و اجتماعی خدمات را به نمازگزاران و اهالی و ساکنین محله پیرامونی مسجد ارائه می‌کنند. این هم یک مورد دیگری است که از جمله کارهای فرهنگی است.

۱- **برنامه‌های قرآنی:** می‌توانیم بگوییم معاونت فرهنگی با برگزاری برنامه‌های قرآنی با زیرشاخه‌های مفصل و متنوع بر مبنای آیه «إِنَّمَا نُنْصِبُ الْمَسَاجِدَ لِلْقُرْآنِ» اساس کار فرهنگی در مساجد را قرآن قرار داده است. برخی از فعالیت‌های قرآنی معاونت فرهنگی از قرار زیر است:

- تأمین محتوای قرآنی از طریق شبکه‌های مجازی، سایت و پایگاه تخصصی مسجد
- آموزش، تأمین و ارائه کتاب، مقاله و محتواهای چندرسانه‌ای مباحث قرآنی برای مساجد
- برگزاری مراسم قرآنی از طریق تأمین استاد تلاوت قرآن جهت برگزاری کلاس قرآن و کرسی‌های تلاوت به وسیله بعضی مساجد محوری و همچنین پشتیبانی مساجد با اعزام استاد تفسیر
- هم‌افزایی مجموعه‌های قرآنی دیگر و هماهنگی با کمیته شهدای قرآنی جهت تجلیل از شهدای قرآنی هر منطقه با محوریت مسجد با برگزاری مراسم قرآنی

۲- **پیوند با مدرسه:** امور مساجد به کمک کانون‌های فرهنگی و تربیتی مساجد و با تفاهم‌نامه‌ای که با سازمان آموزش و پرورش شهر تهران دارد فعالیت‌های زیر را در حوزه مدارس انجام می‌دهد:

- طرحی با عنوان «امین مبلغ» داریم که در آن ائمه جماعات آموزش لازم را می‌بینند و سپس به مدارس اعزام می‌شوند و ضمن اینکه امام جماعت

۵- ستارگان محراب: یکی دیگر از اقدامات مهم معاونت فرهنگی اجتماعی مرکز رسیدگی به امور مساجد و برگزاری همایش تجلیل از مفاخر ائمه جماعات است.

- در سلسله نشست‌هایی تحت عنوان ستارگان محراب از خدمات فرهنگی و اجتماعی ائمه جماعات خدوم تجلیل گردیده و از مجاهدت‌های ایشان در سنگر مساجد تقدیر می‌شود.

- در مورد ائمه جماعات مرحوم، مراسم بزرگداشت و برای ائمه جماعات در قید حیات، مراسم نکوداشت برگزار می‌شود.

- یکی از ویژگی‌های نشست‌های مذکور قدردانی و قدرشناسی از زحمات، تلاش‌ها و خدمات اهل محراب است که با این اقدام، مرکز رسیدگی به امور مساجد به وظیفه خود در مورد تکریم ائمه جماعت پرتلاش، معنور و خدوم عمل نموده و در این حوزه الگومایی می‌کند تا ائمه جماعات جوان نیز الگوهای عینی برای طی طریق داشته باشند و با همت عالی، در سنگر امامت مسجد به نحو مطلوب انجام وظیفه کنند.

۶- مسجد محوری: در هر ماه برای مساجد محوری استان تهران یک برنامه عملیاتی را طرح‌ریزی می‌کنیم و با محتوایی که در اختیارشان قرار می‌دهیم یک کار فرهنگی خوب را در آن منطقه و محل با همکاری مساجد اطراف اجرایی می‌کنند. - مانند برنامه عملیاتی «صحیفه سجاده» در یک ماه طرح‌ریزی کردیم که کتاب «صحیفه سجاده» به عنوان یکی از کتب ارزشمند، اصیل و ناب اسلام ترویج و تبلیغ بشود. برای این کار جهت تدریس و ارائه صحیفه سجاده محتوایی در اختیار ائمه

جماعات مساجد محوری قرار دادیم و نمازگزاران از طریق صحیفه سجاده‌ای که در اختیارشان قرار گرفته شده بود انس و الفت بیشتری با این کتاب بسیار معتبر و مهم دینی پیدا کردند.

- یکی از موفقیت‌های عملیات فرهنگی در بستر مسجد محوری ازدواج آسان بود. پایه‌ریزی ازدواج آسان به این صورت بود که امام جماعت با گفت‌وگو، سخنرانی و... در این زمینه نقش‌آفرینی بکند و مقدمات ازدواج آسان را فراهم نماید. به عنوان مثال مسجد را جهت مراسم در اختیار زوج‌های جوان قرار بدهد، پیگیری بحث جهیزه‌شان را داشته باشد و...

۷- خدمات اجتماعی: مسجد یک پایگاه خدمات اجتماعی به محله است. خدماتی که با پیگیری امور مساجد انجام می‌شود مانند:

- خدمات اجتماعی در ایام کرونا از بحث گزندزایی محله گرفته تا کمک‌های معیشتی و سبد کالا، وام‌های قرض الحسنه، خدمات درمانی، کمک‌های اجتماعی و... که توسط نمازگزاران و بچه‌های بسیج مسجد در شهر و استان تهران نسبت به اهالی محل و نمازگزاران مسجد انجام می‌شد.

- برای فعالیت‌های خدماتی فرهنگی و اجتماعی امور مساجد پیگیری می‌کند، زیرساخت‌هایش را فراهم می‌کند، تفاهم‌نامه‌ای تنظیم می‌کند، ابلاغ می‌کند به امام جماعت و در واقع شرایط خدمات را برای پیشبرد کار فراهم می‌کند.

۸- باشگاه ایده‌پردازان مسجدی: عمده ایده‌ها و اصل و اساسش توسط خود امام جماعات‌های مساجد تهران مطرح شده‌اند. یعنی در واقع





تجمع تجارب ائمه جماعات است. هر مسجدی به تناسب تجربه‌ای که دارد، تناسب امام-جماعتی که دارد، علمی که دارد، برخوردی که دارد، جرقه ذهنی که برای او حاصل شده، یا فرد نخبه و فرهیخته و توانمندی که توی مسجد پیشنهادی داده، که حالا به توسط آن مسجد اجرا شده یا مثلاً بومی‌سازی شده، این تجربه‌ها از تمام ائمه جماعات توی زمینه‌های مختلف فرهنگی و اجتماعی تجمع شده و به عنوان بخش ایده‌ها توی سایت تنظیم و تجمع شده.

۹- جهاد تبیین: این اقدامات توانمندسازی ائمه محترم جماعات در حوزه جهاد تبیین است که ایشان با ضرورت‌ها، رویکردها، روش‌ها و اولویت‌ها آشنا شده و در اقدامات خود به گونه بهتری عمل کنند.

- حمایت محتوایی و مادی از مساجد ویژه و محوری صورت گرفته و برنامه‌های این طرح، در قالب‌های متنوع اعم از سخنرانی، کرسی آزاداندیشی، میزگرد تخصصی، تربیون آزاد و برپایی نمایشگاه با هدف جذب حداکثری و پوشش بیشتر مخاطبان ارائه گردیده است.

- در این حوزه کانالی در پیام‌رسان ایتا با عنوان «جهاد تبیین» راه‌اندازی شده است، تا اهالی مسجد بتوانند به صورت سریع و آسان به محتوای مورد نیاز مساجد دسترسی داشته باشند.

- این معاونت تعدادی از کارشناسان و متخصصین عرصه جهاد تبیین را نیز به مساجد معرفی نموده است.

- در همین رابطه جهت حضور مسئولین قوای سه‌گانه در مساجد و پاسخ به ابهامات و سؤالات

مردم عزیز برنامه‌ریزی صورت گرفته که در طول سال انجام می‌شود.

- معاونت فرهنگی اجتماعی محتوای لازم جهت برپایی نمایشگاه را در دسترس کارگزاران مساجد قرار داده و در پایگاه تخصصی مسجد زیرپرتالی را تحت عنوان جهاد تبیین راه‌اندازی کرده است.

- امور مساجد پس از دریافت گزارش اقدامات موفق مساجد در حوزه جهاد تبیین، تجارب موفق را در دسترس اهالی مساجد قرار داده و ایده‌های نو به اشتراک گذاشته می‌شود.

۱۰- ارزیابی و رصد: جهت ارزیابی مساجد و ائمه جماعات در بحث فرهنگی، هم خودمان رصد می‌کنیم و هم نمایندگان ما در نواحی این اطلاعات را در اختیار ما قرار می‌دهند. به هر حال دائماً گزارش کارهای ائمه جماعات به دست ما می‌رسد. مثلاً در همین نمونه اخیر، با بعضی از ائمه جماعات در موضوع اعتکاف تماس داشتیم و اطلاعات را جمع‌آوری می‌کردیم متوجه شدیم امام جماعت یک مسجد ایده و هنر تازه‌ای در برگزاری اعتکاف به خرج داده است. او با ائمه جماعات مساجد اطرافش ارتباط برقرار کرده بود و با خوش سلیقگی با مساجد اطراف تقسیم کار کرده بودند؛ به این صورت که یک مسجد پایگاه پسران معتکف، یک مسجد پایگاه دختران معتکف، یک مسجد برای معتکفین بزرگسال آقا و یک مسجد هم برای معتکفین بزرگسال خانم در نظر گرفته بودند. در این مساجد برنامه‌های اعتکاف به فراخور سن و جنسیت تدارک دیده شده بود. به خاطر این ایده مجموعه امور مساجد هم حمایتی از جنس اهدای هدیه به دانش‌آموزان در پایان اعتکاف داشت.

در سرویس همسرانه این شماره به مدیریت ارتباطات خانواده امام جماعت با دیگران پرداخته‌ایم. مطالبی در جهت آگاه‌سازی همسر امام جماعت در نقش مدیر این ارتباطات ارائه شده است و در نهایت دستور پخت حلوی نذری به شیوه پخت انبوه برای ایام فاطمیه ارائه شده است.

همسرانه



راهکارهای رفع تناقض
در سبک زندگی خانواده
امام جماعت و جامعه



حباب تناقض



آیا میان سبک زندگی خانواده
امام جماعت و باقی مردم
تناقض وجود دارد؟



برای تولد ۱۱۸۸ سالگی
امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف، چه
برنامه‌ای داری؟



آموزش مهدویت به
کودکان



تدبیر، تعقل و مادر



آیا میان سبک زندگی خانواده امام جماعت و باقی مردم تناقض وجود دارد؟

معصومه محمودزاده وزیری | نویسنده

۶۰

نشریه محراب
شماره هفتم

تنظیم وقت در زندگی یک خانواده امام جماعت بر مبنای وقت نماز و اذان است؛ در خانواده امام جماعت در این ساعات پدر و بیشتر اوقات مادر را در مسجد خواهد داشت

به ادامه مسیر بپردازند. در مهمانی هم احتمالاً اگر حاج آقا به مسجد نرود نماز جماعت به همراه میزبان در خانه برپا می شود و بعد مثلاً سفره ای انداخته می شود. خب چه تناقضی مثلاً در این تنظیم وقت با نماز، بین زندگی خانواده امام جماعت با مردم وجود دارد؟ بماند که بسیاری از مردم اهل نمازند، اما مقابل آن ها هم که نمازخوان نیستند این مسئله تناقض ایجاد نمی کند. بعید است مثلاً نماز خواندن در یک مسجد بین راهی یا موقعیت هایی شبیه به این برای کسی احساس تناقض ایجاد کند.

زندگی در ذیل حجاب

موضوع حجاب حتماً یک موضوع مناقشه برانگیز است که بسیاری احساس می کنند در میان جامعه مذهبی و باقی مردم یک شکاف تناقض برانگیز وجود دارد. پرسش اینجاست: «مگر حجاب خانواده مذهبی چگونه است؟» حجاب آن ها چادر است و همان حدود شرعی که پوشانده می شود و این پوشش هنوز هم توسط بسیاری در جامعه انتخاب می شود و در خیابان و حتی شبکه های اجتماعی هم بسیار دیده می شود، حالا ممکن

شاید این روزها این پرسش یک پرسش آزاردهنده شده باشد: «آیا میان سبک زندگی مردم و خانواده های روحانیون و طلاب تناقض وجود دارد؟»

پاسخ به این سؤال آن قدر مهم است که اگر باور اشتباهی را ایجاد کند، شاید باعث شود که به صراحت گفت: «بله، تناقض وجود دارد.» قبل از اینکه به سراغ جواب این سؤال برویم باید یک دور سبک زندگی یک خانواده روحانی، امام جماعت یا طلبه را مرور کنیم. مگر در زندگی این خانواده ها چه چیزی وجود دارد که در تناقض با سبک زندگی یک جامعه مسلمان شیعی است؟

زندگی به وقت نماز

تنظیم وقت در زندگی یک خانواده امام جماعت بر مبنای وقت نماز و اذان است؛ در خانواده امام جماعت در این ساعات پدر و بیشتر اوقات مادر را در مسجد خواهد داشت. حتی اگر این خانواده در سفر هم باشند نمازشان را در مسجد خواهند خواند و زمان سفر هم طوری تنظیم می شود که در بین راه، نماز در مسجدی خوانده شود و بعد



چنین ارتباطی را به فرزندانشان نمی‌دهند و اگر چنین اتفاقی هم در آن خانواده‌ها رخ می‌دهد به دور از چشم خانواده است. بنابراین، اینجا هم محل تناقض نیست، چرا که خیلی از آن‌ها هم در آزادی مطلق نیستند و مجوز خانواده را ندارند. برخی‌هایشان در ارتباط آزادند ولی در مقایسه با اکثریت و اقلیت قطعاً تناقض ایجاد نخواهد شد.

زندگی در واقعیت

امکان حضور اجتماعی برای دختران خانواده‌های مذهبی با پوشش اسلامی، امکان پوشش متعارف فرزندان پسر خانواده روحانی، امکان فعالیت‌های اجتماعی، ورزشی و هنری، امکان برقراری ارتباط با افراد دارای سلیق مختلف اجتماعی، امکان رفاقت و سفر رفتن، امکان رستوران رفتن با افراد دارای اعتقادات متفاوت و هر امکان اجتماعی و

است تعداد این افراد در برهه‌هایی کم یا زیاد شود، این چه احساس تناقضی برمی‌انگیزد؟ بحث انتخاب طرفین است و ممکن است یکی چادر را انتخاب کند و یکی نکند، انتخاب به خودی خود تناقض برانگیز نیست.

زندگی در ارتباط چهارچوب‌دار

درباره آزادی‌های فردی و مسائلی مانند روابط دختر و پسر و این‌ها هم باز وضعیت مشخص است، ممکن است بخشی از جامعه رابطه خارج از چهارچوب را انتخاب کرده باشند و فرزندان خانواده امام‌جماعت چنین انتخابی نداشته باشند، یا امکان انتخابش را به طور کل نداشته باشد. این آزادی‌ها هم تناقض برانگیز نیست، چرا که توده جامعه ایران هنوز این روابط خارج از چهارچوب را در خانواده نمی‌پذیرد و بسیاری هم که حتی خانواده‌هایی متشرع نیستند، اجازه

هرگونه احساس تناقض ناشی از یک واقعیت بیرونی نیست، بلکه این نگاه جامعه مذهبی و خانواده‌های مذهبی به جامعه ایرانی است که احساس تناقض را ایجاد می‌کند

قرار دهد، می‌بیند که درون خانواده‌های اکثریت جامعه ایران تعلقات، اعتقادات و نشانه‌های دینی فراوانی وجود دارد که اشتراکات مهمی برای ارتباط‌گیری و رفت و آمد و نشست و برخاست است. تناقض در شرایط فعلی محصول فاصله است، محصول دیدن با واسطه است، محصول روایت دیگران است، وگرنه واقعیت هنوز تناقض برانگیز نیست.

در تناقض هشت وحدت شرط‌دان

وحدت موضوع و محمول و مکان

وحدت شرط و اضافه، جزء و کل

قوه و فعل است و در آخر زمان

از این هشت شرط کدامشان امروز میان سبک زندگی دینی خانواده امام جماعت یا خانواده یک روحانی با خانواده‌های دیگر وجود دارد؟

بعید است یکی دو تا هم محقق شده باشد. پس این احساس محصول اندیشه طرفین است، نه واقعیت موجود.

تعاملی دیگری برای فرزندان و همسر یک روحانی و امام جماعت به‌وفور وجود دارد. هرگونه احساس تناقض ناشی از یک واقعیت بیرونی نیست، بلکه این نگاه جامعه مذهبی و خانواده‌های مذهبی به جامعه ایرانی است که احساس تناقض را ایجاد می‌کند. شاید منصفانه‌تر این باشد که بگوییم بخشی از این فشار از بیرون هم وجود دارد، اما آیا این فشار برای امروز و دیروز است؟ و در طول تاریخ وجود نداشته است؟ قطعاً وجود داشته، اما استراتژی کاهش تنش و برقراری تعامل با اقلیت‌ها و اکثریت‌ها بوده است که باعث شده است سبک زندگی دینی بماند و تکثیر و فراگیر شود.

خانواده مذهبی اگر خودش را در دوره‌های سخت تاریخی و یا در جوامع دیگر متصور شود متوجه می‌شود که با جامعه ایران این روزها تناقضی ندارد، خانواده مذهبی، خانواده امام جماعت اگر خودش را فارغ از رسانه در تعامل با سلاقی مختلف دیگر





حبابِ تناقض

دربارہ عوامل ایجاد باور تناقض در سبک زندگی
خانوادہ مذہبی و سایر اقشار جامعہ

مریم فولادی نسب | پژوهشگر

۶۴

نشریہ محراب
شمارہ ہفتم

**تناقض حبابی رگه‌هایی از واقعیت را هم دارد و تماماً
غیرواقعی نیست، اما عوامل ایجاد آن از زمانی ایجاد
می‌شود که فرد یا افراد قادر به تعامل نیستند و در یک
فرایند فردی برای خود تاروپود اختلافات بنیادین را
می‌بافند و از آن پس بر اساس آن عمل می‌کنند**

به مرور زمان آن قدر ضخامت پیدا نکند که نتوان آن را شکست. نمایان شدن انتخاب‌های گوناگون در جامعه‌ای که تا یکی دو دهه پیش یک‌دست بود باعث شده است تا بخشی از جامعه مذهبی احساس کند که با بخشی دیگر از جامعه دچار تناقض در سبک زندگی شده است و این نتیجه نادرست به علت وجود چند رویکرد اشتباه است که در ادامه به آن خواهیم پرداخت.

**تعمیم یک انتخاب متفاوت به سایر
انتخاب‌ها**

اگر شما به عنوان همسر امام جماعت تنها به علت اینکه فردی در پوشش، انتخاب دیگری داشته است به این نتیجه رسیده‌اید که او در سایر انتخاب‌های اعتقادی هم با شما تفاوت انتخاب پیدا کرده است، سخت در اشتباهید. ممکن است فردی در پوشش به دلایل مختلفی به سبکی متفاوت از شما رسیده باشد، اما در سایر اعتقادات شبیه به هم باشید، مثلاً هر دو در ماه محرم شله‌زرد درست کنید، یا هر دو اگر بتوانید به حج بروید یا اهل نماز باشید و هزارویک وجه اشتراک دیگر داشته باشید.

در مقاطعی از تاریخ که تحولات اجتماعی رخ می‌دهند، گروه‌ها و سلاقی مختلف اجتماعی دچار یک احساس تناقض حبابی می‌شوند، یعنی آن‌ها در یک باور غیرواقع به این نتیجه می‌رسند که میان آن‌ها و دیگران چیزی بالاتر از تفاوت وجود دارد. تناقض حبابی رگه‌هایی از واقعیت را هم دارد و تماماً غیرواقعی نیست، اما عوامل ایجاد آن از زمانی ایجاد می‌شود که فرد یا افراد قادر به تعامل نیستند و در یک فرایند فردی برای خود تاروپود اختلافات بنیادین را می‌بافند و از آن پس بر اساس آن عمل می‌کنند.

آنچه در اتفاقات چند ماه گذشته رخ داد این بود که بخشی از مردم با سلاقی مختلف اجتماعی در ایران دچار تناقض حبابی شدند و به این نتیجه رسیدند که میان آن‌ها و دیگری در هر انتخابی تناقض وجود دارد و یا یکی باید دست از انتخاب‌هایش بردارد، یا باید با او جنگید و یا...

درباره اینکه چرا بخشی از جامعه برابر خانواده‌های مذهبی دچار احساس تناقض حبابی شد صحبت‌های زیادی می‌شود کرد که در چهارچوب این مطلب نیست، اما درباره اینکه این احساس تناقض حبابی در این سمت چرا به وجود آمد می‌شود و باید صحبت کرد، تا جداره این حباب



ریز شدن و زوم کردن در تفاوت‌هایی که با دیگران وجود دارد باعث می‌شود که هم در ذهن فرد و هم دیگرانی که ذهنشان از او آبشخور می‌شود یک تفاوت ساده گسل غیرقابل باوری ایجاد کند که با هیچ منطق و استدلالی نشود آن را پر کرد

هر نوع قضاوت و بر اساس یک نگاه تک بعدی فرد را در موقعیتی قرار می‌دهد که خود را جدا از دیگران و در حبابی از تناقض با دیگران قرا می‌دهد.

ریز شدن در تفاوت‌ها

ریز شدن و زوم کردن در تفاوت‌هایی که با دیگران وجود دارد باعث می‌شود که هم در ذهن فرد و هم دیگرانی که ذهنشان از او آبشخور می‌شود یک تفاوت ساده گسل غیرقابل باوری ایجاد کند که با هیچ منطق و استدلالی نشود آن را پر کرد. اگر شما به عنوان مادر خانواده و همسر امام جماعت مدام در خانه به فرزندان تفاوت‌هایی را که با دیگران وجود دارد بازگو کنید، اگر مدام بگویید «تو شبیه فلانی نیستی، تو نباید مثل فلانی رفتار کنی، تو با بقیه فرق داری، تو پسر یا دختر امام جماعتی و...» اگر این ذکر کردن تفاوت‌ها بیش از حد ادامه پیدا کند و یا حتی برای خودتان بیش از حد تکرار کنید، یک دره بزرگ بین خودتان و دیگران کشیده‌اید که شما را در حباب تناقضی قرار می‌دهد که در آن قادر به هیچ‌گونه ارتباط‌گیری‌ای با دیگران نیستید.

خودتحریمی

یکی از دلایل ایجاد حباب تناقض قطع ارتباط با

این تفاوت فکری شما در یک بخش از سبک زندگی دینی به معنای تناقض کلی سبک زندگی شما و دیگران نیست. بنابراین اگر بر این اساس در حباب تناقض قرار گرفته‌اید، حباب را بشکنید، اگر این احساس را به فرزندان هم داده‌اید آن را اصلاح کنید و از حباب تناقض خارجش کنید.

خودبرترینی

ممکن است شما خود را چنان در موقعیت حق و برتری ببینید که طرف دیگر ماجرا را اساساً خارج از دین تصور کنید و در این دیدگاه هم طبیعتاً به احساس تناقض، نه در سبک زندگی که در تمام ابعاد وجودی با دیگری می‌رسید. سؤال اساسی‌ای که باید از خود پرسید این است که «بر چه اساسی خود را برتر از دیگری می‌دانید؟»، چرا که ممکن است در نزد خدا به دلیلی که خود خداوند می‌داند و بس، جایگاهی داشته باشید که حتی قابل غبطه خوردن باشد.

از نظر قرآن و در آیه ۱۴ سوره نمل، علو و برتری جویی ریشه همه مفاسد اجتماعی است. اینکه انسان خود را در همه امور، نیک و خوب ببیند و دیگران را بد بداند و حتی خوبی دیگران را برنتابد، زمینه‌ساز بسیاری از رفتارهای ناپه‌ن‌جار است. به هر صورت



خانوادهٔ امام جماعت و باقی افراد در جامعه به قول معروف «چشم‌ها را باید شست»، قدری از مسائل را ندید و به تعامل با جامعه ادامه داد. این تناقض یک حقیقت و واقعیت نیست، شاید این روزها چهرهٔ نیم‌بندی هم داشته باشد، اما به مرور زمان، خوش‌بینی و مثبت‌اندیشی، حفظ اعتماد به نفس و نگه‌داشتن کانال‌های تعامل با جامعه احساس تناقض را از میان می‌برد. جامعهٔ ایران در آخرالزمانی‌ترین تصویر خود هم یک جامعهٔ ضد دین نخواهد بود و نیست، این تنها نگرش‌ها هستند که در برهه‌ای از زمان تغییر می‌کنند و باعث تغییر پاره‌ای از انتخاب‌ها می‌شوند، وگرنه حیا و عفاف، خدامداری و محبت اهل بیت عواملی نیستند که جامعهٔ ایران در فرازونشیب‌های سیاسی و اجتماعی آن‌ها را از دست بدهد. با چنین جامعه‌ای احساس تناقض کردن و باور این احساس اشتباه است.

سلیق متفاوت است. ممکن است شما در جایی با فردی که متفاوت از شما می‌اندیشد دچار تنش یا چالش شده باشید، اگر موفق نشوید چالش را در همان نقطه جا بگذارید و در ذهن نگه دارید و مدام با خودتان فکر و یادآوری کنید، به مرور چنان از یادآوری آن چالش دچار تنش و استرس خواهید شد که به خود تحریمی می‌رسید و با رفتن به درون حباب تناقض از هرگونه ارتباط با افرادی که با شما دچار اختلاف بینشی، گرایشی و رفتاری هستند می‌پرهیزید و به خود تحریمی می‌رسید. این موقعیت‌ها این روزها ممکن است به هر دلیلی به وجود بیاید، چه برای شما و چه برای فرزندان، اگر این موقعیت ایجاد شد سعی کنید از آن چالش به سرعت خارج شوید تا به خود تحریمی نرسید.

نتیجه

برای عبور از ایجاد باور تناقض میان سبک زندگی



راهکارهای رفع تناقض در سبک زندگی خانواده امام جماعت و جامعه

حسین رحیمی | نویسنده



در مسیر رود

کنیم، نتیجه طغیان است و نازیبایی گل ولای و خرابی! همان گونه که اگر مقابل جریان رشد افکار و اندیشه ها، بیش از آنچه لایق است اصرار بورزیم و مقابل اندیشه های دیگر قرارش دهیم حاصلی جز نازیبایی ندارد. ما باید باورمند به این گزاره باشیم که هیچ اندیشه ای بدون سنجیده شدن با مخالف خود، قابل اثبات و حتی قابل پذیرش نیست. بنابراین برای یافتن بهترین اندیشه (اولاً در زندگی فردی خودمان!) تعارض، اختلاف، عدم تفاهم یا هر چیز دیگری که نام بگذاریمش، بدترین انتخاب است.

یکی از میوه های این تعارض و اختلاف در جامعه امروز ما، ایجاد شکاف اجتماعی و دوگانگی هایی است که متأسفانه آتش آن روزبه روز شعله و تر می شود. یکی از این دوگانه ها که خود به وجود آورنده تقابل های بسیاری است، تقابل میان مذهبی و غیرمذهبی یا دوگانه عوام و خواص است، که ریشه آن تا عمق سبک زندگی و پیش داوری طرفین تقابل نسبت به یکدیگر رشد

دنیای امروز دنیای اندیشه ها و تضارب آراست. در دنیای امروز ما همواره در معرض تفکرات و رفتارهایی قرار داریم که با آنچه می اندیشم تفاوتی هرچند ناچیز دارد و این یک اتفاق خوشایند است؛ تا آنجایی که به تعارض و تضاد با دیگران منجر نشود. شما یک رودخانه را تصور کنید که هیچ سنگ ریز یا درشتی در مسیر آن وجود نداشته باشد و بستر آن هموار باشد، طبیعتاً از جریان آب در این مسیر هیچ صدای دل نشینی به گوش نمی رسد. با اینکه آب در حال عبور از آن مسیر است، اما درگیر سکوت است. حال اگر چندین سنگ ریز و درشت را میهمان مسیر همین رودخانه کنیم، تازه صدای روح بخش آب گوش های ما را می نوازد. اندیشه های متفاوت مانند همین سنگ های کف رودخانه است، که مسیر کسل کننده آب را به جریان زنده یک رود تبدیل می کند.

حالا تصور کنید همان سنگ ها را در یک نقطه از بستر رودخانه بریزیم و یک سد در مسیر آب درست

بارزترین مصداق مذهبی‌ها در جامعه ما، روحانیون و خانواده‌های آن‌ها هستند که در رسانه‌های حاکمیت اسلامی به عنوان خواص معرفی می‌شوند

برای این دشمن کینه‌توز آسان‌تر خواهد کرده؛ همان‌گونه که گرگی گرسنه طعمه خود را در تنهایی به دام می‌اندازد.^۳ بنابراین شاید بیراه نباشد که بگوییم تلاش در جهت رفع اختلافات و تناقضات میان انسان‌ها یک حرکت مفید در جهت منافع انسان است، چرا که موجب اتحاد و یاری‌گری بیشتر میان انسان‌ها خواهد شد. اتحادی از جنس خیرخواهی، جهل‌زدایی و دانش‌افزایی.^۴

عطرفروش

در این میان، نکته دیگری که حائزاهمیت است، رشد گروه خواص یا همان روحانیون و خانواده آن‌ها در بستر همین ارتباط است. چرا که این ارتباط آگاهی‌های روحانیت را در بستر جامعه به چالش کشیده و به آن‌ها بُعد می‌دهد. به همین سبب روحانیت یا امام‌جماعت هم از آن حیث که وظیفه رسانیدن پیام خداوند به انسان عصر خشک سالی ارتباط با معصوم علیه السلام را دارد و هم از آن بُعد که خودشان نیازمند کاربردی کردن اطلاعاتشان هستند، باید بر ادامه رابطه اصرار بیشتری (نسبت به طرف مقابل) داشته باشند. زیرا طرف مقابل، همین‌که در بالاترین مقام انسانی خود که سخن گفتن با خداوند است، امکان جلوداری و زبان جمعی حمد و ستایش خداوند را به روحانیت سپرده است؛ بستر را برای ارتباطی وثیق و باکیفیت مهیا کرده است و حالا این امام‌جماعت است که باید از این امکان نهایت استفاده را ببرد. حال اگر این عنصر مهم در رابطه میان آدمی و دین با آتش تعارضات از مردم جدا شود مانند عطرفروشی بدون

کرده است. به این معنا که طرفین این اختلاف در سبک زندگی و حتی نوع نگاه به یکدیگر نیز حاضر به ترک موضع اختلافی نبوده و همه چیز خود را پشت سنگر این اختلاف برده و برای مقابله با دیگری هزینه می‌کنند.

بارزترین مصداق مذهبی‌ها در جامعه ما، روحانیون و خانواده‌های آن‌ها هستند که در رسانه‌های حاکمیت اسلامی به عنوان خواص معرفی می‌شوند. خواصی که وظیفه بیان اندیشه‌های دینی برای مردم را بر عهده گرفته‌اند. وظیفه‌ای که ارتباط محکم و باکیفیت میان روحانیت و مردم از ملزومات غیرقابل انکار آن است. در این میان، پروبال دادن به تعارضات و اختلافات، آفت قدرتمندی است که می‌تواند ریشه این ارتباط را خشکانده و شکاف اجتماعی میان روحانیت و مردم را عمیق‌تر کند. بنابراین می‌توان گفت که دامن زدن به این تعارضات، بازی کردن در زمین دشمنی است که سودش در جدایی میان انسان‌هاست.^۱

برابر چنین دشمنی، که تجربه و انگیزه بسیار بالایی برای دست‌وپنجه نرم کردن با آدمی را دارد؛ بهترین و کوتاه‌ترین مسیر، هم‌افزایی است. باید پذیرفت که فرزندان آدم، بدون یاری رساندن به یکدیگر در این تقابل موفق نخواهند شد. از این‌روست که درباره امر کردن هم‌نوع به رفتارهای پسندیده صفت پشت‌گرمی را بیان فرموده‌اند: «هرکس امر به معروف کند به مؤمن نیرو می‌بخشد و هرکس نهی از منکر نماید بینی منافق را به خاک مالیده است.»^۲ خلاصه آنکه فریفتن آدمی که در تعارضات مسیر جدایی را بر گفت‌وگو و حل اختلاف برگزیده،



ایشان باشد. مردم‌آمیزی هوشمندانه‌ترین راهبردی است که یک روحانی برای رسیدن به هدف تبلیغی خود می‌تواند داشته باشد. راهبردی که جای جای تاریخ زندگی معصومین: بهترین شاهد آن است. مردم‌آمیزی، اصلی‌ترین راهبرد در رفتار روحانیت با مردم است؛ چرا که تمامی هویت امام‌جماعت به جماعتی است که اگر نباشند امامت و پیشوایی برایشان بی‌معنا خواهد بود. به این سبب، با مردم بودن و در کنار مردم بودن خود مولد صمیمیتی است که تعارض‌زدا و صلح‌آفرین است.

در رفع تعارضات، با بهره‌گیری از راهکار مردم‌آمیزی، تفاوتی نمی‌کند که این تعارض به سبب یک سوءتفاهم ایجاد شده باشد یا خدایی ناکرده عامل آن خطا و اشتباهی باشد که از امام‌جماعت و خانواده او سر زده است. زیرا در هر دو صورت، مردمی بودن روحانیت محله، امکان گفت‌وگو، عذرخواهی و رفع تعارض را پیشاپیش فراهم آورده است.

دیگر راهکار عدم پیش‌داوری در خصوص سطح باور و اعتقاد مردم به ارزش‌های دینی است. خطایی که متأسفانه، برخی افراد مذهبی به آن مبتلایند و با این عینک به جامعه نگاه می‌کنند که ما مذهبی‌ها

مشتري از هدف خود دور شده است. با این توضیح، اگر دقیق نگاه کنیم، تمامی اختلافات و تعارضات در سبک زندگی امام‌جماعت و جامعه، یا از رفتارهای غیرعرفی امام‌جماعت و خانواده اوست و یا از خطاهایی که متأسفانه از امام‌جماعت یا خانواده امام‌جماعت سر زده است. در تعارضات ناشی از رفتارهای خارج از عرف، کم‌کاری امام‌جماعت در بیان اندیشه‌های دینی پشتوانه آن رفتار به وضوح قابل مشاهده است؛ چرا که اگر پشتوانه منطقی رفتار را برای مردم بیان کرده بود، آن رفتار در عرف جامعه غریب و ناملموس به نظر نمی‌آمد.

همچنین در موارد تعارض ناشی از خطاهای رفتاری امام‌جماعت و خانواده‌اش، نیز مقصر اصلی امام‌جماعت است؛ از این جهت که در قامت پذیرش خطا و عذرخواهی و تلاش برای اصلاح ظاهر نشده است. رفتاری که اگر از امام‌جماعت سر زده بود کار به تعارض و اختلاف نمی‌کشید.

چاره چیست؟

شاید دم‌دستی‌ترین راهکاری که برای رفع تعارضات سبک زندگی خانواده امام‌جماعت و جامعه به ذهن می‌رسد؛ مردم‌آمیزی امام‌جماعت و خانواده

امام جماعت و خانواده ایشان که به نوعی رسالت رسانیدن پیام دین به گوش مردم را دارند نباید با پیش داوری نسبت به همین مردم، و ایجاد مانع بر مسیر این ارتباط، راه هم افزایی و رشد دادن یکدیگر را مسدود نمایند



سوی امام جماعت و خانواده ایشان است؛ هرچند که این رفتارها مبتنی بر منطقی عمیق و ریشه دار باشند. چرا که این گونه رفتارهای موجب می شود، جامعه به دلیل عدم اطلاع از منطق آن، نسبت به روحانیت و خانواده ایشان احساس غریبی و فاصله کند.

روشن است که این راهکار به معنای پذیرش رفتارهای عرفی غلط جامعه نیست، بلکه منظور از این راهکار بالا بردن سطح معرفت عرفی جامعه در اندازه است که دیگر آن رفتار مبتنی بر منطق و ارزش های مستحکم دینی را، رفتار خارج از عرف به حساب نیاورند. بدیهی است که این بالا بردن سطح معرفت نیز مانند دو راهبرد قبلی از مسیر گفت وگو، صمیمیت و خیرخواهی با مردم امکان پذیر است.

تمامی رفتارهایمان مبتنی بر ارزش های الهی است و خب اگر کسی خلاف آن را اعتقاد داشته باشد و یا رفتار کند به انحراف رفته و باید خود را اصلاح کند. این درحالی ست که تاریخ بشریت مملو از خطاهای افرادی ست که رفتارهای خود را در اوج تطابق با دستورات دین و ارزش های الهی تصور می کردند. همچنین احادیث معصومین علیهم السلام پر است از گزاره هایی که رفتار مردم کوچه و بازار را تأیید کرده و آن را به فطرت الهی ایشان نسبت داده اند. البته نباید از این نکته غفلت کرد که فطرت آدمی ممکن است در مسیر تندباد حوادث غفلت آفرین گردوغبار بگیرد؛ و اثرش در رفتار کم رنگ شود. گردوغباری که زدودن آن با نفس حق گفت وگو و هم افزایی امکان پذیر است. اما پیش داوری های ما نسبت به یکدیگر مانع از این هم افزایی و غفلت زدایی است.

بنابراین امام جماعت و خانواده ایشان که به نوعی رسالت رسانیدن پیام دین به گوش مردم را دارند نباید با پیش داوری نسبت به همین مردم، و ایجاد مانع بر مسیر این ارتباط، راه هم افزایی و رشد دادن یکدیگر را مسدود نمایند.

آخرین راهکاری که در مقام رفع تعارضات به ذهن می رسد، پرهیز از رفتارهای فاصله دار با عرف عوام از

پی نوشت:

۱. سوره مبارکه مائده، آیه ۹۱، سوره مبارکه ص، آیه ۸۲

۲. الخصال، جلد ۷۴، ص ۲۳۲

۳. امام علی علیه السلام: «إِيَّاكُمْ وَالْفُرْقَةَ، فَإِنَّ الشَّاذَّ مِنَ النَّاسِ لِلشَّيْطَانِ، كَمَا أَنَّ الشَّاذَّ مِنَ الْعَنَمِ لِلذَّبِّ؛ از پراکندگی بپرهیزید که جدا شده از مردم، طعمه شیطان است، همچنان که گوسفند جدا شده از رمه، طعمه گرگ است.»

۴. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله: «دانایی سرآمد همه خوبی ها و نادانی سرآمد همه بدی هاست». بحار الأنوار، ج ۷۷، ص ۱۷۵، ح ۹





تدبیر، تعقل و مادر

نقش همسر امام جماعت در رفع تناقض میان سبک زندگی
جامعه و خانواده روحانی

دکتر الهام صباحی | پژوهشگر تعلیم و تربیت

۷۲

نشریه محراب
شماره هفتم

تفاوت سبک زندگی گاهی به تناقضاتی
 می‌رسد که نیاز به استدلال ندارد، بلکه
 گاهی نیاز به تأمل دارد. شاخص‌های
 فردی و گروهی می‌تواند حتی در یک
 بستر کوچک، مثل خانواده نیز با هم
 متفاوت شود، زیرا سبک زندگی بر
 اساس تفکر شکل می‌گیرد



بلندگوی آن است، اما سبک زندگی جامعه می‌تواند شاخص‌ها و الگوهای متفاوتی داشته باشد و بر اساس اندیشه‌های متفاوت شکل‌های مختلفی بگیرد، اما رنگ و لعاب اسلامی را در قالب قانون یا در زمینه محیط خانوادگی و اجتماعی به خود بگیرد. از این رو تناقضاتی در شکل اجرای آن دیده می‌شود که امروزه شکل‌های متفاوت آن را می‌بینیم.

تفاوت سبک زندگی گاهی به تناقضاتی می‌رسد که نیاز به استدلال ندارد، بلکه گاهی نیاز به تأمل دارد. شاخص‌های فردی و گروهی می‌تواند حتی در یک بستر کوچک، مثل خانواده نیز با هم متفاوت شود، زیرا سبک زندگی بر اساس تفکر شکل می‌گیرد و اغلب انتخاب سبک زندگی تفکری را شکل می‌دهد؛ خانواده‌های روحانیون اغلب در حفظ ظاهر اسلامی کوشاترند، زیرا به عنوان کسانی که به امور دینی آگاه‌ترند، بیشتر در چشم بقیه هستند و برای بُعد ظاهری و امروزی سبک زندگی تلاش کمتری صورت می‌دهند. عدم جذابیت و به روز بودن ظاهر زندگی در تفکر روحانیون باعث ایجاد تناقض با جامعه می‌شود، انتخاب‌های سبک ظاهری زندگی‌شان موجب می‌شود افراد کمتری در جامعه یا تنها قشری خاص بپسندندشان؛ اینجاست

اگر فرض بر این باشد که امام جماعت نقش محوری در محله دارد، به تبع همسر امام جماعت هم در دیدگاه بانوان و هم در کل محله مورد توجه و زیر ذره بین قرار خواهد گرفت. این توجه می‌تواند خانواده امام جماعت را در محدودیت‌هایی قرار دهد؛ این محدودیت‌ها به دلیل این است که خانواده آن‌ها ناخودآگاه مورد سنجش قرار می‌گیرند و مردم هر اقدام و فعالیت آن‌ها را در سنجش اسلام و به تبع آن انقلاب قرار می‌دهند. از این رو، جامعه‌ای که سبک زندگی ایدئال‌ش را رسیدن به الگوی زندگی محمدی می‌داند و دانسته‌هایش درباره منبر و شخص روی منبر و هر آنچه مربوط به ائمه اطهار است، تنها در حد نظریه است، انتظار دارد که شخص راوی زندگی ائمه اطهار عامل به حرف‌هایش باشد. زنان بیشتر در این زمینه حساسند، از این رو، اگر همسر امام در محله نزدیک به سبک زندگی محمدی رفتار کند، زیر ذره بین است، اگر هم سبک زندگی‌اش متفاوت باشد، باز هم تمام فعالیت‌هایش زیر ذره بین و مورد سؤال است.

زیر سؤال رفتن سبک زندگی امام جماعت بر اساس یک شاخص به اسم اسلام است که خود



همسر امام جماعت به عنوان یک زن محوری شکل دهنده به زندگی خود و حتی تأثیرگذار در زندگی اجتماعی محله می‌تواند با ارائه قدرت تشخیص و انتخاب بر اساس شاخص‌های خانواده‌اش، افراد را آزادانه به سوی اسلام و سبک زندگی اسلامی هدایت کند

شنیدن و فقط شنیدن به دنبال پاسخ‌های ازپیش‌تعیین‌شده‌ایم که عامل بازدارنده در شکل‌گیری یک ارتباط خوب در خانواده و محله است.

همسر امام جماعت می‌تواند هم یک گوش شنوا در خانواده برای شنیدن مشکلاتی باشد که فرزندان‌شان در محیط اجتماعی با آن‌ها درگیرند و هم در محیط اجتماعی یک دریافت‌کننده مشکلات و انتقال آن به امام جماعت باشد.

تسهیلگری در محله و خانواده برای رفع این موانع از کارهایی است که همسر امام جماعت می‌تواند بر عهده داشته باشد. او باید هر قدر بتواند این دو محیط را به هم نزدیک کند و در انجام وظیفه خود توان‌تر عمل کند و این امر میسر نیست جز اینکه اول بدانند و بفهمند مسئله چیست؟ و درد هر مردمی را جز خود مردم نداند. البته اگر نقش همسر امام جماعت را فقط شرکت در نماز جماعت و انجام وظایف عبادی نداند و خود را مسئول بداند و برای حل مشکلات محله و همدلی و ایجاد آرامش در خانواده و اجتماع حساسیت به خرج دهد.

حساسیت در مورد مسائل مختلف بسته به میزان وابستگی یا مشغولیت افراد دارد، در هر صورت هر مسئله‌ای حساسیت‌های خودش را دارد و همسر امام جماعت با ارتقای مهارت‌های اندیشگانی و تسهیلگری مسئله و شنیدن درد از زبان خود مردم می‌تواند تناقضات را به همدلی و آرامش در محله و خانواده تبدیل کند.

که آغاز درگیری و تناقض اجتماعی ست، زیرا در تعلیمات منبری شاخص اسلام تکلیف خاصی در زمینه ظاهر روحانیون تعیین نکرده است که مثلاً «حتماً این‌گونه پیوش، این‌گونه بخور و رفت‌وآمد کن.» بیشتر مواقع شدت این بایدها و نبایدها زمانی زیاد می‌شود که علاوه بر خدا، مردم هم بر زندگی سایه بیندازد و ذره‌بین بر رفتار و عملکردشان داشته باشند.

همسر امام جماعت به عنوان یک زن محوری شکل‌دهنده به زندگی خود و حتی تأثیرگذار در زندگی اجتماعی محله می‌تواند با ارائه قدرت تشخیص و انتخاب بر اساس شاخص‌های خانواده‌اش، افراد را آزادانه به سوی اسلام و سبک زندگی اسلامی هدایت کند؛ طوری که افراد در رفع تناقض‌های فکری از ظاهر به اندیشه برسند، نه اینکه با لج‌بازی و رفتار جبری ناخواسته و اعمال بایدها و نبایدها باعث ناسازگاری اجتماعی شود.

در واقع همسر امام جماعت می‌تواند روی قدرت تفکر فرزندان و خانواده خود کار کند، تا با تأمل روی هر مسئله آن را با زاندیشی کنند و به یک نتیجه برسند، حتی اگر با شاخص‌های زندگی خانوادگی یکسان نبود.

قدرت اندیشه در خانواده و همچنین محله ابتدا می‌تواند از طریق خوب گوش دادن ارتقا یابد. اگر در شنیدن مسائل و مشکلات به خوبی بشنویم و واشکافی کنیم، به راحتی هم می‌توانیم به حل مسئله برسیم. متأسفانه گاهی به جای





محسن رحیمی | طلبه سطح دو حوزه علمیه قم

آموزش مهدویت به کودکان

مقدمه

مهدویت راهکار اصلی خداوند برای برگشت انسانیت به مسیر سعادت و بالندگی ست و انسان‌هایی که عصر ظهور را تجربه می‌کنند، نسبت به آیندگان مسئولیت سنگینی را بر دوش دارند. با توجه به گسترش ظلم در دنیا و وعده حقیقی پیامبر ﷺ: «يَمْلَأُ اللَّهُ بِهِ الْأَرْضَ قِسْطًا وَ عَدْلًا كَمَا مُلِئَتْ ظُلْمًا وَ جَوْرًا!» مهدی اُمت من، کسی ست که همان طور که زمین از بیداد و ظلم پر می‌شود، آن را پر از قسط و عدل خواهد کرد.»

در آینده یک تشنگی غیرقابل انکار به معنویت، سعادت و وجود نجات‌دهنده در وجود بشریت شیوع خواهد یافت. همان طور که تشنگی به ظلم، هوس‌گرایی و دنیاطلبی گسترش یافته است. وظیفه انسان در این عصر تقویت و تداوم این

تشنگی است تا با توکل بر خداوند متعال، سرنوشت حتمی دنیا اتفاق بیفتد و در این راه مهم‌ترین وظیفه متوجه مریبان و والدین است، تا در کودکی چنان بذر مهدویت را در روح و وجود روشن کودکان حک کنند، تا در آینده غباری از مادیات دنیوی آن را نپوشاند. لذا در این نوشتار درصددیم تا با معرفی راهکارهایی به والدین، به‌ویژه مادران در القای اندیشه مهدوی به نسل آینده مؤثر باشیم.

منجی‌گرایی

اولین وظیفه در این راه ارائه تصویر روشنی از حقیقت‌های تلخ دنیا و معرفی طاغوت زمان به نسل جدید است. این کار چنانچه با تبیین ارزش‌ها و رذایل اخلاقی و معرفی جایگاه واقعی دنیاطلبی و نکوهش آن به کودکان صورت بگیرد،





نقشه و قطب نمایید. قطب نما می گوید شمال و جنوب کدام سمت است، اما مقصدمان را باید از روی نقشه بفهمیم. نقشه می گوید شهر شما مثلاً در شمال است، اما از کجا بفهمیم ما کجای نقشه ایم؟ بنابراین اگر در کشتی هزار نقشه و قطب نما هم داشته باشیم، به احتمال زیاد با نقشه ها غرق می شویم یا اشتباه می رویم. چون باید نقشه را بفهمیم تا بتوانیم از قطب نما استفاده کنیم.

در مسیر دنیا به آخرت نقشه به مثابه قرآن و قطب نما عقل انسان است. اما تا ناخدای نقشه خوان که همان امام است نباشد، نمی توانیم به مقصد برسیم، چرا که درک کامل کلام خدا نیاز به مفسری دارد که آگاه به اسرار خدا باشد. لذا وجود فردی حاذق و راه بلد که می تواند ما را از گمراهی نجات دهد نیاز است، پیامبر اسلام ﷺ می فرماید: «إِنْ مَثَلَ أَهْلِ بَيْتِي فِي أُمَّتِي كَمَثَلِ سَفِينَةِ نُوحٍ فِي قَوْمِهِ؛ مَنْ رَكِبَهَا نَجَا وَمَنْ تَرَكَهَا غَرِقَ»^۲ مَثَلِ اهل بیت من در میان ائمتّم، مَثَلِ کشتی نوح است در میان قوم او؛ که هرکس سوار آن شد نجات یافت و هرکه رهایش کرد غرق شد.»

شرح دلیل غیبت و معرفی نقش انسان در عصر غیبت

بعد از اثبات وجود حضرت صاحب الامر این سؤال در ذهن کودک به وجود می آید که: «چرا

موجب تشنگی به معنویت و احساس نیاز به ظهور منجی در کودکان خواهد شد.

این کار نه تنها امید را در قلب های تازه جوانه زده کودکان نمی کشد، بلکه امیدی سازنده را پایه می گذارد، تا کودکان را در مسیر رشد حقیقی رهنمون سازند. برای انجام این کار بهتر است هر روز با کودکان در رابطه با آنچه او درباره اطراف و جهانش اطلاعات کسب کرده صحبت کنید، و با معرفی صفت های رذیله، به کودکان قدرت قضاوت را در مورد تحولات و اتفاقات دنیا اعطا کنیم.

در ادامه با ارائه ادله عقلی و انکارناپذیر، آن هم در قالب تمثیل و داستان مطابق با تقویت روح منجی گرایی در روان کودکان باور قلبی ایشان را به ظهور منجی روشن کنیم. به طور ویژه در انتخاب این داستان ها باید دقت کنیم که تکیه بر برهانی عقلی و استدلالی غیرقابل انکار کنیم، تا در وجود نسل آینده ایمان ساز جلوه کند و با شبهه ها این باور از بین نرود.

امثله ۱: همان طور که سرسبزی و طراوت یک باغ به چیدن علف های هرز و هرس کردن شاخه های مزاحم که مانع رشد دیگر شاخه ها است بستگی دارد، جهان هم به باغبانی نیاز دارد تا افرادی را که دست از هرزگی و گمراهی برنمی دارند هرس کند تا مانع رشد دیگر افراد نباشند.

امثله ۲: فرض کنید در کشتی هستید و می خواهید مسافران را به مقصد برسانید. برای این کار نیازمند

پیامبر اسلام ﷺ می فرماید: «إِنَّ مَثَلَ أَهْلِ بَيْتِي فِي أُمَّتِي كَمَثَلِ سَفِينَةِ نُوحٍ فِي قَوْمِهِ؛ مَنْ رَكِبَهَا نَجَا وَمَنْ تَرَكَهَا غَرِقَ؛ مَثَلُ أَهْلِ بَيْتٍ مَنْ دَر مِیَانِ اَمَّتَم، مَثَلُ کشتی نوح است در میان قوم او؛ که هرکس سوار آن شد نجات یافت و هرکه رهايش کرد غرق شد.»

مثال ۲:

سؤال های زیر را مطرح کنید و از کودک نظرش را بپرسید.

«اگر هنگام صحبت کردن معلم در کلاس شلوغ کنید و اصلاً به تذکر معلم گوش ندهید چه اتفاقی می افتد؟ آیا شما و دوستانتان می توانید از مطالب معلم چیزی بفهمید؟»

«اگر چند بار گوشی همراه خود را بشکنید، پدر دوباره برای شما گوشی نو می خرد؟»

«اگر با تلویزیون بد برخورد کنیم و خراب شود، باز می توانیم کارتون تماشا کنیم؟»

بعد از طرح سؤال های فوق و ارائه پاسخ صحیح به کودکان توضیح دهید که نظم اجتماعی در خانواده و جامعه ایجاد می کند که وقتی طرز برخورد صحیح با افراد و اشیا را ندانیم از وجود آن ها تحریم می شویم، به نوعی هنگامی که از داشته ها و نعمت هایمان درست استفاده نکنیم، آن ها را از دست می دهیم. همان طور که در طول سالیان دراز انسان ها با ستم به امامان و پیشوایان خود موجب غیبت ایشان شدند. انسان امروز هم باید با انجام وظایفی که ما در قبال ایشان داریم که از جمله آن خواستن و تلاش برای ظهور امام است، شرایط ظهور منجی را فراهم کنیم.

ان شاء الله بتوانیم با بیان هنری و مثالی درک مسائل مهدویت را برای نسل آینده، تسهیل کنیم تا مقدمه ساز ظهور حضرت باشیم.

بی نوشت:

۱. کتاب سلیم بن قیس، ص ۴۲۹.

۲. ۱/ الاحتجاج، ۵۸/۳۶۱.

آن حضرت غایب است؟» در این مرحله والدین و مربیان باید همراه با ترسیم شرایط تاریخی صدر اسلام این بینش را برای کودکان به وجود بیاورند که خواست و اراده جمعی مردم دنیا یکی از لازمه های ضروری موفقیت منجی است و خداوند تا زمانی که این اراده مستحکم و این خواست در افکار مردم دنیا پدید آید منجی اش را ذخیره کرده است. لذا وظیفه همه ما آشنا کردن اطرافیان با منجی و ایجاد علاقه به ظهور آن حضرت است و اینکه انتظار به معنای منتظر شدن و کاری نکردن نیست، بلکه باید احساس نیاز به منجی را در دیگران به وجود آوریم.

برای این کار پیشنهاد می شود برای کودک از طریق زبان معما و تمثیل، مسئله سازی کنیم تا مطلب فوق را بهتر درک کنند. به عنوان مثال:

مثال ۱:

می توانیم یک اتوبوس خیالی را ترسیم کنیم و کودک و دوستانش را مسافر خیالی این اتوبوس بدانیم و از کودکان بپرسیم: «وجود چه قطعاتی در اتوبوس برای رساندن ما به مقصد ضروری است؟» طبیعتاً پاره بودن صندلی ها و شکسته بودن شیشه ماشین خللی در حرکت خودرو ایجاد نمی کند، اما سلامت موتور خودرو و چرخ هایش برای حرکت خودرو ضروری است.

برای تحقق امر ظهور هم لازم است تا شرایط ظهور فراهم شود، اعتقاد مشارکت و پیروی از امام عصر شرایط اجتماعی ظهور است و تا فراهم نشود، طبیعتاً ظهور اتفاق نمی افتد.



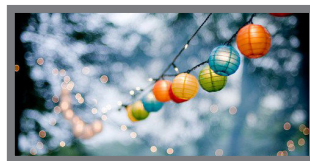
برای تولد ۱۸۸ سالگی امام زمان عَجَّلَ اللَّهُ تَعَالَى فَرَجَهُ الشَّرِيف، چه برنامه‌ای داری؟

**شما برای هرچه باشکوه‌تر برگزار شدن این تولد،
چه برنامه‌ای دارید؟**

■ **تزئین منزل:** همان‌طور که برای برگزاری یک تولد نیاز است محیط جشن آذین شود، برای جشن خانگی نیمه شعبان هم باید از تزئینات استفاده کنیم. درست کردن ریشه‌های کاغذی با کاغذهای رنگی با زورق کار سختی نیست. شما به چند ورق کاغذ رنگی، زورق، قیچی و چسب نیاز دارید. حتماً برای ساختن ریشه‌ها از بچه‌های خانه کمک بگیرید. بعد از ساخت، ریشه‌ها و آویزها را جلوی در ورودی یا روی دیوار سالن نصب کنید. اگر چند بادکنک هم داشته باشید که چه بهتر...

نیمه شعبان، تولد امامی ست که هم عصر با ماست. امامی که حاضر است و ناظر، درک عظمت این ماجرا می‌تواند در تمامی مراحل زندگی کارگشا باشد. انس با امام عصر عَجَّلَ اللَّهُ تَعَالَى
فَرَجَهُ الشَّرِيف برکات زیادی به همراه دارد و این انس و صمیمیت می‌تواند زندگی فردی و اجتماعی‌مان را دستخوش تغییر کند. نیمه شعبان فرصت خوبی ست تا والدین، فرزندان خود را با امام زمان عَجَّلَ اللَّهُ تَعَالَى
فَرَجَهُ الشَّرِيف آشنا کنند و رشته‌های الفت بین فرزندان و مولا را محکم سازند. کودکان و نوجوانان عاشقان شادی و هیجانند و نیمه شعبان یک تولد بزرگ است.

نیمه شعبان، تولد امامی است که هم عصر با ماست. امامی که حاضر است و ناظر، درک عظمت این ماجرا می تواند در تمامی مراحل زندگی کارگشا باشد



خانواده باشد انتخاب کنید و پس از صرف ناهار به تماشای آن بنشینید. انیمیشن های ایرانی مانند «شاهزاده روم»، «فیل شاه» یا آثار سینمایی طنزی که برای مخاطب کودک و نوجوان ساخته شده، می تواند برای خانواده تان مناسب باشد. البته اگر فرصت و شرایط رفتن به سینما را دارید، بلیت بگیرید و با یک ظرف پاپ کورن روزی زیبا برای خودتان و خانواده رقم بزنید.

ی ک هدیه کوچک: خریدن یک هدیه کوچک کار سختی نیست، اما شیرینی اش غیرقابل وصف است، ابتدا میزان هزینه ای که می توانید برای خرید کنار بگذارید بررسی کنید، بعد با توجه به بودجه برای اهل منزل هدیه تهیه کنید. یک جلد کتاب، یک جفت گل سر، روسری، جعبه مداد رنگی، یک بازی فکری یا... می تواند هدیه ای مناسب و غافل گیرکننده باشد.

خرید در روز عید: عید نوروز نزدیک است، بسیاری از خانواده های ایرانی برای نوروز خرید می کنند؛ رخت و لباس نو، کفش جدید و... چه خوب است که اگر قصد خرید دارید، نیمه شعبان را بهانه ای قرار دهید برای تهیه لباس جدید. مثلاً بگویید: «امروز که عیده، بریم بازار برای خرید». شما اقلام مورد نیازتان را می خرید، همان بودجه ای را که قرار است چند هفته دیگر خرج کنید به فروشنده می پردازید، اما هم زمانی این خرید با تولد امام عصر، نشاط و لذت دیگری دارد و خاطره ای خوب برای فرزندتان می سازد.

پخش چند مولودی: عید یعنی روز شادی، پس گوشی تان را بردارید و چند مولودی مناسب با مناسبت نیمه شعبان دانلود کنید. صبح نیمه شعبان، قبل از صرف صبحانه می توانید با پخش کردن این مولودی ها، اهل منزل را شاد کنید. یک مولودی شاد و یک کف خانوادگی به همراه صلوات برای تعجیل در ظهور امام عجل الله تعالی فرجه .

پخت شیرینی و کیک: جشن تولد است و شیرینی و کیک. در روز نیمه شعبان با کمک بچه ها و با استفاده از مواد اولیه ای که در همه خانه ها یافت می شود یک کیک کوچک یا چند کلوچه بپزید. تزئین کیک و شیرینی ها را به بچه ها بسپارید. کمی شکلات یا گردو، برشی توت فرنگی یا یک قاشق مربا و مقداری پودر قند می تواند ظاهر زیباتری به کیک و کلوچه های خانگی تان ببخشد.

یک مسابقه هیجان انگیز: بازی برای بچه ها عین زندگی ست و نیمه شعبان بهترین فرصت است تا والدین با فرزندان خود بازی کنند و با آن ها وقت مفید بگذرانند. چند مسابقه طراحی کنید؛ مثلاً سبدی را روی دیوار قرار دهید و برای پرتاب توپ درون سبد امتیاز قائل شوید، اسم فامیل بازی کنید، یا نقاشی چهره یکدیگر را بکشید، یا سراغ پانتومیم بروید، دوز، منچ، بازی حق نداری بخندی، بله یا خیر معکوس و... می تواند از نیمه شعبان یک خاطره خوش برای فرزندانتان بسازد.

تماشای انیمیشن یا فیلم: یک انیمیشن یا فیلم که موردپسند و مناسب سن اعضای کوچک تر





و اجازه دهید بچه‌ها در مسجد یا حیاط مسجد با یکدیگر بازی کنند، اگر سخنرانی مرتبط با امام عصر هم برقرار باشد، که چه بهتر.

■ **نکته آخر:** شرایط و محل زندگی، سن افراد خانواده و روحیاتشان با هم متفاوت است. مهم این است که در نیمه شعبان، با توجه به شرایط خانواده خود بهترین تصمیم را بگیرید و شادترین برنامه‌ها را برگزار کنید. سر زدن به اقوام، رفتن به زیارتگاهی در محل زندگی‌تان، یک سفر کوتاه به قم یا شاه عبدالعظیم، پرچم زدن جلوی در خانه، بردن یک پیش‌دستی خوراکی برای همسایه‌ها، یک ناهار خوش مزه، رفتن به پارک، در آغوش گرفتن و بوسیدن بچه‌ها و بسیار موارد دیگر می‌تواند برای ساختن یک جشن خانوادگی خاطره‌انگیز برای تولد مهربان‌ترین و عزیزترین امام به کمک شما بیاید.

■ **حلقه گفت‌وگو:** هم بزرگ‌ترها و هم کوچک‌ترها در مورد امام عصر پرسش‌های مختلفی دارند. مثلاً در مورد طول عمر حضرت، مکان زندگی‌شان، زمان ظهورشان و... در این روز مبارک یک حلقه گفت‌وگو تشکیل دهید، با خواندن دعای فرج جلسه را آغاز کنید و بعد با پرسشی ساده مثل: «کی می‌دونه نام مادر امام عصر چیه؟» بحث را شروع کنید. در خلال این ماجرا، هم مشارکت فرزندان را بالا می‌برید، هم با سؤال‌ها و شبهاتشان آشنا می‌شوید، هم می‌توانید با زبانی ساده و شیرین به آن‌ها پاسخ‌های درستی ارائه دهید.

■ **نماز جماعت خانوادگی:** غروب نیمه شعبان، بهترین فرصت است تا با لباس‌هایی آراسته و یک بسته شکلات، راهی مسجد شوید. در راه به افراد محله شکلات تعارف کنید و نماز جماعت بخوانید

حسین علی‌محمدی